

بررسی فقهی - حقوقی مقررات بانکداری بدون ربا در ایران و پیشنهاد لایحه و آئین‌نامه اجرائی بانکداری راستین

بیژن بیدآباد^۱

چکیده

در این مقاله مبانی عملیاتی و اصلی بانکداری بدون ربا و ابزارها و فرآیندهای بانکی در ایران از لحاظ حقوقی و فقهی تحلیل می‌شوند. در این ارتباط کاستی‌های متدولوژی فقه متداول و نارسایی در شیوه استنباط احکام، اصل حکمت در اصول فقه و کم توجهی به کتاب و تأکید بر متون روائی و راه حل کشف احکام شارع مقدس تحت بررسی قرار می‌گیرد. موانع برقراری بانکداری غیرربوی و مسائل مختلف در ارتباط با آن بررسی شده و با طرح و مقایسه معیارهای تمیز ربا، کاستی‌ها و نقصان عقود رایج در بانکداری ایران از لحاظ ورود به حریم ربا بیان می‌گردد. نتیجه گیری می‌شود که بسیاری از عملیات مالی بانکی رایج در ایران ذاتاً وارد در حریم ربا هستند.

بخش دیگر مقاله به بیان اصول عملیاتی، مالی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، حقوقی، بین‌المللی و سازمانی در بانکداری راستین پرداخته و نهادهای جدید حقوقی و عقود جدید و اصلاحات لازم برای برخی عقود معین در قانون مدنی معرفی و سرفصل‌های لایحه و آئین‌نامه اجرایی پیشنهادی بانکداری راستین ارائه می‌شود. این دو سند توانایی آن را خواهند داشت تا نواقص بانکداری بدون ربا را رفع نمایند. در پایان به تعاریف و مفاهیم پایه در بانکداری راستین می‌پردازیم.

کلیدواژه: بانکداری، بانکداری بدون ربا، بانکداری اسلامی، بانکداری راستین

مقدمه

ملاحظات ربا منشاء تمایز بانکداری در یک نظام اسلامی و سایر نظام‌ها است.^۲ تورات و انجیل و سایر کتب

^۱ دکتر بیژن بیدآباد، مشاور ارشد بانکداری اسلامی، بانک ملی ایران

bidabad@yahoo.com biijan@bidabad.com <http://www.bidabad.com/>

^۲ گرچه این تمایز علی‌الوصول اشتباه است زیرا اسلام به معنی تسلیم امر نبی یا ولی یا وصی بودن است و گرنه پیروان همه انبیاء و اولیاء و اوصیا علیهم السلام همگی مسلمان هستند بلکه غیر از اسلام دینی در عالم نیست و فرمود: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۸۵) به این معنی که هر کس غیر از تسلیم (امر) شدن روش دیگری را گزیند پس هرگز از او قبول نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است. به بیان دیگر، در آیه قبل از این آیه می‌فرماید: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ مَا أوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ وَ لَنُفَرِّقَنَّ بَيْنَ أَخْدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» یعنی بگو ما به خداوند و آنچه بر ما نازل شد و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از پروردگارشان داده شده ایمان داریم و هیچ فرقی بین هیچکدام آنها نمی‌گذاریم و ما تسلیم شدگان به امر او هستیم. به عبارت دیگر کلیه ادیان ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبط‌های (یعقوب) و موسی و عیسی و سایر پیامبران علیهم السلام همه اسلام بوده و هر کس در زمان خود تسلیم امر آنها یا صاحبان

آسمانی نیز همگی دلالت بر حرمت ربا دارند و همگی در حرمت ربا متفق القول هستند ولی در اینکه ربا چیست اختلاف فراوان است. این موضوع خود دلیلی است که نباید با مسلمان و اسلامی شمردن خود باقی پیروان ادیان جهان را - که همه آنها هم مثل ما مسلمانند - غیرمسلم و غیراسلامی بدانیم و بانکداری آنها را ربوی خوانیم. فقط اگر آراء فقهای که خرید و فروش اسکناس را با محدود شمردن آن جایز می‌دانند قبول نماییم هیچ بانکداری در عالم ربوی نخواهد بود. این آراء آنقدر زیاد هم هست که سرفصل جدیدی را در این باب در فقه باز کرده است.^۳ از طرف دیگر باید اذعان داشت که فقه و شریعت ما نوع متکاملی از شریعت موسی علیه‌السلام است و بسیاری از موارد فقهی که در قرآن ذکر نشده و در فقه آمده مثل رجم، در قرآن نیامده ولی در تورات هست.^۴ به طور کلی شریعت محمد (ص) در تکمیل شریعت انبیاء سلف بوده و مستقل نیست بلکه حتی جدال حضرت با عالم نمایان یهود بر این بوده که همواره شما بدون استناد به تورات احکام شریعت را بیان می‌دارید و این خلاف است و در این باب می‌فرماید:^۵ اگر راست می‌گوئید تورات را بیاورید و بخوانید (تا ببینید که حرف شما با تورات مطابقت ندارد) پس هر کس بعد از این بر خدا افترا بزند (خلاف امر خداوند در تورات گوید) ظالم است و (ای پیغمبر) بگو خدا راست گفت پس از آیین ابراهیم حنیف (که در تورات آمده و پیامبران سلف بر آن بوده و من هم بر آن رویه‌ام) پیروی کنید و از مشرکین نباشید.

با نگاهی گذرا به ابواب فقه دریافت می‌شود که بسیاری از عبادات، فرایض، حدود، احکام و غیره در تمامی ادیان مشترکند. زیرا انبیاء با امضا احکام قبل یا تاسیس احکام جدید اقدام به طرح راه حل متناسب با عصر خود نموده‌اند. احکامی تأسیسی به علت تغییر مقتضیات زمانی یا مکانی توسط پیامبر عصر ابداع می‌شود و احکام امضایی احکام پیامبران سلف است که پیامبر بعدی آن‌ها را تأیید می‌نماید.^۶ در بیان شریعت حضرت ختمی مرتبت (ص) می‌فرماید:^۷ «چون انبیا

اجازه از طرف آنها شده باشد مسلمان است. در آیه قبل از این دو آیه موضوع کلی تری را می‌فرماید: «أَفَعَيِّرَ دِينَ اللَّهِ يَتَّبِعُونَ فَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» یعنی آیا جز دین خدا را می‌گیرند؟ هر کس در آسمان‌ها و زمین است چه بخواهد و چه نخواهد مسلمان است و به سوی او باز می‌گردد. دقت در مفاهیم آیات فوق این مطلب را به ذهن متبادر می‌کند که پس علت این همه جنگ‌های دینی و مذهبی چیست؟ ما همه مردم کره زمین بر اساس آیات فوق در نحله اسلام قرار داریم و اگر مرحله بیعت و به تسلیم اولی الامر رسیدیم در اسلام خاص و یا اسلام تشریحی یا تکلیفی قرار خواهیم گرفت.

^۳ در این باب نگاه کنید به بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی (۱۳۸۲) تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.

^۴ در انجیل یوحنا آمده است که عیسی (ع) در جمع مریدانش نشست بود. گروهی، زنی را که مرتکب گناه شده بود آوردند. در تورات حکم آن گناه رجم بود. عیسی (ع) به آنان فرمود: هر کس از شما گناهکار نیست، حکم را اجرا کند. همه رفتند، عیسی (ع) ماند و آن زن. عیسی (ع) به آن زن فرمود: کسی علیه تو فتوایی ندارد؟ زن گفت: نه. پس فرمود: بنابراین من هم بر تو فتوایی ندارم، برو و دیگر مرتکب گناه مشو. در انجیل دیگر آمده است که عیسی (ع) فرموده: آمده‌ام تا احکام تورات را در میان مردم زنده کنم. گمان نکنید که آمده‌ام تا تورات و صحف انبیاء را از میان بردارم و یا از کار اندازم و باطل سازم، بلکه آمده‌ام تا آنها را در جامعه رواج دهم. همچنین نگاه کنید به تفاسیر مجمع البیان و نمونه در ذیل آیه ۲۳ سوره مائده.

^۵ سوره آل عمران آیات ۹۵-۹۳. «فَاتُوا بِالَّتُورَاتِ فَاتَلَوْهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. فَمَنْ إِفْتَرَىٰ عَلَيَّ اللَّهُ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

^۶ سوره بقره، آیه ۱۸۳. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» روزه را برای شما مقرر کردیم همانطور که برای کسانی که قبل از شما بودند مقرر نمودیم.

سوره نساء، آیه ۱۶۳. «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ» (ای محمد) همانا به تو وحی کردیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد

سلف نسبت به جناب ختمی مآب (ص) ناقص و شریعت و منهاج آنها نسبت به شریعت و منهاج آن بزرگواران ناتمام بود هر یک به اقتضای وقت خداوند برای آنها شریعتی و منهاجی قرار داد و شریعت هریک غیر دیگری و طریقت هریک و آداب سلوک آنها جدا از سابق و لاحق می‌بود و از این جهت بود که نبی لاحق نسخ می‌کرد شریعت سابق را و تغییر می‌داد آداب سلوک آن سابق را، تا رسید مرتبه به خاتم الانبیا که مقام آن حضرت مقام اطلاق بود...».

سابقه و تاریخچه

حذف ربا در اذهان دولتمردان ابتدای انقلاب به گونه‌ای بود که برخی از اعضای هیئت دولت موقت آقای بازرگان تهدید کردند که در صورت عدم حذف ربا استعفا خواهند داد. این موضوع از همان ماه‌های نخستین سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۱ همچنان در کش و قوس نظرات و دیدگاه‌های مختلف بود تا اینکه در سال ۱۳۶۱ پیشنویس لایحه قانون عملیات بانکداری بدون ربا تدوین و در سال ۱۳۶۲ به تصویب و سال ۱۳۶۳ به اجرا درآمد و مقرر شد که این قانون فقط به مدت پنج سال اجرا شود. نویسندگان و تصویب کنندگان آن نیز بر ضعف آن اشراف داشتند و همچنان علیرغم تمام آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که برای آن نوشته شد همچنان دچار ضعف‌های اساسی بسیاری است. البته تا آن زمان تجربه‌ای در زمینه انجام عملیات بانکی بدون ربا به شکل یکپارچه وجود نداشت و هیچ کشوری سیستم یکپارچه بدون ربا را آزمایش نکرده بود تا معایب و کاستی‌ها یا نقاط قوت آن مشخص شده باشد تا قانونی سنجیده تدوین گردد. قانون عملیات بانکی بدون ربا، راه حل جدید و راهکار بانکی تازه‌ای تعریف نکرد و فقط چند عقد را از قانون مدنی که مستنبط از کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (قرن هفتم) بود مجدداً تعریف نمود. البته قانون مدنی هم بیانی دیگر از همین کتاب است و دیگر فقها حتی آیت الله خمینی در کتاب تحریر الوسیله مفاد همین کتاب را بسط داده‌اند. عقود نظیر مضاربه، مساقات، جعاله مزارعه، اجاره، شرکت و قرض که در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ (و اصلاحیه‌های بعدی آن) تحت عنوان عقود معین تصریح شده‌اند مجدداً در قانون عملیات بانکی بدون ربا تکرار شدند. در این بین شرکت به بیانی دیگر (مشارکت حقوقی و مشارکت مدنی و سرمایه‌گذاری مستقیم) و قرض با نامی دیگر (قرض الحسنه) و نوعی اجاره (اجاره به شرط تملیک) وارد متن قانون عملیات بانکی بدون ربا شدند و واژه وام به تسهیلات و واژه بهره به سود و واژه پس‌انداز به سپرده تغییر نام دادند. بیش از این تصریح حرمت ربا بود که باعث شد بسیاری از ابزارهای تأمین مالی مانند اوراق قرضه دولتی و خصوصی ممنوع شوند و قانون عملیات بانکی بدون ربا جایگزینی برای آنها معرفی نمود و عملاً مواد ۷۱-۵۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و الحاقیه جایگزین مواد ۳۰۰-۱ مصوب ۱۳۴۷ و الحاقیه‌های بعدی و سایر مواد مرتبط با مواد مذکور که وظیفه تأمین مالی در اقتصاد را از طریق انتشار اوراق قرضه و تبدیل آنها به سهام داشتند را معطل نمود. لذا تأمین مالی و پذیره نویسی شرکت‌های خصوصی، شهرداری‌ها، سازمان‌ها، بنیادها و حتی دولت و شرکت‌های دولتی از لحاظ شیوه تأمین مالی از طریق اوراق قرضه معارض این قانون قرار گرفت و در عمل نسخ شد و قانون عملیاتی

از او وحی کردیم.

«... اعطی محمداً (ص) شرایع نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام التوحید و الاخلاص و خلع الانداد و الفطره و الحنیفه المسحه...» حدیث مروی از حضرت صادق (ع) از کتاب ایمان و کفر کافی. مجمع السعادات تالیف حضرت حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران.

^۷ مجمع السعادات تالیف حضرت حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران.

بانکی بدون ربا مسبب اصلی بود زیرا با ربوی شمردن اوراق قرضه عملاً آن‌ها را از چرخه اقتصاد خارج کرد. بانک مرکزی با خرید و فروش اوراق قرضه در بازار، می‌تواند بر حجم نقدینگی اثرگذار باشد و از لحاظ سیاست‌گذاری پولی این موضوع بسیار حائز اهمیت است و بدون در اختیار داشتن اوراق بهادار مناسب بانک مرکزی نمی‌تواند حجم پول را مدیریت و کنترل نماید. در سه و نیم دهه گذشته همواره نرخ تورم دو رقمی بوده و بانک مرکزی نتوانسته حجم نقدینگی را کنترل کند. دولت نیز توسط اوراق قرضه می‌توانست کسری مالی خود را تامین کند و با انتشار اوراق قرضه از اقتصاد قرض بگیرد و در سررسید اوراق بازپرداخت کند ولی بدون اوراق قرضه چنین مکانیزمی برایش مهیا نیست. نتیجتاً سیاست‌های مالی نیز همانند سیاست‌های پولی، ناتوان شدند.

بانک‌ها باید این قانون را به گونه‌ای تفسیر می‌کردند و عملیات بانکی خود را با آن تطبیق می‌دادند، که مشکلات عدیده‌ای منجمله برخورد صوری با عقود را به وجود آورد. البته بانک مرکزی و بانک‌ها تلاش کردند برای این قانون آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی تهیه کنند و تلاش آنها فقط باعث تفسیر عقود شد و اثر خود را در قراردادهای نشان داد و هر بانکی تفسیر خاصی از این عقود ارائه کرد که منجر به ورود مجدد ربا و نرخ بهره ثابت در عقود بانکی شد و ذیل عنوان نام عملیات بانکی بدون ربا، عملاً بانک‌ها همراه با تشریفات اضافه ربوی عمل می‌کردند.

در حال حاضر نیز، عقود به شکل صوری استفاده می‌شوند، حتی در بسته‌های سیاستی - نظارتی بانک مرکزی هم که از چند سال پیش به تصویب می‌رسد، حتی برای عقود مشارکتی نرخ بهره ثابت تعیین می‌شود. در حالی که مبنای مشارکت نرخ بازدهی متغیر است. بطورکلی در عملیات سپرده‌گذاری و وام، تنها ظاهر عقود شرعی است ولی عملاً ربوی هستند. برای مثال، در سپرده‌گذاری‌ها یا گواهی مشارکت (که ابزار متحول شده‌ای نسبت به اوراق قرضه است)، نرخ بهره علی الحساب و نرخ بهره قطعی اعلام می‌شود که تفاوت زیادی با هم ندارند و حتی در بسیاری از موارد نرخ‌ها قطعی هم نشده و همان نرخ‌های علی الحساب قطعی تلقی شده‌اند. قراردادهای وام هم مشکلات عدیده دارند. حتی قراردادهایی به ویژه در بانک‌های خصوصی منعقد می‌شود که در آن‌ها نرخ بهره، منوط به دستورالعمل‌های بانک است. این موارد، نه تنها مشمول ربا بلکه غبن، ظلم و غرر که در بانکداری اسلامی ممنوع است را هم به همراه دارد و اضافه بر این حیل‌های شرعی را نیز متداول کرده است.

نقش زمان در مفهوم ربا

اعراب به حضرت رسول (ص) عرض کردند که فروش مدت‌دار ربا نیست و این آیه^۱ نازل شد که «قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا». شأن نزول این آیه در ارتباط با خرید و فروش مدت‌دار خرما بود؛ یعنی خرما الان فروخته می‌شد و بهای آن بعد از مدتی به مقدار بیشتری اخذ می‌شد. در این آیه و در مجموع هفت آیه در قرآن در مورد ربا، به صراحت این نوع گرفتن بهره تحریم شده است. مسئله اساسی در تفسیر نرخ بهره و ربا است. اشتباهی که در فقه رخ می‌دهد این است که فقها به «زمان» به عنوان «اساس» برای تعریف ربا نمی‌پردازند. عنوان می‌شود که اگر مبادله‌ای به مازاد صورت بگیرد ربا است. اما نمی‌گویند هیچ وقت مبادله‌ای به مازاد در زمان حال صورت نمی‌گیرد. مثلاً فردی در زمان حال وجه (یا کالای) مشخصی را به دیگری بدهد و نفر دوم همان وجه (یا کالا) را در همان زمان به نفر اول

^۱ سوره بقره، آیه ۲۷۵: گفتند: بیه مثل ربا است ولی خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است.

بازگرداند. این معامله عبث است زیرا نه فرد اول و نه فرد دوم منفعتی در آن ندارند. و حداقل برای یکی از طرفین منفعتی می‌تواند وجود داشته باشد که زمان دریافت و پرداخت مبادله یکی نباشد. یعنی مبادله بین فرد اول و دوم به گونه‌ای صورت گیرد که وجه (یا کالای) مزبور مدتی نزد فرد دوم باشد و بعد به فرد اول بازگردانده شود. در این حالت معامله پول می‌تواند از لحاظ مادی عبث نباشد و علت عبث نبودن آن انتفاع ناشی از ورود زمان در معامله است. به عبارت دیگر ربا وقتی مفهوم پیدا می‌کند که معامله مدت‌دار باشد. لذا شرط اساسی لازم برای ورود معامله به حریم ربا، زمان است و ورود زمان در معامله می‌تواند موجد ربا باشد. یعنی فصل تمیز ربا و بیع منتج از زمانی است که پول یا کالای فرد اول نزد فرد دوم قرار می‌گیرد. یعنی تفاوت ربا و بیع در ورود زمان به معامله و مازادی است که از ارجحیت زمانی بر مبلغ اسمی معامله بار می‌شود. ربا به این مفهوم مازادی است که در طول زمان، بدون انجام هیچ کار اضافه‌ای روی یک دارایی دریافت می‌گردد به شرطی که دارایی الزاماً همان دارایی نباشد، چون در این حالت مفهوم اجاره می‌دهد.

تعارض آراء فقهی

بطور کلی تعارض و تضاد و اختلاف نظر، مبنای دیالکتیک و اساس تکامل و کمال است زیرا تا شک نباشد یقین حاصل نمی‌شود، ولی این موضوع به معنی تأیید تعارض در احکام الهی نیست و باید این تعارض را در آراء فقیهان بدانیم و نه در احکام الهی.^۹ رسول گرامی ما (ص) فرمود: «أَنَّ اِخْتِلَافَ أُمَّتِي رَحْمَةٌ». برخی تأویل کرده‌اند که اختلاف به معنی اختلاف نظر و تعارض است در صورتی که اختلاف به معنی رفت و آمد است همانطور که در قرآن کریم از آیه: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» عبارت اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ معنی رفت و آمد روز و شب مد نظر می‌باشد. علت وجود اختلافات سابقه طولانی حتی در قبل از اسلام دارد و همواره نظرات فقهی به دلیل تعدد فقها در ازمنه مختلف متفاوت بوده است. برای مثال اختلاف نظر علمای شریعت موسی (ع) از موارد مذکور در تاریخ است و برخی بر این باورند که تحریف توراتی که به دست ما رسیده به دلیل تبعیت علماء یهود از فشار پادشاهان آن زمان بوده است و حتی کتاب پادشاهان در تورات را دلیل این فشارها و اعمال نفوذهای می‌دانند. یعنی نه تنها تعارض یا تغییر در فتوا بلکه تحریف در کتاب آسمانی. در انجیل هم می‌بینیم تعدد اناجیل عملاً سبب شد تا آنگونه که در تاریخ می‌نویسند طرفداران پولس با کمک پادشاه از هجده انجیل نوشته شده همه را سوزانند و چهار تا از آنها را نگاه داشتند. درباره قرآن کریم نیز اختلافات زیادی در قرائات مختلف هست که سبب تکثر حتی تعارض معانی قرآن در قرائات مختلف می‌شود. این موضوع در زمان عثمان آنقدر شدید شد که قاریان یکدیگر را تکفیر می‌کردند که منجر به آن شد تا عثمان نسخ دیگر منجمله نسخه‌ای که نزد خاندان ابوبکر بود را از بین ببرد و قرآن جمع آوری شده خودش را منتشر ساخت و قرآن علی علیه السلام نیز به منصب انتشار نرسید. در ارتباط با این تعارض اگر بگوییم اشکال اساسی در نحوه نگرش به فقه است بیراهه نرفته‌ایم. دیدگاه علمای ادیان به فقه دیدگاهی خاص و مبنی بر آنالیز و تحلیل سنت و اقوال پیامبر خود بوده و هست. این شیوه نگرش ظهور تامی در فقه برادران اهل سنت پیدا کرد. یعنی نقش عقل در استنباط احکام نسبت به فقه شیعی کمرنگتر و نقش سنت پررنگتر شد. قرآن کریم فقه را مربوط به قلب می‌داند و می‌فرماید:^{۱۱}

^۹ علت تعارض آراء فقهی در مسائل اقتصادی، مصاحبه با دکتر بیژن بیدآباد مجله بانک و اقتصاد شماره ۸۹ بهمن ۱۳۸۶.

^{۱۰} سوره آل عمران، آیه ۱۹۰.

^{۱۱} سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

«لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» یعنی قلب دارند ولی به آن فقه ندارند. و این درست برخلاف آنچه که در ابتدای جامع المقدمات در آداب المتعلمین درباره شیوه‌های افزایش حافظه به طلب علم دینی تعلیم داده می‌شود است و فقه راجح را به حافظه مربوط می‌کند. به عبارت دیگر قرآن تفقه را به ادراک قلبی منوط می‌نماید تا به دانستن اطلاعات تاریخ دین. شهید ثانی که از اجلّه علمای امامیه است در تعریف فقه در منیة المریدین می‌نویسد: گمان مبر که فقه مطالب مدوّنه در کتب است بلکه فقه دیدن نور خدا با جمیع اشیاست و هر کسی که مصداق آیه^{۱۲} «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» قرار گرفت فقیه است. یعنی هر جا نگاه کرد وجه خدا را ببیند. از لحاظ عرفا و صوفیه این موضوع به معنای رویت حق در معیت با ظاهر هستی است. هرچند این آیه قرآن در تعریف شرک می‌گنجد ولی برای حرکت از کفر به توحید باید از مسیر شرک عبور کرد. این مقام، حداقل مقامی است که فقیه باید داشته باشد. در این زمان است که فرمایشات فقیه منبعث از منشا ازلی و مبدا الهی است چون در این مقام وَجْهُ اللَّهِ را می‌بیند و صحیح را از سقیم درمی‌یابد. یعنی اینجا به تمییز می‌رسد. در اخبار و روایات مقام محدثی به مقامی منتسب می‌شود که صاحب آن لاقبل صدای ملک را در خواب بشنود و ملک را در خواب ببیند و صدای ملک را در بیداری بشنود هرچند طاقیت دیدار ملک را در بیداری نداشته باشد. یعنی محدث باید از علمی برخوردار گردد که این علم بتواند صحت یا سقم حدیث یا خبر را به او برساند. این علم براساس آیه ۲۸۲ سوره بقره که می‌فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ» بدست می‌آید. یعنی خداوند می‌فرماید: تقوا پیش بگیرد تا خدا به شما علم بیاموزد. یعنی علم در اثر تقوا بوجود می‌آید و نه با داشتن اطلاعات رسمی دینی. معذلک این علم علیرغم صعوبت حصولش، هنوز شرط لازم برای صدور فتوا است و شرط کافی آن اذن می‌باشد. یعنی باید فقیه از جانب معصوم (ع) اجازه داشته باشد که فرمایشات معصوم (ع) را روایت و نقل کند. بطور کلی در منصبهای دینی بدون اذن کسی حق تمکّن ندارد. مولای ما علی (ع) به شریح قاضی که در مسند قضاء و افتاء قرار داشت می‌فرماید: «يَا شَرِيحُ قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا مَا جَلَسَهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ أَوْ شَقِيٍّ» یعنی ای شریح برمسندی که تو نشستی یا نبی می‌نشینی یا وصی یا شقی. و قرآن کریم غاصب این منصب را ظالمترین افراد بشر معرفی می‌فرماید: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ» تفاسیر شیعی معنی این آیه که به کرات در قرآن تکرار شده را در ارتباط با غصب مناصب دینی بدون اجازه و اذن منصوص و معننه از معصوم (ع) می‌دانند. موضوع اذن و اجازه در فقه امامیه متفاوت از فقه برادران اهل سنت می‌باشد. در فقه شیعه فقیه الا و لابد باید مأذون از طرف معصوم (ع) باشد و باید به وسائط صحیحه اذن خود را به معصوم (ع) برساند در غیر این صورت نقل روایت و اخبار و احادیث از جانب معصوم (ع) او را روا نیست. همانطور که از قدیم الایام فقهای عظام با ارائه سند، اذن روایت خود همواره این سنت عظیمه را مرعی داشته‌اند. بر این اساس است که اطاعت از فقیه به معنای تقلید یعنی انداختن قلاده محبت و دوستی فقیه بر گردن مقلد مفهوم پیدا می‌کند. لذا فقیه باید آیت و نشانه الله باشد یعنی باید مظهر ظهوری هر چند مقدماتی از خداوند باشد تا مقلد با دیدن او قلاده تبعیت را به گردن گیرد. این اصل یعنی متضمن بودن فقاہت با اذن و اجازه همچنان در بین فقهای عظام رعایت شده و می‌شود و سلسله اذن و اجازات فقهای مؤذن در مستندات و کتب ایشان درج است. مسلماً اگر کسی بدون اذن روایت اقدام به نقل حدیث و نهایتاً صدور فتوا نماید تضمینی نیست که روایت نقل شده مورد رضایت معصوم (ع) باشد و الزامی

^{۱۲} سوره بقره، آیه ۱۱۵. مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنید آنجا وجه خداست.

^{۱۳} سوره انعام، آیه ۱۴۴. چه کسی ظالمتر از آن کسی است که بر خدا افترا و دروغ ببندد و با غیر علم مردم را گمراه کند.

نیست که فتوای صادره حکم الله باشد بلکه حکم و نظر راوی یا فتوادهنده است. آیت الله حاج شیخ حسین نوری طبسی صاحب مستدرک الوسائل از علمای بزرگ متأخر می‌فرماید فقیه از فتوا دادن چون میش از گرگ می‌گریزد، زیرا قرآن کریم به کسی که به غیر حکم الله فتوا صادر کند اطلاق فاسق و کافر و ظالم می‌نماید. قرآن کریم در سه آیه^{۱۴} پشت سرهم می‌فرماید کسی که به آنچه که خداوند حکم کرده حکم نکند کافر و ظالم و فاسق است؛ لذا فقهای عاملین کثرالله امثالهم همواره از فتوا دادن گریزان بوده و هستند.

شیوه استنباط احکام

اشکال موجود در تفاوت و تعارض آراء فقهی از روش استنباط فقه است و متأسفانه رویه بررسی و متدولوژی استنباط در فقه متداول متقن نیست. بطور کلی باید خاطر نشان کرد که فقه، علم نیست. زیرا درباره یک مسئله فقهی واحد، اظهار نظر دو فقیه لزوماً به جواب واحد نمی‌رسد و چنانچه فقه علم باشد، الزاماً در مسئله واحد باید به جواب واحد رسید. پس باید اذعان داشت که اشکال از متدولوژی استنباط فقه است که نتوانسته بطور صحیح احکام فرعیه شرع مطهر را استخراج و منظور شارع مقدس را دریابد. لذا لازم است متدولوژی استنباط فقهی به گونه‌ای اصلاح شود که استنباط صحیحی از قرآن کریم باشد.

برادران اهل تسنن بر اساس صحاح سته منقولات صحابه را بدون اولویت ناقل یا صحابی ماخذ استنتاج و استنباط احکام می‌دانند. این موضوع در فقه شیعه کاملاً متمایز است و صحت روایات منوط به ویژگی‌های خاصی است که این ویژگی‌ها حول و حوش کلام ائمه (ع) و راویان مأذون از ایشان دور می‌زند و ارکان حجیت در استنباط احکام متفاوت از فقه برادران اهل سنت است. در فقه امامیه قرآن و سنت و اجماع و عقل مبنای اساسی استنباط احکام است ولی در فقه عامه اولویت ارکان ذکر شده متفاوت و قیاس و شهرت و سیره و استحسان و استصلاح و سد ذرایع به عنوان ابزارهایی برای استخراج احکام مورد استفاده واقع می‌شوند. مقایسه این دو شیوه بناء عقل را در کشف احکام فقه شیعه غنی‌تر می‌نماید زیرا اصل حکمت در اصول فقه بر اساس «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع»^{۱۵} در پی یافتن علل شرایع است.

^{۱۴} سوره مائده، آیه ۴۷-۴۴ «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّيْبَانِيُّونَ وَالْأَخْيَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوُا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ. وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفُ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنُ بِالْأُذُنِ وَالسِّنُّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحُ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ. وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

ما تورات را نازل کرده‌ایم در آن رهنمود و نوری هست که پیامبران اهل تسلیم و عالمان ربانی و احبار بر وفق آنچه از کتاب الهی به آنان سفارش کرده‌اند و بر آن گواهند، برای یهودیان داوری می‌کنند، پس از مردم نترسید و از من پروا کنید و آیات مرا به بهای ناچیز نفروشید، و کسانی که بر وفق آنچه خداوند نازل کرده است، حکم نکنند، کافرنند. و در آن بر آنان مقرر داشتیم که جان در برابر جان، و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و نیز همه ضرب و جرحها قصاص دارد، و هر کس که [از قصاص] درگذرد، این [عفو] در حکم کفار [گناهان] اوست، و کسانی که بر وفق آنچه خداوند نازل کرده است، حکم نکنند، ستمگرند. و به دنبال ایشان عیسی بن مریم را فرستادیم که گواهی‌دهنده بر [حقیقت] تورات بود که پیشاپیش او بود، و به او انجیل دادیم که در آن نوری هست و همخوان با تورات است که پیشاپیش آن [نازل شده] است، و راهنما و پندآموز پارسایان است. و باید که اهل انجیل بر وفق آنچه در آن هست حکم کنند، و کسانی که بر وفق آنچه خداوند نازل کرده است، حکم نکنند نافرمانند.

^{۱۵} آنچه که عقل حکم به آن می‌کند شرع نیز به همان حکم می‌کند.

از لحاظ متدولوژی علم که امروزه مدنظر دانشمندان علوم مختلف است بناء عقل می‌تواند احکام استنباطی در فقه شیعه را به قوانین (احکام) یکتا برساند. قوانین یکتا قوانین طبیعی و تغییرناپذیری است که در طبیعت جریان و سریان دارد. این قوانین همانند قوانین فیزیک در حیطه تعریفی خود لایتغیر است. چنانچه رویه استنباط احکام صحیح و مبتنی بر عقل باشد باید فتاوی‌ارائه شده و نظرات طرح شده منجر به فتوا و نظر واحد گردد نه اینکه به تعارض برسد. زیرا احکام باید از قوانین علمی تبعیت کنند و اگر با روش علمی کشف شوند نمی‌توانند متعارض باشند. همانگونه که در علوم تجربی همانند فیزیک، شیمی یا ریاضی قوانین در محیط تعریف شده قابل تغییر نیستند و نمی‌توان مثلاً دو حالت مشاهده کرد که در شرایط آزمایشگاهی یکسان آب در یکی در ۱۰۰ درجه سانتیگراد به جوش آید و در دیگری در ۱۱۰ درجه. احکام فقهی نیز که بر مبنای عقل استخراج شود همین خصوصیت را باید داشته باشند زیرا در علوم انسانی نیز کشف قواعد علمی مدنظر دانشمندان علوم انسانی است. پس اگر تعارضی در آراء وجود دارد باید علت را در متدولوژی استخراج و استنباط احکام جستجو کرد. روش‌شناسی یا متدولوژی استنباط احکام فقهی در شکل موجود خود، نمی‌تواند در طبقه‌بندی روش‌شناسی علمی قرار گیرد. زیرا متدولوژی و روشی علمی است که در مورد یک مسئله خاص در شرایط یکسان به نتیجه یکسان برسد در غیر این صورت از قوانین علمی تبعیت نکرده است. اگر دو محقق با یک روش در مورد سوال یا مسئله‌ای یکسان به دو نتیجه متفاوت برسند معلوم است که یا روش بکاربرده توسط حداقل یکی از آنان علمی نیست یا تخطی از روش علمی صورت گرفته یا الزامات و شرایط لازم برای آزمایش و تجربه یکسان نبوده است.

اصل حکمت در اصول فقه

بررسی متدولوژی استنباط احکام حتی در فقه امامیه ما را متوجه می‌کند که اولاً توجه به اصل حکمت آنگونه که باید مدنظر قرار ندارد. یعنی عقل به عنوان روش آنالیز پدیده فقهی در عمل کمتر مورد توجه است. عقل در متون دینی به مراتب تعالی و تکامل فکر بشری اطلاق دارد و نام صاحب مقام رسالت کلیه العقل است و در احادیث و اخبار به عقل کامل و عقل کل و عقل علی (ع) در مقابل عقل مادرزاد و عقل وهمی و عقل معاویه اشارات بسیار است که عقل کامل متفاوت از عقلی است که در اختیار ماست. در تعریف عقل می‌فرمایند: «العقل ماعبد به الرحمن واکتسب به الجنان» یعنی عقل آن چیزی است که بندگی خدا نماید و توسط آن بتوان جنان به معنی پنهان‌ها را کسب کرد. صاحب عقلی که در مقام بندگی الرحمن باشد نبی یا ولی یا وصی الهی است و خلیفه الله در روی زمین است و جانشینان آن بزرگواران که مظهر عروة الوثقی الهی باشند صاحب این نعمت عظمای الهی هستند. کم توجهی به عقل در فقه به معنای کم توجهی به فرمایشات صاحب عقل یعنی اولی الامر است. خداوند در قرآن کریم تبعیت از صاحب اجتهاد را مقرر نمی‌فرماید بلکه واژه مجتهد در قرآن ذکر نشده است و در عوض خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ^{۱۶} «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» یعنی خطاب به مؤمنین می‌فرماید خدا را اطاعت کنید و رسول و صاحبان امر از میان خودتان را اطاعت کنید. یعنی اگر صاحب امر و اجازه اقدام به صدور رأی و فتوا فرمود لازم الاتباع است در غیر این صورت اگر شخص دیگری که صاحب امر نبود اقدام به صدور رأی نمود متابعت برای همه الزام دینی نیست. هرچند برای مقلدین تبعیت از مقلد الزامی است زیرا آنها تقلید از آن فقیه را بر خود قبول کرده‌اند. خلاصه این بحث در ارتباط با

^{۱۶} سوره نساء، آیه ۵۹.

موضوع ما یعنی متدولوژی استنباط احکام در فقه رایج در این است که کم توجهی به فرمایشات اولی الامر در دوران غیبت می‌تواند منشاء تعارض آراء فقهی باشد. این پدیده در فقه برادران اهل تسنن بارزتر است آنها اولی الامر را قیام کننده به سیف می‌دانند یعنی صاحبان حکومت را اولی الامر معرفی می‌کنند و آنکه با سلطه بتواند حاکم بر جامعه باشد از لحاظ برادران اهل سنت اولی الامر است. این نظریه در فقه شیعه تایید نمی‌شود.

کم توجهی به قرآن و بناء بر احادیث و اخبار

نکته دیگر در شیوه‌های استنباط احکام در فقه متداول کم توجهی به قرآن است. یعنی توجه استنباط کنندگان احکام به عمق آیات قرآن کریم کمتر از توجه به روایات و احادیث و اخبار است. حجم روایات و اخبار از موثق تا مجعول که در فقه شیعه در ۲۳ گروه طبقه بندی می‌شوند بسیار زیاد است و صحیح و سقیم در آنها آنقدر زیاد است که دست فقیه را در انتخاب نوع استنباط آزاد می‌گذارد. در بررسی روایات و اخبار و احادیث به موارد بسیار متعدد برخورد می‌کنیم که فعل واحدی هم ممدوح و هم مذموم است و همچنین ترک همان فعل در برخی روایات ممدوح و در برخی روایات دیگر مذموم است. به طور کلی رشته اصول فقه و همینطور قواعد فقه برای این تمیز ابداع شد ولی علیرغم پیشرفتهای زیاد در این زمینه عملاً مشکل رفع نشد. همینطور فقه استدلالی به کمک این تمیز برآمد که پاسخگو نبود و بر پیچیدگی و تعدد حالات قابل بحث افزود و عملاً سبب صعوبت جمع‌بندی نیز گردید. این مشکل ناشی از دو پدیده است: اولاً صحیح و سقیم در روایات بسیار وارد شده که می‌تواند تمیز حقیقت را از مجاز مشکل نماید. دوم ائمه هدی (ع) در زمان حکومت‌های اسلامی جور بودند و در مقام تقیه و توریه قرار داشته‌اند و لذا با توجه به فشار حکومت‌های جور نمی‌توانستند در همه وقت حقایق را شفاف اعلام فرمایند. بلکه موارد بسیاری ذکر می‌شود که فرمایشات ایشان برخلاف نظر اصلی آن بزرگواران بوده چون جان خود و شیعیان در خطر بوده و برای حفظ جان خود و مؤمنین تقیه می‌کرده‌اند یا توریه می‌فرموده‌اند. از طرف دیگر معصوم (ع) می‌فرماید: *إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ امْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ* یعنی کلام ما سخت و پیچیده است و کسی نمی‌تواند آن را حمل کند (بفهمد و درک کند و بردارد) مگر آنکه ملک مقرب یا پیامبر مرسل یا مؤمنی باشد که خداوند قلب او را به ایمان امتحان کرده است. این شخصیتها یعنی ملک مقرب و پیامبر مرسل و مؤمن ممتحن می‌توانند درک کلام معصوم (ع) کنند و بر آن اساس اقدام به صدور فتوا نمایند در غیر این صورت فتوای صادره رأی صادرکننده خواهد بود. این آراء می‌تواند کاملاً مختلف الشکل باشند و این مساله است که سبب شده تا فتاوا در مورد موضوع یکسان متفاوت گردد.

برای مثال می‌توان به برخی از فتاوی صادره در مورد ربا استناد جست که در مورد یک سوال واحد پاسخ‌های متنوعی داده شده است. نظرات فقهی و فتاوی که علمای مذاهب شیعه و سنی در باب خرید و فروش اسکناس داده‌اند، همین دیدگاه را تقویت می‌نماید، زیرا نظریات ارائه شده در حد کاملاً موافق و کاملاً مخالف است. به این معنی که بسیاری از فقها به دلیل اینکه اسکناس معدود و قابل شمارش است و مکیل و موزون نیست، خرید و فروش آن را حلال دانسته‌اند. زیرا آنها اسکناس را کالا توجیه نموده‌اند و عدۀ دیگری از فقهاء، خرید و فروش اسکناس را حرام می‌دانند چون ربای قرضی است و استدلال این گروه بر این است که اسکناس وسیله خرید و فروش کالا و نماینده شمارش ارزش کالا است و به خودی خود مالیت ندارد. فردی طی نامه‌ای از چند تن از علماء حوزه در مورد ربا استفسار نمود که در

مورد سؤال مشخص زیر پاسخ‌های زیر را دریافت کرده است^{۱۷}:

سوال: آیا خرید و فروش اسکناس صحیح می‌باشد و آیا احکام ربای معاملی در آن جریان می‌یابد یا نه؟

پاسخ آیت الله سیستانی: خرید و فروش اسکناس جایز است و لکن فروش اسکناس به طور نسبی به اکثر از جنس آن جایز نیست و داخل در قرض ربوی است والله العالم.

پاسخ آیت الله محمد فاضل لنکرانی: چون ربای معاوضی در مکیل و موزون است و اسکناس از معدودات می‌باشد، لذا ربای معاوضی در آن جریان ندارد.

پاسخ آیت الله محمد تقی بهجت: خرید و فروش صحیح نیست.

پاسخ آیت الله ناصر مکارم شیرازی: اسکناس جزء معدودات است و قاعداً حکم ربا در خرید و فروش آن جاری نمی‌شود، ولی در اینجا مشکل دیگری وجود دارد و آن این است که در عرف عقلا اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبه ثمن ندارد. هیچ کس در عرف بازار نمی‌گوید من ده هزار تومان نقد را به شما می‌فروشم به یازده هزار تومان یک ماهه. مگر کسانی که بخواهند آن را حیلۀ فرار از ربا قرار دهند؛ یعنی در واقع می‌خواهد با ربا وام بدهد و نام آن را بیع می‌گذارد و این گونه فرارها اعتباری ندارد. تنها دو مورد استثناء در این مسئله وجود دارد: نخست خرید و فروش ارزهای مختلف که مثلاً دلار را به اسکناس مبادله می‌کنند و در عرف عقلا دیده می‌شود و دیگر معامله نقدی اسکناس‌های کوچک و بزرگ یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نو بودن اسکناس یا کم حجم بودن آن در مسافرت و غیر آن، در غیر این دو صورت اسکناس ثمن واقع نمی‌شود.

پاسخ آیت الله سید کاظم حائری: خرید و فروش اسکناس صحیح است و احکام ربای معاملی یا معامله نقدین بر او جاری نیست ولی اگر در اثر مؤجل بودن یکی از آن دو اسکناس متقابل، مقدار مؤجل را افزایش دهد ملحق به ربای قرضی خواهد بود.

آیت الله خویی در این زمینه نیز این گونه اظهار نظر می‌کنند: همچنین معامله این پول‌ها که دین در ذمه باشد به نقدی با زیاده یا نقیصه ربا نیست^{۱۸}.

آیت الله یزدی در ملحقات عروه: اسکناس معدود است پس جایز است فروش آن به زیاده یا نقصان^{۱۹}.

آیت الله خمینی: معاملات بر اسکناس و مناط و نوت و سایر اوراق بهاداری که در زمان ما متعارف شده واقع شود چه یکطرفی باشد و چه طرفینی ظاهر این است که احکام بیع صرف بر آن جاری نیست و لکن تفاضل در آن به منظور ربا جائز نیست^{۲۰}. و آنچه در ایران به نام چک تضمینی نامیده می‌شود از اوراق نقدیه مثل دینار و اسکناس است و خرید و فروش آن رواست ... و جایز است به زیادتر معامله شود و ربا در آن نیست^{۲۱} - در این مسئله عدم ربا در اسکناس آن قدر

^{۱۷} - یوسفی، احمد علی (۱۳۸۱) ربا و تورم، بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. صفحات ۳۰۴-۳۱۸.

^{۱۸} - آیت الله خویی، توضیح المسائل، مسئله ۲۸۴۳.

^{۱۹} - ملحقات عروه، مسئله ۵۶.

^{۲۰} - آیت الله سید روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، موسسه انتشارات دارالعلم، قم، چاپ سوم ۱۳۷۵، جلد سوم، مسئله ۳، ص ۶۹.

^{۲۱} - تحریر الوسیله، جلد چهارم، مسئله ۱۱، ص ۵۶۱.

بدیهی به نظر آمده است که چک تضمینی را به آن تشبیه کرده‌اند.^{۲۲}

بررسی و مقایسه آراء فوق حاکی از آن است که به فتوای برخی از علماء قرض اسکناس حلال و به فتوای برخی دیگر حرام و به نظر بعضی با ملاحظاتی حلال یا حرام است. و جمع ضدین و آراء نقیضین محال و لاجرم باطل است. علت تناقض این آراء این موضوع را به ذهن متبادر می‌نماید که روش استنباط احکام فقهی به شیوه فعلی، نیازمند بازنگری است زیرا متدولوژی فقه در استنباط احکام این نظرات نقیض را فراهم آورده است.

مثال دیگر این تعارض در مواردی منجمله دیات دیده می‌شود. دیه عبارت از آن مالی است که جانی به خاطر جنایتش بایست بپردازد. ولی وی مخیر است تا از انواع دیه یکی را انتخاب نماید. برای مثال در قتل عمد دیه می‌تواند ۱۰۰ شتر یا ۲۰۰ رأس گاو یا ۱۰۰۰ رأس گوسفند یا ۲۰۰ حُلّه (لباس) یا ۱۰۰۰ دینار طلا یا ۱۰۰۰۰۰ درهم نقره باشد.^{۲۳} و این موضوع یعنی حق انتخاب اختیاری دیه آن هم با این طیف وسیع از گزینه‌ها با ارزشهای متفاوت دلالت بر نوعی تعارض رأی دارد هرچند شیوه استنباط حکم در موضوع دیات متفاوت از ربا است ولی به هر حال هر دو شیوه به تعارض آراء منتهی شده‌اند و نه به حکم واحد.

اگر در این زمان از شارع مقدس در مورد ربا همین سؤال می‌شد مسلماً یک پاسخ دریافت می‌نمودیم. پس روشی که ما را به نظر شارع برساند نباید روشی باشد که در حال حاضر در استنباط احکام بکار گرفته می‌شود و لازم است که در رویه استنباط احکام تجدید نظر شود.

راه حل پایه در استنباط احکام

راه حل رسیدن به حکم الله الا و لابد باید از مسیری باشد که در حدیث ثقلین رسول گرامی (ص) به ما فرموده است. یعنی کتاب الله و عترت پیامبر اکرم (ص) مبنای صدور احکام الهی است و گرنه اجماع و قیاس و سنت و شهرت و سیره و استحسان و استصلاح و سدّ ذرایع نمی‌توانند متدولوژی علمی کشف احکام شارع مقدس اسلام باشند. باید به ریسمان الهی چنگ زد و از حبل الله و عروة الوثقی الهی مدد جست تا حکم الله را دریافت. یعنی باید در زمان غیبت صاحبان نیابت عامه را که در عموم موارد دینی مؤدّن هستند پیدا کرد و از آنها حکم الله را اخذ کرد. چون حکم الله در دست خلیفه الله است نه در دست غیر و اگر ما بدنبال یافتن حکم الله هستیم باید دست به دامن خلیفه الله بزنیم و اگر خیر به دنبال یافتن حکمی هستیم که منطبق با سنت مذهبی رایج در جامعه باشد راه دیگر را باید انتخاب کرد که این راه مسلماً از لحاظ اصول علمی تحقیق حکم، ضرورتاً به حکم الله نمی‌رسد. در ارتباط با این موضوع باید تصریح کرد که هدف اتخاذ فقه برای دریافت و کشف احکام الهی بندگی خداست. یعنی ما حکم الله را جستجو می‌کنیم تا بندگی خدا نماییم نه آنکه حکمی را اجرا کنیم که خداوند تائید نفرموده. اگر هدف بندگی خدا نباشد چه ضرورتی به احکام فقهی است! و احکام تقنینی متداول از طریق معجاری مقننه کشوری کفایت موضوع می‌کرد. مسلماً مستند به آیات قرآن و براساس اخبار و احادیث و روایات خلیفه الله الا و لابد در بین ماست و بی توجهی ما سبب عدم شناخت آن بزرگوار علیه السلام شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ^{۲۴} «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» یعنی من هر لحظه قرار دهنده یک خلیفه بر روی زمین هستم.

^{۲۲} - حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده، مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۸۰، صفحات ۱۱۵-۱۱۴.

^{۲۳} - تحریر الوسیله، جلد چهارم، صفحات ۴۸۱-۴۷۱.

^{۲۴} - سوره بقره، آیه ۳۰.

کلمه جاعِلٌ از لحاظ کلام عرب صفت مشبّهه است و دلالت بر استمرار دارد یعنی خداوند سبحان هر لحظه مأموری در بین ما قرار داده که خلافت الهی را بر عهده دارد و در این ارتباط قرآن کریم می‌فرماید: ^{۲۵} «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِدًا» یعنی آن کس که خداوند او را هدایت کرد پس او هدایت شد و کسی که گمراه شد او ولی مرشد را نیافت. این خلیفه الله و ولی و مرشد که قرآن کریم به آن اشاره می‌فرماید می‌تواند در مقام اتصال بشر به خداوند و مبین حکم الله باشد زیرا در آیت الکرسی به صراحت می‌فرماید: ^{۲۶} «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» یعنی کیست که بتواند بدون اذن و اجازه او اقدام به شفاعت نماید. و یک معنای شفاعت اتصال است. قرآن کریم راه پیدا کردن این شخصیت عظمای الهی را در آیه آخر سوره عنکبوت بازگو می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» یعنی کسی که در راه ما مجاهده کند حتماً و حتماً او را به سُبُل خود راهنمایی خواهیم کرد و سُبُل در تفاسیر شیعی به اولی الامر معنی شده است و از لحاظ قواعد عرب لَنَهْدِيَنَّهُمْ ملازم با لام تأکید و نون تأکید است یعنی خداوند با قید دو تأکید لام و نون هدایت به سُبُل خویش را حتمی فرموده است.

موانع برقراری بانکداری غیرربوی

مشکل اساسی در اجرای بانکداری غیرربوی از یک سو به دلیل تعارض آراء و از سوی دیگر به دلیل عدم قبول قلبی حرمت ربا توسط افراد جامعه می‌باشد. پدیده حرمت ربا مساله جدیدی نیست که دین اسلام مطرح کرده باشد مطالعه تورات به وضوح حرمت ربا را از چند هزارسال پیش اعلام می‌دارد و قبل از اسلام نیز پیروان ادیان سلف از لحاظ فقهی با ربای حرام مواجه بودند. ولی نه قبل از اسلام و نه بعد از اسلام ربا ریشه کن نشد و دلیل آن قویتر بودن امیال مادیگری نسبت به تبعیت از حکم الله در مورد حرمت ربا است. یعنی این موضوع که در حریم اخلاق اقتصادی است بطور کامل مورد قبول فعالان اقتصادی قرار نگرفته، لذا صاحبان سرمایه با نگرفتن ربا اقدام به ایثار نمی‌کنند. یعنی برای آنها نمی‌ارزد که از ربا صرف نظر کنند تا حکم خدا را مجری باشند. این موضوع نه تنها در جوامع مسلمین بلکه در جوامع اهل کتاب نیز ساری است. ولی کاری که تابعین اهل کتاب در کشورهای غربی و شرقی نموده‌اند حذف ربا از طریق پائین آوردن نرخ آن است. آنها متوجه شدند ربا پدیده‌ای مذموم است و ذمّ این پدیده هم در دین آنها و هم در تحلیل‌های اقتصادیشان مبرهن بود، نتیجتاً نرخ بهره را آنقدر پایین آوردند که ربا خود به خود منتفی شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ^{۲۷} «رَبِّئِنَّ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» یعنی محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ اینها سرمایه زندگی دنیا است و سرانجام نیک نزد خداست. و این محبّت به دنیا که پول مظهر اصلی آن است اجازه نمی‌دهد که از بهره ربا اغماض شود. و این آیه درباره مردم است و نه مؤمنین یعنی شمول عام دارد و مخصوص آن مؤمنین است که از بحث راجع به تعریف مؤمن در اینجا خودداری می‌کنیم ولی فقط باید گفت که این مؤمنین کسانی هستند که با بیعت ولوی ایمان به قلب آنها راه یافته است و نه اینکه به سبب تبعیت از جامعه دین اسلام را قبول کرده‌اند. خداوند به پیامبرش (ص)

^{۲۵} سوره کهف، آیه ۱۷.

^{۲۶} سوره بقره، آیه ۲۵۵.

^{۲۷} سوره آل عمران، آیه ۱۴.

می‌فرماید: ^{۲۸} «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» اعراب گفتند: ایمان آورده‌ایم بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، زیرا ایمان وارد در قلب شما نشده است.

علی القاعده همانطور که گفته شد آراء فقها نظرات فقهاست و نظرات فقها از لحاظ شرعی برای عموم لازم الاتباع نیست یعنی نظرات فقهی را که به روش رایج در فقه متداول استخراج می‌شود را نمی‌توان به عنوان حکم خدا تلقی کرد و لذا واجب الرعايه عام دینی نیستند هر چند این فتاوا برای مقلدین آن فقها لازم الرعايه باشد یعنی فتاوی فقهی قابل تحمیل به عموم مردم نیست و این فتاوا آرا است و رأی لزوماً حکم خدا نیست. براین اساس است که می‌بینیم در طول سه دهه گذشته احکام زیادی صادر شده که بعد از مدتی نقض گردیدند. مثلاً خرید و فروش و بازی شطرنج، خرید و فروش و نواختن ارگ، خرید و فروش ویدیو، خوردن خاویار و ماهی اوزون برون، خرید و فروش آلات موسیقی، نواختن موسیقی، پخش موسیقی در رادیو، خواندن تصنیفها در رسانه‌های جمعی و موسیقی حرام بود و در حال حاضر به شرط ندیدن آلت موسیقی در تلویزیون حلال است. زمانی دیدن موی سر خانم نامحرم در تلویزیون حرام بود و مشمول استثناء به شرط غیرایرانی بودن هنرپیشه شد. آستین کوتاه برای آقایان، لباس رنگی برای خانمها و بسیاری موارد دیگر اول ممنوع بود بعد به تدریج آزاد شد. صحبت سراین نیست که آیا باید پخش موسیقی یا تصنیف یا بازی شطرنج یا امثالهم حرام یا حلال باشد موضوع این است که این حرمت یا حلیت از مصدر رای آمده و رای گاهی حرام و گاهی حلال معرفی می‌کند و حکم خدا نیست و رای است. اما اگر از امام عصر عجل الله تعالی فرجه استفسار می‌شد، آیا ایشان اول حرام می‌کردند و بعد از مدتی حلال می‌فرمودند؟ آیا می‌توان حلال را حرام کرد یا بالعکس؟ مسلماً اینطور نیست. پس سوال این است که چگونه موارد فوق اتفاق افتاده؟ علت این است که فتاوا حکم خدا نیست و رأی است و رأی ممکن است در هر زمانی متفاوت باشد.

پس اول باید کسانی باشند که بتوانند احکام الهی را درک کنند و به استنباط احکام فرعی پردازند. و معلوم نیست که هر صاحب رأی جایگاه صحیحی در تفقه داشته باشد بلکه باید به مدارجی از اجتهاد برسد که آن مدارج اجازه این استنباط را به او بدهد. رویه یافتن احکام که اصلاح شد، بر مبنای آن باید اصول را تدوین نمود. اقتصاددان، جامعه شناس یا سایر کارشناسان می‌توانند قواعد آن رشته را بر مبنای آن اصول تدوین می‌کنند. اصلاح فقه نه تنها پیش شرط اصلاح بانکداری اسلامی در ایران است بلکه سایر روابط اجتماعی نیز باید بر این اساس اصلاح شود. البته فقه مبتنی بر شرع ملازم با عقل است و آنچه که ملازم با عقل است برای جامعه مفید است و اصلاح فقه به معنای پویایی عقلی آن است.

قانون بانکداری باید سطوح مختلف بانکی از بانکداری قرض الحسنه، خطر پذیر و تأمین مالی خرد گرفته تا بانکداری سرمایه‌گذاری، تجاری، تخصصی و بانکداری مرکزی را پوشش دهد. پس باید در سطوح مختلف بانکداری از بانکداری مرکزی گرفته تا تأمین مالی خرد و قرض الحسنه راه حل‌های بانکداری بدون ربا را طراحی کرد. با قانون عملیات بانکی بدون ربا، در شرایط و سازوکارهای فعلی نمی‌توان به حذف ربا رسید، مگر سیستم فعلی اصلاح شود.

اخذ ربا از بیگانه

مناسب است نسبت به برخی نظریات و فتاوا که کشورهای مسلمان نشین را متمایز از سایر کشورها در مورد اخذ

^{۲۸} سوره حجرات، آیه ۱۴.

ربا می‌دانند توضیح داده شود. قول مشهور بر این است که گرفتن ربا از کافر برای مسلمان مجاز است. این حکم به نظر نمی‌رسد که مقبولیت زیادی در اجماع عقلاء داشته باشد. زیرا این مسئله به معنی برتر قرار دادن مسلمانان از سایر ملل عالم است. در صورتی که در قرآن اصل و نسب و قومیت و نازیدن به پدران و مادران و ... را مایه اعتبار و افتخار و تمایز بین افراد مردم نمی‌داند و امتیاز را بر تقوا قرار می‌دهد. می‌فرماید: «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را در تبار و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست»^{۲۹}. در آیه بعدی خطاب به اعراب - که می‌تواند خطاب به ایرانیان و سایر ملل مسلمان هم باشد - می‌فرماید: «اعراب گفتند ایمان آوردیم بگو هرگز ایمان نیآورده‌اید بلکه بگویید اسلام آوردیم و هرگز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده»^{۳۰}. و در آیه بعدی می‌فرماید: «مؤمنین فقط کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان آورند پس هرگز در این باره شک نکردند و در راه خدا با اموال خود و جان خود جهاد کردند و آنها راستگویانند»^{۳۱}. باید انصاف داد آیا ما نیز از راستگویانیم و از ملل دیگر عالم برتریم یا همه ما نیز مشمول خطاب به اعراب هستیم یا شاید هنوز هم مشمول آن نمی‌شویم و ما نه که مسلمان تشریحی نیستیم بلکه در نحله و امت مسلمانان قرار داریم. چون اسلام تشریحی همانطور که گفته شد زمانی به وقوع می‌پیوندد که بیعت با ولی خدا صورت گیرد و شرط بیعت^{۳۲} شرط ورود به اسلام تشریحی است و گرنه گوینده لا اله الا الله به تعبیری مسلمان است و جان و مال و ناموس وی نیز ایمن از هرگونه تعرض می‌باشد و با استناد به این آیه که هیچ چیزی در عالم نیست که به تسبیح و ستایش خدا مشغول نباشد^{۳۳} نمی‌توان به مال کسی تعرض نمود و اموال او را با استناد به اینکه وی کافر است به باطل خورد. مسلمان نمی‌تواند با استناد اینگونه فتاوا از دیگر ملل عالم ربا بگیرد. از طرفی هیچیک از ملل عالم خود را کافر معرفی نمی‌کنند بلکه همه به نحوی از انحا خود را از امت انبیاء سلف می‌دانند.

معیار تمییز ربا

تا وقتی ربا تشخیص داده نشود مشاجره بر سر بانکداری اسلامی و غیراسلامی اتلاف وقت است. بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) با طرح مبحث ربا و تحقیق در این باب و دقت در اصل حکمت در اصول فقه که شریعت شارع را مبتنی بر قواعد عقلی مستحکم می‌داند محدوده ربا را مطرح می‌نمایند. براساس موارد مطرح شده در آن مقاله و تکمیل شده آن در پیشنویس‌های لایحه قانونی^{۳۴} و آیین‌نامه اجرایی^{۳۵} بانکداری راستین^{۳۶} با ملاحظه موارد زیر می‌توان عملیات ربوی و

^{۲۹}- سوره حجرات آیه، ۱۳، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». ^{۳۰}- سوره حجرات آیه، ۱۴، «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

^{۳۱}- سوره حجرات آیه، ۱۵، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ».

^{۳۲}- در آیه ۱۲ سوره ممتحنه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، و در آیه ۱۰ سوره فتح: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ إِنَّمَا يَنْكُثْ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَنْ يَعْصِيهِمْ فَصُرَتْ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عَظِيمًا» درباره بیعت با زنان و مردان به صراحت می‌فرماید و به وضوح پیدا است که بیعت با دست صورت می‌گیرد و عملی از اعمال و احکامی مشخص دارد که متأسفانه در بین امت اسلامی فراموش شده است.

^{۳۳}- آیه ۴۴ سوره اسراء «... وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...».

^{۳۴}- بیژن بیدآباد، آذرننگ امیراستوار، سعید عبداللهی، محمود الهیاری فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهروز،

- غیررئوی را تمییز داد. برای اجتناب از ربا معیارهای تمییز سود از ربا در بانکداری راستین از قرار ذیل می‌باشند:
- ۱- معامله هرگونه مال به صورت موجد که قیمت مورد معامله رابطه مستقیم با اجل معامله نداشته باشد.
 - ۲- تامین کننده منابع باید در سود و زیان فعالیت اقتصادی گیرنده منابع سهیم باشد.
 - ۳- نرخ قطعی سود نباید از پیش مشخص و شرط شود.
 - ۴- جهت تامین منابع برای موارد مصرفی نباید سود اخذ شود.
 - ۵- خرید و فروش اسعار خارجی به معنی تبدیل ارز به صورت فی المجلس یا موجد، به شرطی که قیمت ارز رابطه مستقیم با اجل معامله نداشته باشد.
 - ۶- احد طرفین منابع (بدل) بدهد برای مدت معین در عوض منابعی (مبدل) به همان میزان که از دیگری اخذ می‌کند برای همان مدت در آینده. همچنین بدل و مبدل و مدت زمانهای آن دو را می‌توان به گونه‌ای انتخاب کرد که حاصلضرب بدل در مدت آن مساوی با حاصلضرب مبدل در مدت آن باشد.

بحث در ماهیت عقود، ابزارها و فرآیندهای بانکی

بانک از لحاظ عملیات بانکی وظایف مختلفی را به عهده دارد این وظایف می‌تواند از زمره موارد زیر باشد^{۳۷}:

سپرده گذاری

بانک با دریافت سپرده از مردم یا بانک‌ها و همچنین با نهادن سپرده خود نزد بانک‌های دیگر اقدام به مجموعه‌ای از فعالیت‌های مالی می‌کند. به طور خلاصه اگر نرخ بهره توسط مدیون مشخص شود سپرده گذاری و دریافت مازاد توسط سپرده‌گذار دچار اشکال نیست و شرعاً ممدوح است که قرض گیرنده مازادی را علاوه بر قرض دریافتی به قرض دهنده بازگرداند. این موضوع متفاوت از قرضی است که نرخ بهره‌ای برای آن شرط شده باشد. به عبارت دیگر سپرده‌گذار از قبل نرخ بهره‌ای را برای سپرده‌گیرنده که بانک است شرط نمی‌نماید و این بانک است که بهره‌ای را به عنوان تشکر به سپرده‌گذار پرداخت می‌نماید. بانکداری فعلی برای گریز از مشخص و شرط کردن نرخ بهره در سپرده گذاری به حيله‌ای شرعی متوسل می‌شود که نوعی کلاه گذاردن سر خداوند است. به این شکل که نرخ بهره به عنوان نرخ سود علی الحساب از طرف بانک اعلام می‌شود و در پایان سال غالباً رقمی زیر یک درصد به این نرخ افزوده و بهره سپرده‌های مزبور را پرداخت و تسویه حساب قطعی می‌نمایند. دو قاعده کلی «الاعمال بالینات»^{۳۸} و «العقود تابعة

پیشنویس لایحه قانونی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱.

^{۳۵} - بیژن بیدآباد، آذرنگ امیراستوار، سعید عبداللهی، محمود الهیاری‌فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهرز، پیشنهاد آئین‌نامه اجرائی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱.

^{۳۶} - مستندات بانکداری راستین در بخش بانکداری راستین وبسایت <http://www.bidabad.com> قابل دسترس است.

^{۳۷} - مسائل بسیار زیاد دیگری در بانکداری فعلی مشاهده می‌شود که بسیار مهم است. ولی با توجه به اینکه در حاشیه مباحث این مقاله قرار می‌گیرند از آنها صرف نظر می‌کنیم. علاقمندان به میثم موسایی (۱۳۷۹) بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران مراجعه نمایند.

^{۳۸} - اصالت عمل به نیت عامل است.

للقصود»^{۳۹} به وضوح این عمل را حيله شرعی قلمداد می‌کند.

در سپرده‌گذاری‌های مشهور به قرض‌الحسنه پس‌انداز در پایان دوره جوائزی به صورت تصادفی به صاحبان سپرده‌ها پرداخت می‌شود. گرچه در این روش نرخ بهره از قبل مشخص و شرط نمی‌شود ولی اگر ارزش میزان جوائز بانک نسبت به سپرده‌های قرض‌الحسنه کمتر از نرخ بهره لازم برای پرداخت باشد عملاً در مجموع به سپرده‌گذار اجحاف شده و اگر کمتر باشد به منابع مالی بانک زیان رسانیده. حتی اگر فرض کنیم نرخ جایزه‌ای که بانک به صاحبان سپرده‌های قرض‌الحسنه پرداخت می‌کند مساوی نرخ بهره‌ای باشد که قاعداً بایست پرداخت می‌کرد از لحاظ ریاضی نرخ بهره برای هر سپرده‌گذار برابر امید ریاضی نرخ جایزه است. دریافت جایزه به دلیل قرعه‌کشی از یک تابع توزیع احتمال پیروی می‌کند که این تابع توزیع هر چند هم از نوع یکنواخت^{۴۰} باشد معذکک دریافت جایزه هر فرد متفاوت از دیگری می‌تواند باشد. وقوع این پدیده به معنی عدم عدالت توزیع جوایز بین سپرده‌گذاران است. یعنی دو نفر در مدت زمان مساوی وجهی مساوی را در بانک سپرده می‌گذارند ولی دریافتی آنها از بابت جایزه یکسان نیست. لذا می‌توان گفت این نوع سپرده‌گذاری و پرداخت جایزه غیرعادلانه است و براساس کبرای کلی «كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلَ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ»^{۴۱} و تلازم بین عقل و شرع که از مباحث اصلی در اصول فقه است می‌توان صغرای منطقی آن یعنی غیرعادلانه بودن سپرده‌های قرض‌الحسنه و عدم مشروعیت آن را ابراز داشت.

انواع سپرده‌گذاری‌های قرض‌الحسنه جاری که با اعطای دسته چک یا کارت الکترونیک یا هرگونه وسیله صدور حواله و برداشت از حساب به سپرده‌گذار؛ بانک منابع مالی فرد را در اختیار او می‌گذارد چنانچه پرداخت‌های بهره‌ای صورت نگیرد اشکال فقهی در آن نمی‌توان یافت. ولی در حال حاضر برخی از انواع سپرده‌گذاری‌های جاری قرض‌الحسنه‌ای مشاهده می‌شود که شامل دریافت سود (بهره) علی‌الحساب می‌باشند که مصداق سپرده‌های سرمایه‌گذاری را پیدا می‌کند که درباره آن قبلاً گفتگو شد.

طبق تعریف قانون مدنی از قرض از آنجا که سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری در هر لحظه کم و زیاد می‌شود، اطلاق مقدار معین به وجوه ناشی از سپرده قرض‌الحسنه جاری بی‌معنا است، مگر آنکه در هر بار تغییر در مانده این حساب‌ها، طرفین، عقد قرض را مجدداً منعقد کنند که در عمل، شدنی نیست. از طرفی طبق قانون مدنی^{۴۲} «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.» و به نظر نمی‌رسد حداقل در افتتاح حساب سپرده قرض‌الحسنه جاری در بانک‌ها دارنده حساب جاری، قصدش اعطای قرض به بانک باشد. لذا در مورد این حساب‌ها عقد قرض محقق نمی‌گردد. با توجه به اینکه صاحب حساب در هر زمان می‌تواند بدون اخطار قبلی سپرده خود را بعضاً یا کلاً دریافت کند، لذا از این جهت نیز اطلاق صفت قرض‌الحسنه به این سپرده‌ها خالی از اشکال نیست. با توجه به این مراتب سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و قرض‌الحسنه دیداری را نمی‌توان قرض تلقی کرد. این حساب‌ها طبق قانون مدنی^{۴۳}، منافع حاصله از ودیعه مال مالک است، بنابراین اگر حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و قرض‌الحسنه

۳۹ - عقدها تابع قصدهای آنان است.

۴۰ - Uniform Distribution Function

۴۱ - بر چیزی که عقل حکم کند بی‌تردید شرع نیز حکم خواهد کرد.

۴۲ ماده ۱۹۱ قانون مدنی.

۴۳ ماده ۶۲۳ قانون مدنی.

دیداری را سپرده فرض کنیم، صاحبان حساب قرض الحسنه پس انداز و قرض الحسنه جاری باید در منافع به کارگیری این وجوه توسط بانک شریک باشند؛ که نیستند. استفاده بانکها از این حسابها با تعریف عقد عاریه بیشتر همخوان است که طبق تعریف^{۴۴} «عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود.» در صورتی که در عقد عاریه عوض مقصود نشده است.

سپرده وامخواه

بسیاری سپرده گذاری به شرط وام در قرض الحسنه را وارد در حریم ربا می‌دانند، زیرا شرط وام شرط زیاده بر وجهی است که وام گیرنده هنگام بازپرداخت به وام دهنده خواهد داد. از این سو شرط اخذ سپرده از مشتریان برای دریافت وام از بانکها و صندوقهای قرض الحسنه به این دلیل، این شرط مازاد مورد اشکال است، زیرا که در ازاء قرض منفعتی مازاد بر آن از قرض گیرنده وصول می‌شود. این سپرده‌ها تحت عنوان «سپرده وامخواه» نامگذاری شده‌اند که فرد با قرارداد وجه سپرده نزد بانک بعد از مدتی وامی بیش از مقدار سپرده گذاری شده از بانک دریافت می‌دارد.

«سپرده وامخواه» از لحاظ مالی متضمن این محتوا است که اعطای جوائز غیر ثابت نقدی یا جنسی یا تخفیف یا معافیت از پرداخت کارمزد خدمات بانکی یا دادن حق تقدم برای استفاده از تسهیلات اعطائی بانکی، دارای ارزش مادی است و قابلیت تقویم ریالی و ارزشگذاری پولی دارد و لذا اگر اعطای این امتیازات با قرض دهنده شرط شوند به این مفهوم است که مازادی از پیش شرط شده که حکم ربا را می‌یابد. از این جهت سپرده وامخواه را وارد در حریم ربا می‌دانند.

خرید و فروش وام چنانچه به شکل خرید و فروش بدهی باشد نوعی معامله کالی به کالی یا دین به دین است و اصولاً به عقیده بسیاری از فقها خرید و فروش دین شرعاً مجاز نمی‌باشد. خرید و فروش حق تسهیلات با اینکه شرعاً مباح می‌باشد ولی بانک مرکزی فعلاً آن را ممنوع شناخته است - هرچند این فعالیت تحت عنوان حق تقدم وام در برخی بانکها و فرابورس در حال حاضر در حال انجام است و حق تقدم وام در بازار فرابورس رسماً خرید و فروش می‌شود.

اصولاً وضع هر نوع محدودیت بر بازارها موجب ناکارایی در اقتصاد و تشکیل بازارهای غیررسمی می‌گردد و از لحاظ اصولی نیز خرید و فروش حق وام مشکل شرعی و عقلی نداشته و از لحاظ نظریات اقتصادی و مالی موجه است. یکی از نگرانی‌های بانک مرکزی و مشکلات اساسی در خرید و فروش وام استفاده از شیوه‌های غیررسمی فعالان این خدمت مالی در این ارتباط می‌باشد. چنانچه زمینه‌های آزاد و صحیح خرید و فروش حق وام مدون و مجری گردند مسلماً به عنوان یک اصل اقتصادی بازارهای غیررسمی حذف خواهند شد. در این ارتباط با راه‌اندازی بازار خرید و فروش حق وام می‌تواند مشکلات فعلی در مورد خرید و فروش حق وام را مرتفع نماید.

کارمزد

کارمزد نمی‌تواند جایگزین بهره گردد. کارمزد علی‌القاعده نباید با تغییر میزان اسمی پول تغییر یابد. به عبارت دیگر بانک با ارائه خدمت اقدام به فروش آن خدمت می‌کند و فروش خدمت علی‌القاعده نباید ارتباطی با رقم اسمی موضوع خدمت داشته باشد. برای مثال عمل دریافت و پرداخت یا حواله پول به بانک دیگر از لحاظ هزینه‌ای که برای

^{۴۴} ماده ۶۳۵ قانون مدنی.

بانک ایجاد می کند برای رقم های مختلف حواله ها یکسان است. نقض این موضوع در زمانی قابل قبول است که بانک مستلاً دلایلی مبنی بر این موضوع داشته باشد که مثلاً حواله پول بیشتر، هزینه بیشتری را برای بانک ایجاد نماید.^{۴۵}

وام

تسهیلات اعطایی یا وام بانک ها را می توان در دو طبقه مهم وام های مصرفی و وام های سرمایه گذاری طبقه بندی نمود. براساس استنتاجات انجام شده در بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) به وضوح بیان گردید که اخذ مازاد در وام های مصرفی مشمول ربا است. آیین نامه های^{۴۶} قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز در باب اعطای وام های قرض الحسنه به جزئیات این موضوع را در پرداخت وام قرض الحسنه برای دفع احتیاجات افراد شامل هزینه های ازدواج، تهیه جهیزیه، درمان بیماری، تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی و کمک برای ایجاد مسکن در روستاها ملحوظ می دارد.^{۴۷}

وام قرض الحسنه

از لحاظ آیین نامه عملیات بانکداری بدون ربا «قرض الحسنه عقدی است که به موجب آن قرض دهنده مقدار معینی از مال خود را به قرض گیرنده تملیک می کند که قرض گیرنده مثل و یا در صورت امکان قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید». قرض در لغت به بریدن، قطع کردن یا قیچی کردن معنی شده و در اصطلاح فقهی قطع بخشی از مایملک است. فقها قرض الحسنه را در قبال برگشت اصل مال مصطلح می دانند ولی از بررسی آیات قرآن استنباط می شود که قرض الحسنه پرداخت بلاعوض و بدون برگشت است. آیات متعدد قرض الحسنه همه پشت سر آیتی هستند که در مورد انفاق، صدقه یا زکات یا قتال تکلیف می کنند و به صحت می توان این تفسیر را نمود که قرض الحسنه همان پرداخت های بلاعوض از مال یا جان می باشد که به معنی لغوی قرض مال (بریدن و قطع کردن مال از خود) یا جان (با صرف نظر کردن از بدن خود) در قتال در راه خدا است که حسنه آن در آن مندمج است. می فرماید:^{۴۸} در راه خدا قتال کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (به) کسی که به خدا قرض دهد قرض حسنه پس به چند برابر بر او اضافه خواهد شد و خداوند است که تنگنا یا فراخی دهنده است. و نیز می فرماید:^{۴۹} خداوند گفت اگر نماز بپا دارید و زکات دهید و به رسولان من ایمان آورید و یاری آنها نمایید و قرض های حسنه به خداوند قرض دهید محققاً من با شما خواهم بود. و می فرماید:^{۵۰} شما را چه می شود که در راه خداوند انفاق نمی کنید (در حالی که) میراث آسمان ها و زمین از آن خداوند است و کسی که از شما قبل از فتح انفاق و قتال کرد مساوی نیست، آنها از درجه برتری نسبت به کسانی که بعداً انفاق و قتال کردند برخوردارند و خداوند به هر دوی آنها نیکویی وعده کرده و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است.

^{۴۵} - ارائه خدماتی نظیر بیمه وجوه، مجزا از کارمزد است زیرا مخاطرات تأثیرگذار بر وجوه مالی بر میزان مبلغ اسمی آن وارد می شود.

^{۴۶} - مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر بانک ها و مؤسسه های اعتباری، مرتضی والی نژاد (۱۳۸۱)، پژوهشکده پولی و بانکی صفحات ۲۳۵-۱۷۷.

^{۴۷} - بند ج ماده ۳ دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانک ها.

^{۴۸} - سوره بقره، آیات ۲۴۴-۲۴۵، «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مِنْ ذَٰلِذِي يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَسْطُطُ».

^{۴۹} - سوره مائده، آیه ۱۲: «قَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ اقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا».

^{۵۰} - سوره حدید، آیات ۱۱-۱۰: «وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَتَلَ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَ قَاتِلُوا وَ كَلَّا وَ عَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ* مِنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ».

کیست به خداوند قرضی حسنه دهد پس بر او به چند برابر اضافه خواهد شد و برای او پاداشی بزرگ خواهد بود. و می‌فرماید: ^{۵۱} همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنها که به خداوند قرض نیکویی قرض می‌دهند دو برابر برای آنها خواهد شد و برای آنها پاداش بزرگی است. و می‌فرماید: ^{۵۲} و نماز بپا دارید و زکات دهید و قرض دهید به خدا قرضی حسنه و آنچه خوبی نزد خدا کنید پیشتر نسبت به خودتان می‌کنید و آن خوبی و پاداش برتری است.

به هر حال کلمه قرض الحسنه از لحاظ قرآنی به معنای ایثار مال و جان است منوط به مسما‌ی وام نیست. شاید استعمال کلمه «وام نیک» کمتر آسیب تشریحی به فقه وارد آورد.

مشارکت مدنی

مشارکت مدنی عقدی است که از در آمیختن سهم‌الشرکه دو شخص به نحو مشاع به منظور انتفاع و طبق شروط قبلی و قرارداد حاصل می‌شود. چنانچه یکی از طرفین این عقد بانک باشد این عقد بانک را به مثابه بانک سرمایه‌گذار تبدیل می‌نماید نتیجتاً با توجه به موارد مطرح شده در وجه تمییز ربا از حریم ربا خارج می‌گردد. شرط این عقد این است که به هیچ وجه بازده انتظاری شریک یا شراکت از قبل مشخص نشود.

مشارکت حقوقی

این عقد به معنای تأمین بخشی از سرمایه شرکت‌های سهامی اعم از تأسیس آنها یا مشارکت در خرید سهام آنها می‌باشد. این مشارکت بر مبنای موارد مذکور در باره ربا، غیر ربوی است و بانک را به بانک سرمایه‌گذار تبدیل می‌کند.

سرمایه‌گذاری مستقیم

تأمین سرمایه لازم جهت اجرای پروژه‌های اقتصادی توسط بانک سرمایه‌گذاری مستقیم نامیده می‌شود. همانطور که گفته شد بانک در این عقد به عنوان بانک سرمایه‌گذار است و ماهیت عملیات غیر ربوی می‌باشد.

مضاربه

در عقد مضاربه بانک عهده‌دار تأمین مالی سرمایه می‌شود و طرف دیگر با آن منابع اقدام به تجارت نموده و سود حاصله به نسبتی معین بین مالک (بانک) و عامل تسهیم می‌شود. این عقد در صورت عدم تعیین و شرط نکردن نرخ سود از قبل ماهیت غیر ربوی می‌یابد. این ملاحظه را باید در نظر داشت که در صورتی که عامل دچار زیان شود مالک نیز علی‌القاعده باید سهم خود از زیان را عهده‌دار شود. البته این تعهد در همه عقود غیر ربوی التزام دارد و لازم‌الرعا‌یه می‌باشد. از اشکالات عقد مضاربه در قانون مدنی این است که احد طرفین (مالک) می‌تواند مال دهد لذا آورده مضارب از لحاظ قانونی سهم‌الشرکه وی محسوب نمی‌شود. برای رفع مشکل این عقد در عملیات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین در عقد مضاربه اصلاحات زیر پیشنهاد شد:

۱- مضارب می‌تواند بخشی از سرمایه مضاربه را تأمین نماید.

^{۵۱} - سوره حدید، آیه ۱۸: «إِنَّ الْمُسْتَفِيزِينَ وَالْمُسْتَفِيزَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ».

^{۵۲} - سوره مزل، آیه ۲۰: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا».

- ۲- سرمایه می‌تواند اعم از نقد، غیرنقد یا حقوق مالی باشد که در هنگام انعقاد عقد بهای دو مورد اخیر تقویم می‌شود.
- ۳- در صورت تعدد مالک و مضارب حصه سرمایه هر یک از مالکین از کل سرمایه مضاربه و همچنین سهم فعالیت هر کدام از مضاربین از کل فعالیت مضاربه باید اجزاء مشاع از کل، از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد، مگر اینکه در عرف منجزا معلوم بوده و سکوت در عقد منصرف به آن گردد.
- ۴- حصه هر یک از مالکین و مضاربین از منافع می‌تواند اجزاء مشاع از کل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد یا طبق قاعده‌ای متناسب با منافع و با توجه به میزان سرمایه مالکین و فعالیت و سرمایه مضاربین مشخص شود. قاعده مزبور در زمان عقد قرارداد باید تعریف و شرط شود.
- ۵- در صورت وجود واسطه در عقد مضاربه، تعیین حدود و اختیارات واسطه با مالک است. مسوولیت نظارت بر عملیات مضاربه برعهده واسطه خواهد بود.
- ۶- به غیر از آنکه فوقاً مذکور شد مضاربه تابع مقررات عقد مضاربه و شرایط و توافقات طرفین است.

معاملات سلف و سلم

سلم در لغت به معنای پیش‌پرداخت، قبول کردن و اطاعت کردن آمده است.^{۵۳} بیع سلم مترادف بیع سلف^{۵۴} و آن بیعی است که در آن بها یا ثمن معامله نقداً و در هنگام انعقاد بیع پرداخت می‌شود ولی مبیع مؤجل و کلی فی‌الذمه است. به عبارت دیگر بیع سلف یا بیع سلم پیش‌خرید یا پیش‌فروش است^{۵۵} که اگر از وجه خریدار به موضوع بیع نگاه شود پیش‌خرید و اگر از وجه فروشنده به آن نظر شود پیش‌فروش تلقی می‌شود.^{۵۶} در بیع سلم انتقال مالکیت مبیع در زمان تسلیم آن صورت می‌گیرد و نه در زمان انعقاد بیع. در بیع سلف یا سلم برخلاف بیع نسیه، کالا، مدت‌دار است لیکن بهای آن نقدی پرداخت می‌گردد. به عبارتی این بیع معامله کالای مدت‌دار به بهای نقد تعریف می‌شود.

فقها این بیع را جایز می‌دانند. آنچه به سلف فروخته می‌شود بهای آن یا کالا است یا پول. فروختن کالای سلف در ازای پول به اتفاق همه جایز است. فروختن پول سلفی در ازای کالا همان بیع نسیه است. آنچه که شبهه دارد فروختن کالای سلفی در برابر کالای نقدی وقتی که هر دو از یک جنس می‌باشند است. همینطور فروختن پول سلفی در ازای پول نقد جایز نیست زیرا اگر ارزش هر دو در زمان‌های انعقاد عقد و تحویل یکی باشند دیگر این عقد بیع نیست بلکه قرض است و اگر این دو ارزش متفاوت باشند شبهه ورود به حریم تنزیل و ربا دارد.

طرفین معامله یعنی مسلم‌الیه (بایع) و مسلم (خریدار) و توافق (ایجاب و قبول) طرفین و مورد معامله (مسلم‌فیه) - که باید کلی فی‌الذمه^{۵۷} باشد و نه عین معین - سه رکن اصلی بیع سلم هستند. عین، جنس، نوع، وصف، مقدار، میزان، ثمن، اجل و مکان و امکان تحویل مسلم‌فیه در بیع سلم باید معین باشند.^{۵۸} علاوه بر این مسلم‌فیه نباید بگونه‌ای باشد که موجب

^{۵۳} مسعود انصاری، محمدعلی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴، چاپ اول، جلد ۲، ص ۱۰۹۱.

^{۵۴} محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول، جلد ۲، ص ۹۷۸.

^{۵۵} حبیب‌الله طاهری، حقوق مدنی ۶ و ۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۴، ص ۴۲.

^{۵۶} ناصر کاتوزیان، عقود معین، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، چاپ دهم، جلد ۱، ص ۱۷۴.

^{۵۷} ماده ۳۵۱ قانون مدنی، کلی فی‌الذمه مالی است که صادق بر افراد عدیده باشد مثل گندم و جو که هر یک دارای مصادیق بسیاری در خارج هستند.

^{۵۸} محمدجعفر جعفری لنگرودی، فرهنگ عناصرشناسی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۳۶۷.

ربا گردد. اگر جنس مبیع و ثمن یکسان و میزان آن متفاوت باشد متضمن ربا خواهد بود. در بیع سلم، ثمن ممکن است عین خارجی یا مال کلی باشد.^{۵۹} در صورتی که تنها بخشی از ثمن پرداخت شود بیع سلم فقط نسبت به همان بخش صحیح است. در صورتی که فروشنده در تسلیم مبیع تأخیر نماید، خریدار اختیار فسخ بیع را تحت عنوان خیار تعذر تسلیم دارد.

چنانچه ثمن در بیع سلم، طلبی باشد که خریدار، پیش از عقد بیع از فروشنده طلب داشته است، بیع سلم صحیح می‌باشد و به محض انعقاد بیع، دین فروشنده ساقط می‌شود. لذا پرداخت ثمن به صورت اعتباری نیز می‌تواند صحیح باشد و خریدار می‌تواند طلبی که از بدهکار دارد را به عنوان ثمن معامله قرار دهد. در قانون مدنی به لزوم دادن ثمن هنگام انعقاد بیع اشاره نشده و لذا پرداخت ثمن هنگام عقد شرط صحت این بیع نیست. قانون مدنی^{۶۰} به طرفین اجازه می‌دهد که برای تسلیم مبیع یا پرداخت ثمن موعد تعیین نمایند.

برخی از فقها نسبت به فروختن کالای سلفی خریداری شده قبل از رسیدن اجل تحویل تشکیک کرده‌اند هر چند برخی بر عدم صحّت و برخی بر صحت ادّعا نموده‌اند. فروش کالای سلف پس از اجل و پیش از تحویل گرفتن کالا به فروشنده جایز شمرده شده ولی به دیگری، محلّ اختلاف است. فروختن کالا قبل از تحویل را برخی مکروه دانسته‌اند و برخی، کراهت را مختص اطعمه و برخی به کالایی که مکمل یا موزون باشد دانسته‌اند.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا پیش خرید نقدی کالا به قیمت معین معامله سلف خوانده می‌شود. برای این عقد تولیدکننده می‌تواند کسری مالی خود را با فروش کالای تولیدی آینده خود قبل از پایان فرآیند تولید تأمین نماید. علیرغم اینکه فقها این معامله را غیرربوی می‌دانند ولی به نظر چون معاملات سلف به دلیل اینکه قیمت کالا در تاریخ پایان دوره از قبل مشخص می‌شود وارد حریم ربا می‌گردد. زیرا با این کار نرخ بهره را می‌توان دقیقاً در تاریخ عقد قرارداد محاسبه نمود هر چند که اشاره‌ای به نرخ بهره یا مازاد نشود. برای مثال فردی در ابتدای سال تعداد q واحد کالای تولیدی در پایان سال خود را با قیمت p به بانک می‌فروشد و مبلغ R ریال دریافت می‌دارد که مسلماً $R < pq$ است در غیر این صورت بانک از انجام این معامله سودی نخواهد داشت و فقط متحمل هزینه می‌شود. بر این اساس نرخ بهره این قرارداد برابر رقم زیر خواهد بود:

$$r = \frac{R - pq}{R} \times 100$$

و با توجه به اینکه بانک در سود و زیان این معامله سهم نیست معامله ربوی خواهد بود. حال اگر قیمت فروش کالا معین و شرط نشود معامله غیرربوی خواهد شد. پس لزوماً برای اینکه معاملات سلف ماهیت غیرربوی داشته باشند باید قیمت کالایی که بانک قصد خرید و تحویل آن را در پایان دوره دارد در قرارداد شرط نشود. البته که بانک محق است پیش بینی لازم برای قیمت آن کالا را در بررسی‌های خود ملحوظ دارد ولی حق تعیین کردن آن در قرارداد را ندارد.

فروش اقساطی

فروش اقساطی واگذاری عین به بهای معلوم به غیر می‌باشد بطوریکه بهای کالا در سررسیدهای معین دریافت

^{۵۹} حسن امامی، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۰، چاپ سوم، جلد اول، ص ۴۵۵.

^{۶۰} ماده ۳۴۱ قانون مدنی: بیع ممکن است مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تادیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود.

گردد. در این عقد نیز شبهه ربا وجود دارد. برای مثال فرض کنید بانک ماشین آلات مورد نیاز یک تولیدکننده به ارزش v ریال را خریداری و در اختیار وی قرار می‌دهد تا تولیدکننده در m قسط مبالغ v_1, \dots, v_m را به بانک مسترد نماید. اگر

$$v = \sum_{i=1}^m v_i$$

باشد یعنی سرجمع اقساط مساوی ارزش ماشین آلات خریداری شده باشد بانک از انجام این عمل سودی نخواهد برد و فقط متحمل هزینه خواهد شد. پس الزاماً باید:

$$v < \sum_{i=1}^m v_i$$

باشد. در این حالت نرخ بهره از قبل مشخص شده و برای حالت ساده‌ای که توزیع اقساط به صورت مقادیر و زمان‌های مساوی در طول دوره پرداخت شود برابر خواهد بود با:

$$r = \frac{\sum_{i=1}^m v_i - v}{2v}$$

این ملاحظات در مورد انواع فروش اقساطی مطرح در آئین‌نامه اجرایی عملیات بانکداری بدون ربا شامل تأمین سرمایه در گردش ماشین آلات، کالاهای مصرفی، وسایل حمل و نقل، تأسیسات و مسکن می‌شود. باید اضافه نمود در این تحلیل فرض ضمنی بر این بود که اقتصاد دچار تورم قیمت نیست. ولی اگر تورم مد نظر باشد و نرخ r اگر مساوی نرخ تورم باشد بحث از لحاظ موضوعی متفاوت می‌شود. ولی باید اضافه نمود که نرخ تورم به صورت قطعی⁶¹ قابل پیش‌بینی نیست و بطور احتمالی⁶² قابل پیش‌بینی است و علی‌الاصول پیش‌بینی نمی‌تواند هنگام عقد قرارداد مأخذ قرار گیرد چه اگر عوامل گوناگون داخلی و خارجی متأثر بر نرخ تورم اگر تغییر کنند نرخ واقعی در آینده با پیش‌بینی انجام شده فاصله خواهد گرفت و مابه‌التفاوت مجدداً در حریم ربا وارد می‌شود.

اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ای است که مستأجر در پایان مدت اجاره عین مستأجره را مالک می‌شود. بر اساس توضیحات داده شده این عقد نیز داخل در حریم ربا می‌شود. زیرا نرخ بهره را از قبل می‌توان محاسبه کرد. برای مثال بانک از محل منابع خود کالای بادوامی را به مبلغ v ریال خریداری می‌نماید و مستأجر با اجاره آن مبلغ m قسط اجاره v_1, \dots, v_m را در تاریخ‌های مقرر به بانک پرداخت می‌کند. همانند حالت فروش اقساطی اگر کل ارزش کالای مورد اجاره مساوی ارزش کل اقساط اجاره‌ها باشد بانک متضرر می‌گردد. پس باید ارزش مستأجره کمتر از جمع کل اجاره‌ها باشد. اگر چنین باشد مجدداً نرخ بهره بر اساس فرمول فوق به راحتی محاسبه می‌شود. پس اجاره به شرط تملیک نیز از مصادیق معاملات ربوی است و وارد در حریم رباست هر چند ظاهر آن نوعی اجاره تلقی می‌گردد.

جعاله

جعاله به معنای التزام جاعل (کارفرما) به ادای اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عمل معین توسط عامل (پیمانکار) می‌باشد. در عقد جعاله بانک می‌تواند هم جاعل و هم عامل باشد و در صورتی که در این عقد نرخ بهره

⁶¹ Deterministic

⁶² Probabilistic

مشخص و شرط نشود وارد به حریم ربا نمی گردد.

مزارعه

در عقد مزارعه، مزارع زمین مشخصی را برای زمان مشخص به عامل می دهد تا زراعت کند و حاصل بین مزارع و عامل تقسیم گردد. این عقد نیز خارج از حریم ربا قرار دارد و شرط اصلی آن تسهیم سود حاصل از زراعت است و نباید نرخ بازده یا بهره از قبل مشخص و شرط گردد. توسط این عقد بانکها می توانند زمین های مزروعی را خریداری و در اختیار مزارع قرار دهند. در عملیات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین در عقد مزارعه اصلاحات زیر پیشنهاد گردید که کارائی این عقد را افزون می نماید:

- ۱- مزارعین و عاملین هر کدام می توانند منفرداً یا متفقاً تمام یا بخشی از زمین، سرمایه یا سایر عوامل تولید را تأمین کنند.
- ۲- عوامل تولید می تواند شامل سرمایه (اعم از نقد، غیرنقد و حقوق مالی)، زمین، آلات، ادوات، تجهیزات، تأسیسات، آب، بذر، کود، سم، سوخت، مدیریت، کارآفرینی و غیره باشد که در هنگام انعقاد عقد بهای آنان تقویم می شود.
- ۳- در صورت تعدد مزارع و عامل، حصه هر یک از مزارعین از بهای تقویمی عوامل تولید و همچنین سهم فعالیت هر کدام از عاملان از کل فعالیت مزارعه باید اجزاء مشاع از کل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد، مگر اینکه در عرف منجزا معلوم بوده و سکوت در عقد منصرف به آن گردد.
- ۴- حصه هر یک از مزارعین و عاملین از منافع می تواند اجزاء مشاع از کل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد یا طبق قاعده ای متناسب با منافع و با توجه به میزان بهای تقویمی عوامل تولید مزارعین و فعالیت و بهای تقویمی عوامل تولید عاملین مشخص شود. قاعده مزبور در زمان عقد قرارداد باید تعریف و شرط شود.
- ۵- عامل باید اعمالی را که برای نوع و طرز زراعت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد.
- ۶- عامل در حکم امین است و ضامن مال مزارعه نمی شود مگر در صورت تفریط یا تعدی.
- ۷- اگر شرط شود که عامل ضامن مال مزارعه خواهد بود و یا خسارات حاصله از مزارعه متوجه مزارع نخواهد شد عقد باطل است مگر اینکه بطور لزوم شرط شده باشد که عامل از مال خود به مقدار خسارت یا تلف مجانا به مزارع تملیک کند.
- ۸- در صورت وجود واسطه در عقد مزارعه، مسوولیت نظارت بر عملیات مزارعه برعهده واسطه خواهد بود.
- ۹- به غیر از آنکه فوقاً مذکور شد مزارعه تابع مقررات عقد مزارعه و شرایط و توافقات طرفین است.

مساقات

- عقد مساقات بین صاحبان درخت و مشابهات آن با عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می شود. این عقد نیز با رعایت شرط عمومی عدم تعیین و شرط نکردن نرخ بهره غیرربوی است. در عملیات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین در عقد مساقات ملاحظات زیر برای توسعه این عقد مد نظر قرار داده شد:
- ۱- صاحبان درخت و امثال آن می توانند تمام یا بخشی از سرمایه و سایر عوامل تولید را تأمین کنند.
 - ۲- عامل یا عاملین در مقابل حصه مشاع معین (همانند آنچه که در مزارعه ذکر آن رفت) از ثمره واقع می شود و ثمره اعم است از خود درخت و امثال آن، میوه، برگ گل، سرگل، پوشال، دسته، ساقه، شهد، پیاز، ریشه و غیره.
 - ۳- در صورت وجود واسطه در عقد مساقات، مسوولیت نظارت بر عملیات مساقات برعهده واسطه خواهد بود.

۴- مقررات راجع به مزارعه که در ماده قبل ذکر شد در عقد مساقات نیز مرعی است.

خرید دین

مدیریت بدهی‌ها یکی از ابزارهای کارآمد مالی در غرب به شمار می‌رود. وقتی تنوع نرخ‌های بهره در اقتصاد زیاد باشد از این ابزار می‌توان استفاده‌های متنوعی نمود. نوع ساده از ابزارهای مدیریت بدهی‌ها خرید دین است که به تنزیل اسناد و اوراق بهادار نیز شهرت دارد. این روش در حال حاضر نیز در ایران رایج است و چنانچه این عمل بر مبنای تنزیل سفته‌های خریدار کالا صورت گیرد شبیه به عقد فروش اقساطی خواهد شد و ماهیت ربوی دارد. همینطور چنانچه عملیات تنزیل بدون توجه به خرید کالا و فقط با تنزیل اوراق و اسناد بهادار صورت گیرد ربوی تلقی می‌شود. در دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین^{۶۳}، خرید دین را قراردادی تعریف می‌کند که به موجب آن شخص ثالثی، دین مدت‌دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از داین خریداری می‌کند که همانطور که در قبل توضیح داده شد وارد حریم ربا می‌گردد.

استصناع

نوعی از قرارداد آتی و عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین در مقابل مبلغی معین، متعهد به ساخت (تولید، تبدیل و تغییر) اموال منقول و غیر منقول، مادی و غیر مادی با مشخصات مورد تقاضا و تحویل آن در دوره زمانی معین به طرف دیگر می‌گردد. بانک در قالب عقد استصناع اول تسهیلات به مشتریان اعطا نموده و سپس بر اساس عقد استصناع دوم قرارداد ساخت را به سازنده واگذار می‌نماید.^{۶۴}

مربحه

قراردادی^{۶۵} است که به موجب آن عرضه کننده، بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسیه‌دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند. اموال موضوع قرارداد مرابحه باید در هنگام انعقاد قرارداد موجود باشد. بانک در زمینه رفع نیاز واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی برای تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزار کار، ماشین آلات، تأسیسات، زمین و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات، به سفارش و درخواست متقاضی مبادرت به تهیه و تملک این اموال و خدمات نموده و سپس آن را در قالب عقد مرابحه به متقاضی واگذار می‌نماید. با توجه به اینکه مرابحه به این شکل پوشاندن قصد ربا است خود نوعی حيله شرعی است و نرخ بهره را از ابتدا می‌توان در آن محاسبه نمود وارد حریم ربا می‌شود.

^{۶۳} دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.

^{۶۴} دستورالعمل اجرایی عقد استصناع، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.

^{۶۵} دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.

جریمه تأخیر تأدیه و ربح مرکب

یکی از پدیده‌های قابل مشاهده در بانکداری فعلی ربح مرکب یا گرفتن ربا از ربا می‌باشد که به ربای جاهلی مشهور است. برای مثال به فردی با نرخ بهره ۲۴٪ تسهیلاتی اعطا می‌شود چنانچه وی در سررسید مقرر موفق به پرداخت دین نشد نرخ بهره‌ای که باید پردازد به $0.30 = 0.24 + 0.06$ افزایش می‌یابد. این ۶٪ به نام جریمه تأخیر تأدیه اخذ می‌شود ولی در اصل ربح مرکب است یعنی همان چیزی که در قرآن به «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً»^{۶۶} آمده است. البته از لحاظ اصولی جریمه تأخیر تأدیه در مورد دین می‌تواند صحیح باشد بطور مثال کسی که وامی می‌گیرد تا ساختمانی بسازد یا وام می‌گیرد تا منزلی بخرد در واقع از این پول سود می‌برد و منطقی است که سهمی از این سود را به وام‌دهنده پردازد. این سهم ممکن است صدی چند از فایده باشد یا این که در اول کار به صورت عقد صلح این سهم به مبلغ مقطوعی یا صدی چند مقطوعی از سرمایه مورد توافق قرار گیرد. زیرا حقوقی را که هنوز تحقق نیافته را نیز می‌توان مورد عقد صلح قرار داد. به این طریق در این حالت روابط وام‌دهنده و وام‌گیرنده ترکیبی از مقررات فی‌المثل عقد مضاربه و عقد صلح است.^{۶۷} ولی در حالتی که فقط وام به قصد ربا داده شده و وام‌گیرنده در تأدیه تأخیر نموده شرایط جدیدی پیش می‌آید. اگر وام‌گیرنده وام را برای سرمایه‌گذاری مصرف کرده ولی نتوانسته است سرمایه‌گذاری را به انجام برساند بطور خودکار وام وی مصرفی تلقی می‌شود و لذا اخذ مازاد از وام‌گیرنده حرام است. از طرف دیگر چنانچه وام‌دهنده با عقود شرعی به نحوی در فعالیت اقتصادی با وام‌گیرنده شریک است باید در سود و زیان با وی شریک باشد. در مثالی که ذکر شد نرخ اضافه مضاعف یعنی ربح مرکب قابل محاسبه است. فرض کنید برای ۱۰۰ ریال وام با نرخ بهره ۲۴٪ (متداول) و ۶٪ جریمه تأخیر تأدیه (که عملاً دریافت می‌شود) نرخ بهره ۶٪ به معنی اضافه مضاعف (حتی کمی بیشتر به میزان $0.24/0.06 = 0.5/0.06 = 8.33$ یعنی: $0.24 \times 8.33 = 2.0$ است).

اجاره

این عقد به تصریح در قانون عملیات بانکی بدون ربا مطرح نیست ولی در عقود مختلف بطور ضمنی مطرح می‌باشد. به عبارت دیگر بانک می‌تواند با سرمایه‌گذاری خود در خرید ساختمان، زمین، ماشین‌آلات بادوام و سایر کالاهای بادوام آنها را ابتیاع و درازاء دریافت اجاره در اختیار دیگران قرار دهد. در این حالت بانک مؤجر است و مستأجره متعلق به بانک و مستأجر هر شخصیت حقیقی یا حقوقی می‌تواند باشد و اجاره دریافتی غیرربوی است.

خرید و فروش اسعار خارجی

یکی از اقسام عملیات بانکی خرید و فروش ارز یا اسعار خارجی می‌باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد تبدیل پول کشورها به یکدیگر ربوی نیست ولی در این باب ملاحظه‌ای را باید در نظر گرفت و آن عدم استفاده از نرخ بهره و انجام معاملات مدت‌دار است. به عبارت دیگر معاملات در بازار ارز به سه دسته معاملات نقدی، معاملات آتی یا وعده‌دار و معاملات تعویضی طبقه‌بندی می‌شوند. معاملات نقدی^{۶۸} معاملاتی است که تحویل و تسویه آنها در همان زمان توافق

^{۶۶} - سوره آل عمران، آیه ۱۳۰، ربا را به اضافه مضاعف نخورد.

^{۶۷} - حضرت دکتر حاج نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه (۱۳۸۰) جریمه تأخیر تأدیه، مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی ص ۱۱۵، انتشارات حقیقت، چاپ اول، ۱۳۸۰.

^{۶۸} Spot

برای انجام معامله صورت می‌گیرد. معاملات آتی یا وعده‌دار^{۶۹} عبارت از خرید و فروش همزمان مبلغ معینی ارز با نرخ معین و تاریخ تحویل معین در آینده می‌باشد. اینگونه معاملات برای ایجاد اطمینان از نوسانات نرخ ارز در آینده و پوشش ریسک معاملات آتی و همچنین به منظور عملیات سوداگرانه و بورس بازی و تبدیلات مکرر یا آربیتراژ^{۷۰} صورت می‌گیرد. معاملات تعویضی (سواپ)^{۷۱} توافق برای خرید و فروش میزان مشخصی از دو ارز در برابر یکدیگر برای دو تاریخ متفاوت می‌باشد. در این معاملات می‌توان اثر پوشش ریسک و همچنین نرخ بهره را مشاهده نمود.

قراردادهای فوق هرکدام از لحاظ ربوی بودن یا نبودن ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند. معاملات نقدی ارزی ماهیت ربوی ندارد. معاملات وعده‌دار در قالب قراردادهای مختلفی صورت می‌گیرد. در قراردادهای سلف^{۷۲} ارز دو طرف با توافق در یک نرخ، زمان مبادله میزان مشخصی از دو ارز را مشخص می‌نمایند. این قرارداد ربوی نیست و بین دو طرف مشخص^{۷۳} منعقد می‌شود. قراردادهای آتی همان قرارداد سلف است با این تفاوت که طرفین قرارداد برای هم شناخته شده نیستند و تنها از طریق بانک‌ها یا کارگزارهای فعال در بازار ارز اقدام به معامله می‌نمایند. این قرارداد به عنوان خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار می‌باشد و با معامله بر عکس^{۷۴} یا تسویه نقدی^{۷۵} می‌تواند تسویه گردد.

قراردادهای سواپ همانند قرارداد سلف ارزی است با این تفاوت که خرید یا فروش یک میزان ارز خارجی در تاریخ مشخص در مقابل فروش یا خرید دوباره همان میزان ارز در زمانی دیگر در آینده با قیمت تعیین شده در تاریخ عقد قرارداد می‌باشد. این قراردادها گرچه ریسک زیادی را پوشش می‌دهند ولی به دلیل محاسبه بهره در محاسبه میزان پرداخت ارز در سررسید ماهیت ربوی پیدا می‌کنند. اگر عملیات سواپ بدون محاسبه نرخ بهره اتفاق افتد یکی از ابزارهای مالی - ارزی خوب برای پوشش ریسک می‌باشد.

قراردادهای اختیار معامله^{۷۶} از انواع دیگر قراردادهای وعده‌دار می‌باشد. به این ترتیب که خریدار بدون هیچ تعهدی محق می‌شود در تاریخ مشخص میزان مشخصی از یک ارز را تحت شرایط ویژه‌ای و با نرخ مشخص بخرد یا بفروشد. وی مختار است که حق خود را عملی کند یا نکند اما فروشنده حق اختیار معامله (که غالباً بانک است) مکلف به انجام معامله است. این قراردادها به اشکال مختلف «اختیار خرید» و «اختیار فروش» منعقد می‌شود. در نوع اختیار خرید، خریدار حق خرید میزان مشخصی از یک ارز را در یک زمان مشخصی در آینده و با نرخی معین دارد و در نوع اختیار فروش خریدار حق فروش مقدار ارز معینی را در زمان مشخصی در آینده با نرخ مشخصی دارد. همانطور که گفته شد این حق برای دارنده اختیار معامله الزام‌آور نیست ولی برای فروشنده^{۷۷} آن تعهدآور است. آنچه که در معامله این قراردادها اهمیت دارد قیمت اولیه و مابه‌التفاوت نرخ اسمی قرارداد و بازاری ارز می‌باشد. این قیمت و مابه‌التفاوت مربوطه ارزش‌های واقعی^{۷۸} نیستند و تابع زمان می‌باشند. به عبارت دیگر نرخ ریسک در طول زمان از مهمترین عوامل تعیین مابه‌التفاوت دو نرخ ارز و قیمت اولیه می‌باشد. اگر بین دو ارز متفاوت نرخ‌های بهره متفاوت باشد این امر نیز در تعیین

⁶⁹ Future

⁷⁰ Arbitrage

⁷¹ Swap

⁷² Forward

⁷³ Over the Counter

⁷⁴ Reverse Transaction

⁷⁵ Cash Settlement

⁷⁶ Option

⁷⁷ Writer

⁷⁸ Extrinsic Value

قیمت اولیه و مابه‌التفاوت قرارداد اختیار معامله مؤثر خواهد بود. طول عمر اختیار معامله و نوسانات نرخ‌های ارز و انتظارات نسبت به تغییرات این نرخ‌ها در آینده از سایر عوامل مؤثر در تعیین قیمت اختیار معامله می‌باشد. در این بازار خریداران و فروشندگان اختیار معامله خرید و اختیار معامله فروش فعال هستند و کارگزارانی نیز بین این گروه‌ها واسطه می‌باشند. آریترازرها هم همچنان در این بازار فعالند که با خرید یک اختیار معامله و فروش آن در بازار دیگر از تفاوت قیمت‌ها سود می‌برند.^{۷۹}

اگر در قراردادهای اختیار معامله نرخ بهره را برای هر دو نوع ارز مساوی فرض نماییم که عملاً کمتر محتمل است، با این قراردادها با پیش‌بینی ریسک‌های مالی ارزهای مختلف اقدام به خرید و فروش حق اختیار معامله در زمان‌های مختلف می‌نمایند. لذا گرچه می‌تواند ریسک نهایی را برای خریدار با فروشنده اصلی ارز در تاریخ سررسید، پوشاند ولی چون این اوراق بهادار (اختیار معامله) در دست بورس‌بازان به گردش و معامله می‌افتد می‌تواند باعث تشدید نوسانات بازار هم بشود. اگر نرخ‌های بهره نیز در مورد دو نرخ ارز متفاوت باشد ماهیت ربوی می‌یابد. مجدداً لازم به تذکر است که اختیار معامله با انتقال ریسک از خریدار به صادرکننده در معامله اول می‌تواند از لحاظ کاهش ریسک اقتصادی مثبت ارزیابی شود ولی خرید و فروش بعدی اوراق اختیار معامله در بازار منجر به عملیات سوداگری می‌شود و بدون اینکه کالا یا خدمت حقیقی مد نظر باشد نوعی بازی قمار بین بورس‌بازان ایجاد می‌کند.

گواهی سپرده ارزی

از دیگر قراردادهای وعده‌دار گواهی سپرده ارزی^{۸۰} می‌باشد که سند قابل معامله‌ای است که بانک منتشر می‌کند و معرف میزان سپرده ارزی صاحب آن در بانک است که در تاریخ مشخص در آینده به دارنده سند قابل پرداخت می‌باشد. در این سند میزان سپرده ارزی، نرخ آن، تاریخ سررسید، نرخ بهره و روش محاسبه نرخ بهره مشخص است و این سند می‌تواند بدون اطلاع ناشر در بازار ثانویه از طریق اتاقهای کارگزاری و بانک‌ها به فروش برسد. برخی از این گواهی‌ها به نام خریدار صادر می‌شود و با نام و غیرقابل معامله هستند. گواهی‌های سپرده ارزی به دلیل استعمال نرخ بهره بر آنان ماهیت ربوی دارند.

ابزار مشتقه

ابزار مشتقه^{۸۱} به انواعی از قراردادهای مالی گفته می‌شود که مبین ارزشی مشتق از یک کالا یا دارایی می‌باشند که به آن دارایی پایه گفته می‌شود و می‌تواند سهام، کالا، نرخ‌های بهره، ارز یا دارایی‌های دیگر باشد. ابزارها یا قراردادهای مشتقه امروزه در قالب قراردادهای آتی^{۸۲}، پیمان‌های آتی^{۸۳}، قراردادهای اختیار معامله^{۸۴} و قراردادهای تعویضی^{۸۵} تعریف می‌شوند که هر کدام انواع مختلف و ویژگی‌های خاص دارند که ذکر آن گذشت.

^{۷۹} - اختیار معامله گونه‌های خاص دیگری نظیر: Knock-out Option یا Knock-in Option یا Average Rate Option از دو نوع Average Spot Rate Option و Average Strike Rate Option و Basket Option دارد که درباره آنها می‌توان به کتب مربوطه مراجعه نمود.

^{۸۰} - Certificate of Deposit

^{۸۱} - Derivatives

^{۸۲} - Futures

^{۸۳} - Forwards

^{۸۴} - Options

^{۸۵} - Swaps

قرارداد آتی

قرارداد آتی^{۸۶} توافقنامه‌ای است مبتنی بر خرید یا فروش دارایی مشخص در زمان معین در آینده و با قیمت مشخص. در قرارداد آتی طرفین تعهد می‌کنند تا در تاریخی مشخص و قیمت معین یک کالا یا دارایی با کیفیت مشخص را مبادله نمایند. دو طرف متعهد می‌شوند که طبق ضوابط قرارداد عمل نموده و از این طریق نگرانی خریدار که قیمت کالا در آینده افزایش یابد و نگرانی فروشنده که قیمت کالا کاهش یابد مرتفع می‌گردد. قراردادهای آتی در بازارهای رسمی و یا بورس انجام می‌گیرند و به نوعی از نوسانات شدید قیمت کالاها در آینده جلوگیری می‌نمایند. در قرارداد آتی، مبلغ دارایی پایه تا زمان تحویل پرداخت نمی‌شود ولی طرفین معامله و دیعه‌ای به عنوان وجه تضمین حسن انجام قرارداد به اتاق پایاپای می‌سپارند. افرادی که مبادرت به خرید قرارداد آتی می‌کنند، متعهد شوند، در تاریخ مقرر که سررسید قرارداد^{۸۷} یا زمان تسویه حساب نهایی^{۸۸} نامیده می‌شود دارایی پایه را تحویل بگیرند، و اصطلاحاً در موضع معاملاتی خرید^{۸۹} قرار می‌گیرند و به موقعیت منعقد کننده قرارداد فروش یا کسی که باید کالا را در موعد مقرر بفروشد^{۹۰} اعمال می‌گردد. برخی قراردادهای آتی قابل واگذاری به غیر در بازار ثانویه می‌باشد.

پیمان آتی

پیمان آتی^{۹۱} شبیه قرارداد آتی است با این تفاوت که قرارداد آتی در بورس معامله می‌شود و پیمان آتی در بازارهای برپیشخوان معامله می‌شوند. بازار برپیشخوان^{۹۲} در حاشیه بازارهای بورس تشکیل می‌شوند که برخلاف بورسها مکان معینی ندارند و با ارتباطات تلفنی و رایانه‌ای معامله گران را به هم مرتبط می‌سازند. در این نوع قرارداد معمولاً به دلیل اعتبار طرفین معامله کل مبلغ قرارداد در زمان تحویل کالا هنگام سررسید پرداخت می‌گردد. بسیاری بر این نظرند که فروش استقراضی سهام یا قرارداد آتی که به نحوی محاسبات بهره در طول زمان در ارزش گذاری آنها دخیل می‌گردد وارد حریم ربا می‌گردد ولی ابزار دیگر مانند اوراق سفارش ساخت یا استصناع در این مقوله جای نمی‌گیرند. مسلماً ابزار مورد نظر به هر شکل که مبتنی بر محاسبه نرخ بهره در طول زمان باشند از لحاظ فقهی دچار اشکال خواهند شد. از این لحاظ دو نگاه به قرارداد آتی وجود دارد. یکی آن است که قرارداد آتی یک بیع کالی به کالی است. یعنی فروشنده مقدار مشخصی کالا را که در سررسید معینی تحویل خواهد داد، می‌فروشد و خریدار هم آن کالا را که در تاریخ مشخصی تحویل خواهد گرفت، خریداری می‌کند. در این معامله پول در آینده تحویل داده می‌شود. چنانچه قرارداد آتی به این مفهوم در نظر گرفته شود، مشمول بیع کالی به کالی می‌شود و شائبه بیع کالی به کالی یا دین به دین در آن می‌تواند بوجود بیاید. در معامله نقد، ثمن و مثن بدون مدت هستند و در نسیه، ثمن مدت دار است و در سلف، مثن، مدت دارد و در کالی به کالی، هر دو طرف مدت دار هستند و لذا اگر دو طرف معامله با عقد، موجد شوند نرخ بهره ممکن است وارد محاسبات دریافت و پرداخت می‌گردد و کالی به کالی شود. در نگاه دوم بیعی صورت نمی‌گیرد، بلکه تعهد به بیع است، به این معنا که یک نفر متعهد می‌شود تا در آینده مقدار مشخصی کالا را به قیمت

86 - Future contract

87 - Delivery date

88 - Final settlement date

89 - Long position

90 - Short Position

91 - Forward contracts

92 - Over-the-Counter market (OTC)

مشخص به طرف دیگر بفروشد. در مقابل طرف دیگر هم متعهد می‌شود تا در موعد مشخص مقدار مشخصی کالا را به قیمت مشخصی خریداری کند. به عبارت دیگر فقط دو تعهد با یکدیگر مبادله می‌شوند. فقهای اهل سنت معامله آتی و قرارداد آتی را فروش مدت‌دار در مقابل مبلغ مدت‌دار دانسته‌اند که از مصادیق بیع کالی به کالی است. در حالی که این ابزار به شرط عدم استعمال نرخ بهره بیع مؤجل می‌باشد. معامله آتی از نظر حقوقی عبارت از تعهد به فروش در مقابل تعهد به خرید است و نوعی سفارش خرید محسوب می‌گردد.

اختیار معامله

قراردادهای اختیار معامله بطور کلی به دو دسته تقسیم می‌گردند: اختیار خرید^{۹۳} و اختیار فروش^{۹۴}. در این معامله دارنده اختیار^{۹۵} و ناشر اختیار^{۹۶} و یا فروشنده اختیار معامله^{۹۷} حق اختیار خرید یا فروش یک دارایی پایه را با یکدیگر معامله می‌نمایند. دارنده یک اختیار خرید محق است ولی ملزم نیست تا دارایی موضوع قرارداد را با قیمت معین تا تاریخ مشخص خریداری نماید. و به همین شکل دارنده یک اختیار فروش محق است تا دارایی موضوع قرارداد را با قیمت معین تا تاریخ مشخص بفروشد. قیمت ذکر شده در قرارداد به قیمت توافقی^{۹۸} یا قیمت عملیاتی^{۹۹} مشهور است. و تاریخ مذکور در قرارداد تاریخ انقضا^{۱۰۰} یا سررسید^{۱۰۱} یا تاریخ اعمال^{۱۰۲} گفته می‌شود. اختیار خرید یا فروش موسوم به اروپایی^{۱۰۳} فقط در تاریخ سررسید قابلیت اعمال دارد و اختیار خرید یا فروش موسوم به آمریکایی^{۱۰۴} در هر زمانی قبل از تاریخ سررسید نیز قابل اعمال هستند. نوع دیگری از اختیار معامله به نام اختیار معامله برمودان مشهور است که می‌تواند چند روز قبل از تاریخ انقضا اعمال شود. برمودان منطقه ای بین دو قاره اروپا و آمریکا است. اختیار معامله آسیایی که به اختیار میانگین^{۱۰۵} نیز معروف است، اختیار معامله ای است که تسویه نهایی آن به قیمت میانگین دارایی پایه در طول مدت زمان عمر اختیار معامله بستگی دارد. گواهی اختیار معامله قابل واگذاری و معامله در بازار ثانویه نیز هست.

در قرارداد اختیار خرید، خریدار اختیار خرید پس از پرداخت مبلغی مشخص به فروشنده اختیار، این حق را پیدا می‌کند که تا زمانی مشخص دارایی مشخصی را با کیفیت مشخص و با قیمت معین از فروشنده اختیار خریداری کند؛ این حق فقط یک امتیاز خرید است نه الزام خرید. فروشنده اختیار خرید نیز تا زمان سررسید متعهد است که زمانی که خریدار اختیار خرید حق خود را اعمال نماید تعهد را طبق قرارداد انجام و دارایی پایه را تحویل وی نماید. چنانچه صاحب اختیار به هر دلیلی از حق خود استفاده نکند و اقدام به خرید کالا در موعد مقرر ننماید طبق قرارداد از وی سلب حق می‌گردد. در قرارداد اختیار فروش خریدار اختیار فروش پس از پرداخت مبلغی مشخص به فروشنده حق خواهد داشت تا در زمان مشخص دارایی مشخص را با کیفیت مشخص و با قیمت معین به فروشنده اختیار بفروشد. و این فقط

93 - Call option

94 - Put option

95 - Option holder

96 - Option issuer

97 - Option writer

98 - Strike price

99 - Exercise price

100 - Expiration date

101 - Maturity

102 - Exercise date

103 - European option

104 - American option

105 - Average option

یک حق و یا امتیاز فروش است و نه الزام یا اجبار به فروش. زمانی که خریدار اختیار فروش حق خود را در سررسید اعمال نماید، فروشنده اختیار فروش اجبار دارد که تعهد را طبق مفاد قرارداد انجام دهد.

اختیار معامله‌ها در هر قراردادی می‌توانند ظاهر شوند. برای مثال در یک قرارداد اجاره ممکن است اختیار معامله، دادن حق تمدید اجاره برای یک سال دیگر برای اجاره‌کننده باشد و یا ناشر یک اوراق بهادار ممکن است اختیار فروش همین اوراق بهادار را به خریداران اوراق خود برای مدت مثلاً ۳ سال به قیمت مشخص به فروش برساند. یا فردی ممکن است که اختیار معامله‌ای را بخرد تا صد سهم خاص خود را در طول شش ماه آینده در هر زمانی که خواست در قیمت مشخص بفروشد.

فقها دیدگاه‌های فقهی متفاوتی درباره عقد اختیار معامله دارند. برخی اوراق اختیار معامله را مستلزم زیان فاحش برای فروشنده دانسته و لذا آن را عقلاً و عدلاً صحیح نمی‌دانند.^{۱۰۶} این نظر با توجه به اینکه این اوراق الزام خرید یا فروش را فرض نمی‌کنند و از طرفی مشخص نیست که قیمت در سررسید بالاتر یا پائین‌تر از هنگام عقد قرارداد باشد قریب به صحت نیست. برخی اوراق اختیار را بیع نمی‌دانند^{۱۰۷} زیرا در بیع ثمن باید مشخص باشد در صورتی که در اوراق اختیار بهای مثنی مشخص نمی‌شود. این ایراد ناشی از تعریف مضیق بیع است. در تعریف موسّع بیع نوعی از انواع عقد است که در هر شرط مشروعی قابل توافق طرفین می‌باشد. نگاه فقها در باب تشبیه اختیار معامله به بیع عربون نظرات متضادی را ایجاد کرده است. بیع العربون که با مضموم و مفتوح فا الفعل و عین الفعل هر دو و با مضموم فا الفعل و عین الفعل عُربان نیز خوانده شده معامله‌ای که در قبال خریدار کالا وجهی اندک به صاحب مال بصورت پیش پرداخت پرداخت شود. اگر در موعد قرارداد خریدار معامله را انجام داد مبلغ پیش پرداخت به عنوان بخشی از قیمت کالا محاسبه می‌شود و در غیر اینصورت مبلغ به خریدار بر گردانده نمی‌شود و به مالکیت فروشنده در می‌آید. این نوع معامله در ایران در بخش مسکن بسیار رایج است و به وجه قولنامه مشهور است. برخی فقهای اهل سنت آن را به دلائل روایی باطل می‌دانند.

احتمال غرر و خطر و اکل مال به باطل و وجود دو شرط هبه و رد بر فرض عدم رضایت و همچنین شرط بدون عوض برای خریدار را نیز از دلائل بطلان این معامله ذکر می‌کنند که هیچکدام از آنها تطابق با عقل ندارد. زیرا هنگام عقد بیع متبایعین ضمن رعایت شرایط اهلیت، معامله را با اختیار خود انجام می‌دهند، از شرایط اهلیت سفیه نبودن و ورشکسته نبودن و مکره نبودن می‌باشد لذا اکل مال به باطل و شرایط هبه و رد بر فرض عدم رضایت و عوض نداشتن برای خریدار ملغی می‌گردد. احتمال غرر و خطر نیز بیش از آن چیزی نیست که در بیع حال وجود دارد. تشبیه این معامله به خیار مجهول که در مدت غیر معلوم امکان برگشت معامله وجود دارد نیز صحیح نمی‌باشد زیرا برخلاف خیار مجهول شرایط به مالکیت درآمدن پیش‌پرداخت توسط فروشنده در موعد مشخص شده در قرارداد تصریح شده است. برخی عقد اختیار معامله را به دلیل اینکه تسلیم و تسلّم در آن واقع نمی‌شود و در آن ارکان عقد محقق نیست و

^{۱۰۶} - احمد محیی الدین حسن، عمل شرکات الاستثمار الاسلامیه. نگاه کنید به: عصمت پاشا، عبیدالله، فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی، ترجمه علی صالح آبادی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۲.

عبدالحمید الرضوان، سمیر، اسواق الاوراق المالیه، قاهره المعهد العالمی للفکر الاسلامی الطبعة الاولى ۱۴۱۷ق. ص ۳۶۳-۳۶۱.

البرواری، شعبان محمد اسلام، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامیه. دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۲م/۱۴۲۳ق. البرواری، ۲۰۰۲. ص ۳۴.

^{۱۰۷} - الزحیلی، وهبه، المعاملات المالیه المعاصره بحوث و فتاوی و حلول، دمشق، دارالفکر، الطبعة الاولى ۱۴۲۳ق. صص ۵۰۹-۵۰۲.

نمی‌توان آن را به خیار شرط برگرداند باطل می‌دانند. اگر این موضوع صحیح باشد بیع مؤجل نیز باید باطل تلقی شود که نمی‌شود. در اوراق اختیار تسلیم و تسلّم هم واقع می‌شود زیرا فروش یا خرید حق تسلیم و تسلّم متناسب با آن را با خود همراه می‌کند.

برخی نیز معامله حق اختیار معامله را قمار بر قیمت‌های آینده دانسته و آن را باطل می‌دانند.^{۱۰۸} اگر این استنباط صحیح باشد باید تمام معاملات بالاخص بیع مؤجل را قمار دانست زیرا با توجه به کم و زیاد شدن سود متباین در اثر تغییر قیمت مبیع معامله را به یک قمار تبدیل می‌کند که البته از این وجه تجارت و بیع خود یک قمار مشروع است. برخی دیگر با طرح ایرادات دیگر نظیر اشتغال بر بیع مالایملک و اشتراط منفعت برای یک طرف در مقابل حق اختیار به دلیل تنافی آن با مقتضای عقد و غرض آن و اینکه مشتمل بر مصلحت زائده‌ای است که در آن شبهه ربا است و اینکه از جنس رهان می‌باشد آن را حرام شمرده‌اند.^{۱۰۹} برخی بیع بر حق را صادق ندانسته‌اند. در صورتی که اگر عرف امری را حق قلمداد کرد و یک طرف معاوضه قرار گیرد و شرایط کلی شرعی هم بر آن شیء منطبق باشد و در محدوده منهیات قرار نگیرد آن حق قابل نقل و انتقال است. حتی برخی تا آن اندازه پیش رفته‌اند که این عقد مستحذنه است که مشمول هیچ یک از عقود شرعی معروف نیست بنابراین عقد شرعی صحیح نیست.^{۱۱۰} این امر مغایر پویایی فقه است که به تفصیل در تفاوت‌های فقه عامه و خاصه درباره آن بحث شده است.

بیع سلف

قراردادی است که در آن طرفین متعهد می‌شوند تا در تاریخ مشخص و با قیمت معین کالایی را با کیفیت مشخص مبادله کنند. در این نوع قرارداد کل مبلغ مورد معامله ابتدا به تحویل دهنده کالا پرداخت می‌گردد، و در سررسید، کالا را تحویل می‌نماید. معاملات سلف نوعی از قراردادهای آتی هستند و هرچند غالباً در خارج از بورس انجام می‌شوند ولی تفاوت زیادی از لحاظ ماهیت قرارداد ندارند و مهمترین وجه تمایز آنها بالا بودن رقم پیش‌پرداخت است.

قرارداد تعویضی

قرارداد تعویضی^{۱۱۱} قراردادی است که در آن طرفین متعهد می‌شوند تا برای مدت مشخص دو دارایی یا منافع حاصله از دو دارایی را با کیفیت مشخص به نسبت تعیین شده، معاوضه کنند.

خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار

اوراق و اسناد بهادار در بازارهای مالی در سطح جهانی بسیار متنوع و گسترده است و در اغلب بازارهای بورس اعم از داخلی یا خارجی، سنتی یا مدرن معاملات زیادی بر اوراق و اسناد بهادار مختلف صورت می‌گیرد. این اوراق شامل تضمین، چک، برات، سفته، گواهی سپرده، اوراق اختیار معامله، اوراق قرضه، سهام، قراردادهای آتی، حواله‌ها، اوراق مشارکت و ... می‌شود که هر کدام از آنها طبیعت مالی و معاملاتی خاص خود را دارا هستند. سؤال اساسی در این است که خرید و فروش اوراق و اسناد بهادار از لحاظ شرعی چه وجهی دارد؟ آیا این بازارها ربوی است یا خیر؟ به

^{۱۰۸} - البرواری، شعبان محمد اسلام، بورصه الاوراق الماليه من منظور اسلامي. دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۲م/۱۴۲۳ق.، ص ۲۳۵.

^{۱۰۹} - عبدالحمید الرضوان، سمیر، اسواق الاوراق الماليه، قاهره المعهد العالمي للفکر الاسلامي الطبعه الاولى ۱۴۱۷ق. صص ۳۷۲-۳۶۳.

^{۱۱۰} - الزحیلی، وهبه، المعاملات الماليه المعاصره بحوث و فتاوی و حلول، دمشق، دار الفکر، الطبعه الاولى ۱۴۲۳ق. ص ۵۱۲.

^{۱۱۱} - Swap Contract

طور کلی- و نه مورد اوراق و اسناد خاص- باید گفت چنانچه خرید و فروش سند یا ورقی التزام پرداخت وجه آن در سررسید را بازاء وجهی مازاد بر ارزش اسمی آن مرتبط با طول زمان معامله تا سررسید بنماید به نحوی وارد در حریم ربا می شود. برای مثال فرض کنید اگر سفته‌ای در امروز ارزش آن ۱۰۰۰ ریال است ولی تاریخ سررسید آن آخر سال است و به مبلغ ۹۰۰ ریال فروخته شود وارد در حریم ربا شده است. ولی اگر این سفته به مبلغ ۱۰۰۰ ریال در زمان معامله فروخته شود عمل تنزیل بر آن صورت نگرفته و خرید و فروش آن منع ربوی ندارد. ملاحظات تورم نیز در این باب قبلاً ذکر شد که در شرایطی که اقتصاد تورمی باشد چون نرخ تورم به صورت قطعی قابل پیش‌بینی نیست لذا این تنزیل مبتنی بر نرخ تورم شبه‌ناک می باشد. چرا که نمی توان نرخ تورم را پیش‌بینی نمود و متغیرهای زیادی می توانند نرخ تورم را تحت تأثیر قرار دهند که ممکن است هنگام پیش‌بینی مد نظر اقتصادسنج قرار نگرفته باشد. خرید و فروش باقی اوراق نیز در همین راستا قرار می گیرد. خرید و فروش نقدی اسناد و اوراق بهادار طبیعتاً ربوی نیست ولی خرید و فروش این اوراق با درج زمان سررسید و تنزیل آن وارد حریم ربا می شود. باید اضافه نمود که اوراق و اسنادی که فی‌الذمه سررسید زمانی دارند همانند اوراق اختیار معامله، گواهی سپرده، قراردادهای آتی چه ارزی و چه ریالی همگی قابلیت ورود به حریم ربا را ذاتاً دارند و معامله ثانویه و تنزیل آن‌ها اضعاف ربا را مضاعف می نماید.

خرید و فروش سهام متفاوت از خرید و فروش اوراق بهادار است. سهام به عنوان نماینده‌ای از یک فعالیت اقتصادی است. در صورتی که اوراق بهادار فقط نمایندگی ارزش یک دارائی را دارد. لذا خرید و فروش سهام به معنی شرکت در عملیات تولید ارزش افزوده- به معنای حساب‌های ملی کلمه- است و ماهیت ربوی ندارد.

خرید و فروش طلا و نقره و سایر فلزات گرانبها

خرید و فروش فلزات گرانبها بالاخص طلا و نقره در فقه در مبحث بیع صرف آورده می شود. در بیع صرف معامله طلا با طلا، نقره به نقره به مازاد ربوی است. چون هر دو همجنس و مکمل و موزون هستند. راه‌های حيله‌ای هم برای فرار از ربوی بودن اینگونه معاملات ذکر کرده‌اند که حيله شرعی تلقی و ناصحیحند. برای مثال ضم ضمیمه غیرجنس باعث خروج معامله صرف ربوی از حریم ربا می شود. ولی عقل حکم می کند که حيله ضم ضمیمه غیرجنس ناصواب است. برای مثال معاوضه یک تن طلا با ۱/۲ تن طلا به علاوه یک مثقال نقره در سررسید گرچه از لحاظ جنس بودن به دلیل ضم ضمیمه نقره که همجنس طلا نیست آن را از حریم ربا خارج می نماید ولی مورد پسند عقل نیست و حيله است.

البته بانک‌ها در معاملات صرف به شکل سنتی عمل نمی کنند یعنی فلزات با عیار مختلف را با یکدیگر معاوضه نمی کنند بلکه با خرید و فروش آنها ترکیب و میزان ذخایر خود را تغییر می دهند یا به نحوی سیاست‌های تأثیر بر قیمت فلزات در بازار را دنبال می کنند و یا منابع مالی خود را به این طریق آزاد می نمایند. خرید و فروش فلزات گرانبها به شرط عدم ورود زمان و عدم تنزیل نرخ آن به دلیل ملاحظات زمانی از لحاظ فقهی دچار اشکال نیست ولی اجاره دادن آن به دلیل اینکه مشمول ملاحظه زمان می شود می تواند محل تردید باشد. برای مثال اجاره دادن ۱۰۰ گرم طلا و اخذ ۱۰۰ گرم طلا به علاوه ۱۰۰/۰۰۰ ریال در پایان سال به عنوان اصل و اجاره می تواند شبهه ربا را تقویت کند. چرا که اگر ۱۰۰ گرم طلا برای زرگری داده می شد یعنی به مضاربه یا نوعی مشارکت رفته بود پس نرخ ۱۰۰/۰۰۰ ریال ثابت دریافتی نرخ بهره را از پیش تعیین می نماید و ربوی است و اگر به عنوان سرمایه به غیرزرگر داده شده بود باز با محاسبه ارزش ریالی روز آن و نسبت ۱۰۰/۰۰۰ ریال به آن نرخ بهره از پیش قابل تعیین و محاسبه می شد که در هر صورت وارد حریم ربا می شود.

عملیات دریافت و پرداخت (یا صندوق) یا بطور کلی تر حوالجات از عملیات بسیار مهم شعب بانک‌ها است. این عملیات سهم اعظم فعالیت بانک‌ها را روزانه به خود اختصاص می‌دهد و شامل دریافت وجوه نقد واریز آن به حساب‌های مورد نظر پرداخت‌کننده و یا پرداخت به افراد از حساب‌های مورد نظر یا حواله از حسابی به حسابی دیگر چه ریالی و چه ارزی و چه شهری و چه بین‌شهری و چه بین‌المللی اعم از بانکی یا بین‌بانکی و بسیاری از عملیات مشابه که در این ردیف عملیات بانکی قرار می‌گیرند، می‌باشد. در این عملیات بانکها بدون هیچ مشکلی می‌توانند کارمزد دریافت کنند. همانطور که ذکر آن رفت کارمزد عبارت از هزینه خدمت ارائه شده به مشتری است و علی‌الاصول نباید با کم و زیاد شدن مبالغ حواله‌ها یا دریافت و پرداخت‌ها زیاد شود مگر اینکه بزرگی رقم باعث افزایش هزینه بانک در انجام خدمت مربوطه شود. و همانطور که تصریح شد این موضوع بایست مستدل توسط بانک اثبات شود. به عبارت دیگر بانک نباید برای مثال کارمزد حوالجات خود را بر اساس ۲٪ رقم حواله دریافت کند بلکه باید مثلاً رقم ۲۰۰۰ ریال را برای حواله نوع مشخصی بستاند. رعایت این ملاحظات کارایی خدمت‌رسانی را افزایش می‌دهد. موارد خاص باید قبلاً تصریح و تعریف شوند که بانک بتواند متناسب با رقم اسمی حواله کارمزد دریافت کند.^{۱۱۲}

باید متذکر شد که این تحلیل فقط در این بحث مصداق می‌یابد که به جای دریافت کارمزد، منبع مالی جدید (پول پرداختی برای حواله) را در روزهای انجام عملیات نقل و انتقال بانکی در اختیار بانک قرار دهیم. در این حالت است که مصداق ربا پیدا می‌شود. ولی در حالتی که کارمزدی برای خدمت نقل و انتقال دریافت می‌شود جبران خدمات بانک تلقی می‌گردد.

عملیات اعتباری بانکی

گونه‌های مختلفی از عملیات اعتباری بانکی در بانک‌ها رایج است. اعطای تسهیلات بطور کلی عملیات اعتباری بانکی است که به انحاء مختلف و با تضمین‌های مختلف صورت می‌گیرد. همه این عملیات در قالب‌های اعطای تسهیلات قابل بررسی می‌باشند ولی نوعی از این عملیات اعتباری بیشتر مدنظر این بخش از مقاله است که به مشتریان پرمعامله و خوش حساب اعطا می‌شود. به عبارت دیگر این اعتبار به صاحبان حساب‌های جاری داده می‌شود و با این اعتبار مشتریان می‌توانند بیش از موجودی حساب جاری خود از بانک پول برداشت نمایند. در نظام‌های بانکی بازا این برداشت بیشتر مبلغ بهره براساس زمان و میزان برداشت، محاسبه و مشتری بدهکار می‌گردد. این ترتیب استفاده از اعتبار حساب جاری

^{۱۱۲} یکی از منافع عملیات دریافت و پرداخت و حواله برای بانک‌ها استفاده از این منابع در حین انجام عملیات انتقال است. این انتفاع در بانکداری فعلی بسیار رایج است و در بانکداری بین‌المللی حتی از مبالغ مانده در انتهای روز در شب (Overnight Withdrawal Deposit) نیز استفاده می‌شود و آنها را برای استفاده در ساعات تعطیلی بانک به بانک دیگر منتقل می‌نمایند. به عبارت دیگر مانده حوالجات به عنوان سرمایه گردش همواره به منابع بانک اضافه می‌شود. این عمل از لحاظ اینکه منابع بانک را اضافه می‌نماید مفید به حال بانک‌ها است ولی چون میل بانک به طولانی‌تر شدن زمان تسویه نقل و انتقالات مالی می‌باشد لزوماً در تضاد با کارایی سیستم بانکی خواهد بود. از لحاظ جایگزینی این امتیاز یعنی استفاده از منابع موقت ایجاد شده توسط بانک به جای کارمزد مشخص چون می‌توان نرخ بهره‌ای برای این منبع محاسبه و مشخص نمود ماهیت ربوی می‌یابد. به عبارتی اگر نرخ کارمزد متناسب به آن خدمت را بر متوسط ارزش اسمی هر انتقال تقسیم و در نسبت تعداد روزهای سال به تعداد روزهایی که بانک از آن منابع استفاده می‌کند تقسیم کنیم نرخ بهره‌ای بدست می‌آید. و چون از قبل مشخص می‌شود در حریم ربا وارد می‌نماید. اگر سپرده‌گذاران در کل سود بانک سهم باشند این مسئله از بین خواهد رفت.

نهادهای حقوقی جدید (صندوق مستمری)

بانکی را در نظر بگیرید که همانند یک شرکت بین سپرده گذاران تأسیس می‌شود. به عبارت دیگر بانک را یک شرکت سهامی در نظر بگیرید که صاحبان سرمایه آن سپرده گذاران هستند و هر سپرده گذار به نسبت سپرده روزانه خود در سرمایه بانک شریک است. سرمایه کل بانک برابر است با مجموع سپرده‌های بانک به نسبت تعداد روزهایی که هر سپرده گذار سپرده خود را در بانک نگهداشته است. تعداد سهام این شرکت سهامی بانکی را برابر تعداد روزهایی که ارزش هر واحد سهام در بانک نگهداشته می‌شود فرض کنید. اگر چنین بانکی یک شرکت سهامی در نظر گرفته شود کلیه سهام داران مالک و صاحبان سرمایه این بانک خواهند بود و متناسب با سرمایه‌های خود که سپرده آنهاست از بانک سود می‌برند. محاسن این نحوه شراکت از لحاظ سپرده گذاری از قرار ذیل است:

- توزیع سود سهام بین سهام داران متناسب و عادلانه خواهد بود و تمام تمایزات بین سپرده‌های کوتاه مدت و مدت دار و پس انداز و دیداری از لحاظ دریافت سود از بین خواهد رفت.
- این نوع سپرده گذاری سهام شدن در سود بانک است و خود نوعی مضاربه و مشارکت اقتصادی تلقی می‌شود که نه تنها ربا نیست بلکه از لحاظ شرعی بسیار ممدوح نیز می‌باشد.
- نرخ‌های سود سپرده‌ها همگی به یک نرخ تنزل می‌یابد و شفافیت و کارایی عملیات بانکی را افزایش می‌دهد.
- تمایزی بین سپرده‌های مختلف دیداری، پس انداز و مدت دار در شرکت سهامی بانک غیرربوی وجود ندارد همانطور که ذکر شد همگی سهام شرکت مزبور می‌باشند.
- مشارکت هر شخص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا خصوصی می‌تواند با خرید سهام این شرکت یا به عبارت دیگر سپرده گذاری در این شرکت صورت پذیرد.
- این شرکت بانکی از لحاظ تجهیز منابع نه تنها مشکلی نخواهد داشت بلکه به دلیل بازدهی بالای آن و توزیع عادلانه سود از بانک‌های فعلی نیز کارآتر خواهد بود.

در بانکداری راستین صندوق مستمری بر دو نوع صندوق تأمین تحت مقررات بیمه اجباری تأمین اجتماعی و با شخصیتی دولتی و صندوق بازنشستگی برای تأمین بازنشستگی اختیاری افراد و با شخصیتی اعم از دولتی یا خصوصی است که خصوصیات کلی آنها از قرار ذیل است تعریف می‌شود:

۱- سرمایه اسمی صندوق برابر است با مجموع مبالغ اسمی سهم‌الشرکه شرکاء اعم از موسسین و سایرین در ابتدای هر دوره مالی.

۲- مقاطع زمانی دوره مالی صندوق باید از قبل تعیین و در اساسنامه صریحاً قید شده باشد.

۳- سهم‌الشرکه هر شریک از سرمایه صندوق برابر است با نسبت مبلغ اسمی آورده وی تقسیم بر مبلغ اسمی سرمایه صندوق در ابتدای هر دوره مالی.

۴- سهم هر شریک از سود یا زیان صندوق در پایان هر دوره مالی برابر است با نسبت تعداد روزهایی که سرمایه خود را در صندوق نگهداشته ضربدر مبلغ اسمی سرمایه وی در ابتدای همان دوره تقسیم بر مجموع همین حاصلضرب برای کل شرکاء.

- ۵- چنانچه شریک سود یا زیان متعلقه ناشی از مشارکت در صندوق را در پایان دوره مالی دریافت ننماید، مبلغ سود یا زیان به مبلغ اسمی سرمایه وی در اول دوره مالی بعد اضافه می گردد
- ۶- نحوه محاسبه میزان سهم‌الشرکه شرکاء مطابق حسابداری مشارکت راستین برای صندوق‌های با سرمایه متغیر طبق آیین‌نامه اجرایی بانکداری راستین است.

عقود جدید در بانکداری راستین

مواسطه

- عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین سرمایه می دهد با قید این که طرف دیگر در قبال اجرت معین با رعایت غبطه و صلاح صاحب سرمایه در قالب عقود و توافقات مورد نظر به نام خود با ثالث معامله انتفاعی یا غیرانتفاعی نماید. صاحب سرمایه موسط، عامل واسط و ثالث مجری نامیده می شود.
- ۱- مواسطه، عقدی لازم است.
 - ۲- در فعالیت انتفاعی، واسط، وقتی مستحق دریافت اجرت است که فعالیت وی منجر به کسب سود شده باشد. هزینه‌های واسط در مواسطه حتی در صورت عدم حصول سود باید از محل سرمایه موسط پرداخت شود.
 - ۳- اجرت واسط بر اساس توافق تعیین می شود.
 - ۴- تعیین نوع فعالیت مجری با موسط است.
 - ۵- موسط نمی تواند پس از انعقاد عقد مواسطه با واسط، خود مستقیماً در مورد مواسطه با مجری، قرارداد منعقد نماید.
 - ۶- ید واسط، ید امانی است و واسط ضامن سرمایه مواسطه نمی باشد مگر در صورت تعدی یا تفریط.
 - ۷- واسط باید اعمالی را که برای نوع فعالیت، متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد.
 - ۸- واسط نمی تواند نسبت به همان سرمایه با شخص دیگری غیر از آن شخص که موسط تعیین نموده است، معامله نماید یا سرمایه را به شخص دیگری واگذار کند مگر با رضایت موسط.
 - ۹- مجری نباید بدون اذن واسط فعالیت و تعهدات خود در مواسطه را به دیگری واگذار کند.
 - ۱۰- واسط نمی تواند عملی را که از حدود مواسطه فی مابین خارج است انجام دهد.

مقاسطه

- عقدی است که به موجب آن یک طرف تمام یا بخشی از سرمایه را می دهد تا طرف دیگر فعالیتی اقتصادی کند و بهای سهم صاحب سرمایه در ماحصل فعالیت را در اقساط معین به وی پرداخت نماید. صاحب سرمایه را مقسط و عامل را قاسط و ماحصل را مقسطه گویند. مقاسطه سه نوع است: عادی و اجاره و مشارکت. سهم مقسط در مقاسطه اجاره شامل عین و قیمت عین و در مقاسطه مشارکت قیمت عین و بهای بازدهی آن است.
- ۱- قاسط می تواند بخشی از سرمایه مقاسطه را تأمین کند.
 - ۲- سرمایه می تواند اعم از نقد، غیرنقد یا حقوق مالی باشد که در هنگام انعقاد عقد بهای دو مورد اخیر تقویم می شود.
 - ۳- در صورت تعدد مقسط و قاسط حصه سرمایه هر یک از مقسطین از کل سرمایه مقاسطه و همچنین سهم فعالیت هر کدام از قاسطین از کل فعالیت مقاسطه باید اجزاء مشاع از کل، از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد، مگر اینکه در

عرف منجزا معلوم بوده و سکوت در عقد منصرف به آن گردد.

- ۴- حصه هر یک از مقسطنین و قاسطنین از منافع یا بازدهی می‌تواند اجزاء مشاع از کل از قبیل ربع یا ثلث و غیره باشد و یا طبق قاعده‌ای متناسب با منافع یا بازدهی و با توجه به میزان سرمایه مقسطنین و فعالیت قاسطنین در مقطع زمانی پایان عملیات سرمایه‌گذاری ثابت مقاسطه و قبل از شروع پرداخت اقساط مشخص شود. قاعده مزبور در زمان عقد قرارداد باید تعریف و شرط شده باشد.
- ۵- مقاسطه عقدی لازم است.
- ۶- قاسط نمی‌تواند سرمایه را به غیر واگذار نماید مگر به اذن واسط یا همه مقسطنین.
- ۷- قاسط باید اعمالی را که برای نوع فعالیت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد.
- ۸- در صورت وجود واسط در عقد مقاسطه، تعیین حدود اختیارات واسط با مقسط است. مسوولیت نظارت بر عملیات قاسط برعهده واسط خواهد بود.
- ۹- به غیر از آنکه فوقا مذکور شد مقاسطه تابع شرایط و توافقات طرفین است.

مبادله

- عقدی است که به موجب آن، طرفین تعهد می‌نمایند تا یک طرف (مبادل) مبلغ معینی از دارایی خود را (بدل) برای مدت معلوم به دیگری (متبادل) تملیک نموده و در مقابل طرف دیگر (متبادل) به همان مبلغ از دارایی خود را (مبادل) برای همان مدت به وی (مبادل) تملیک نماید.
- ۱- مدت زمانی که بدل در تملک متبادل است مدت بدل و مدت زمانی که مبادل در تملک مبادل است مدت مبادل نام دارد.
 - ۲- بدل یا مبادل یا هر کدام از آنها می‌توانند هر مالی باشد به شرط اینکه ارزش بدل معادل ارزش مبادل در هنگام عقد قرارداد باشد.
 - ۳- اگر مبادل غیر وجه نقد رایج کشور باشد در صورت تعذر متبادل در ادای تعهد، باید بهای مبادل را برای مدت مبادل به مبادل تملیک کند.
 - ۴- اگر بدل از نظر وصف یا جنس متفاوت از مبادل باشد باید ارزش هر دو هنگام عقد قرارداد مساوی باشد.
 - ۵- به منظور جلوگیری از ربا مقدار بدل و مدت بدل باید با مقدار مبادل و مدت مبادل مساوی باشد.
 - ۶- چنانچه مقدار بدلین یا مدت بدلین نامساوی باشد به منظور جلوگیری از ربا باید حاصل ضرب مبلغ بدل ضربدر مدت بدل مساوی حاصل ضرب مبلغ مبادل در مدت مبادل باشد.
 - ۷- در مبادله احکام خاصه بیع جاری نیست.
 - ۸- مبادله عقدی لازم است.
 - ۹- اگر بدل یا مبادل در ید هر طرف ناقص یا تلف شود ضامن و ید مدیون در مقابل داین ضمانتی است.
 - ۱۰- زمان شروع مدت بدل و زمان شروع مدت مبادل می‌توانند متفاوت باشند.

مغارسه

عقدی است که بین صاحب یا صاحبان زمین و امثال آن با عامل یا عاملین در مقابل حصه مشاع معین (همانند آنچه

که در مزارعه ذکر شده) از ثمره غرس واقع می‌شود و ثمره اعم است از خود درخت و امثال آن، میوه، برگ گل، سرگل، پوشال، دسته، ساقه، شهد، پیاز، ریشه و غیره.

۱- در هر مورد که مغارسه باطل یا فسخ شود تمام ثمره مال مالک است و عامل مستحق اجرت المثل خواهد بود.

۲- مقررات راجع به مزارعه در مورد عقد مغارسه نیز مرعی است.

۳- در صورت وجود واسطه در عقد مغارسه، مسوولیت نظارت بر عملیات مغارسه برعهده واسطه خواهد بود.

اصول بانکداری راستین

خلاصه اصول و ویژگی‌ها و دستورالعمل‌های بانکداری راستین بر مبنای اصول زیر استوار است:

۱- اصول عملیاتی: در بانکداری راستین با حذف ربا از عملیات بانکی، منع صوری‌سازی و بکارگیری عقود به شکل واقعی آنها، بانک واسطه وجوه میان سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان منابع مالی است، و از ارائه خدمت مدیریت سرمایه کسب درآمد می‌کند و نه از تفاوت (اسپرید) نرخ‌های بهره. با تعلق نماء به اصل منفعت یا زیان هر دارایی به صاحب همان دارایی بازمی‌گردد. کلیه عملیات قانونمدار و مبتنی بر مقررات مدون، روشن و شفاف تعریف و اجرا و به صورت مکانیزه و از طریق شبکه اینترنت انجام می‌شود. بانک ضمن حفظ منافع سپرده‌گذار امین طرف‌های خود است و معجری اطمینان دارد که در صورت زیان ورشکسته نمی‌شود و پوشش‌های بیمه‌ای از ورود زیان به منابع سپرده‌گذار پیشگیری می‌کند. ارزیابی و نظارت و اجرای طرح‌ها مبتنی بر تخصص، مسوولیت و استقلال رأی ارزیاب و امین در مقام اظهار نظر است. توانایی معجری باید احراز و اعتبار مالی وی با مالیاتی که قبلاً پرداخته سنجیده می‌شود. معجری در قبال صحت اطلاعات ارائه شده در طرح‌نامه پیشنهادی خود مسوول است.

۲- اصول مالی: دارایی‌های سمی نظیر مطالبات معوق در بانک ایجاد نمی‌شود و بانک در بحران‌های مالی ورشکسته نمی‌گردد. با کاهش ریسک بانک نرخ کفایت سرمایه کاهش یافته و منابع آزاد بانک افزایش می‌یابد و با توجه به امانی بودن وجوه حفظ ذخایر قانونی و احتیاطی نزد بانک مرکزی تقلیل می‌یابد. سپرده‌گذار و معجری و بانک سهم عادلانه خود را از بازدهی مشارکت دریافت می‌کنند. تنوع ابزارها و فرآیندهای بانکی نیازهای مختلف جامعه را پاسخ می‌دهد و با اتصال قیمت گواهی راستین به بازده بخش حقیقی، قیمت آن را تثبیت نموده و نه تنها حبابی نمی‌شود بلکه افراد با سلاقی مختلف ریسک را جذب و موجب تعامل مثبت بازده و ریسک می‌شود. هر فرد بدون نیاز به کارگزار می‌تواند در بازار گواهی راستین معامله کند. شفافیت اطلاعات موجب شفافیت و اصلاح سیستم‌های مرتبط نظیر مالیات و بیمه تأمین اجتماعی در ارتباط با معجریان می‌شود. سازوکار ارزیابی قابل اعتماد تعریف شده و زمینه نظارت قابل وثوق فراهم است. معجری موظف به افشای اطلاعات مرتبط با طرح است و با نظارت بر عملیات معجری حاکمیت شرکتی درباره شرکت معجری اعمال می‌شود که به شفافیت کلیه اطلاعات و عملیات مرتبط با طرح می‌انجامد و از اطلاعات نامتقارن و رانت‌های اطلاعاتی جلوگیری و نظارت بانک و بکارگیری بیمه ریسک‌های مختلف را به حداقل می‌رساند. ضمن تسهیل و تسریع عملیات مانع پولشویی و تقویت حسابرسی و کنترل داخلی موسسه معجری شده و با بازرسی آنلاین از تخلف پرسنل بانک جلوگیری و با تفکیک حسابها، حساب هر طرح و سپرده‌گذار به تفکیک ثبت و نگهداری می‌شود و اعتبار بانک و عملیات بانکی افزایش می‌یابد.

۳- اصول اقتصادی: کاستی‌های بازار سرمایه و تقابل بازارهای سرمایه و پول را تصحیح و موجب گسترش و تقویت

بخش بیمه در اقتصاد می‌شود. اعتماد ناشی از نظارت بانک بر مجری و دسترسی اینترنتی به بازار گواهی راستین امکان جلب و جذب سرمایه و فضای رقابت سالم بین مجریان، سپرده‌گذاران، معامله‌گران و بانک‌ها را با رقیب فراهم می‌آورد. ابزارهای مالی جدید موجب تنوع دارایی‌های مالی و با اختصاص گواهی‌ها به طرح یا کالا یا دارایی‌های معین بازار کاغذی ایجاد نمی‌شود. درگیر شدن سرمایه در طرح مانع جابجایی سریع دارایی‌ها و ایجاد بحران‌های مالی ناشی سیال بودن سرمایه شده و با حذف بازار کاغذی مانع بروز اهرم و بحران بدهی می‌شود. هر فرد که توانایی انجام فعالیت اقتصادی دارد می‌تواند منابع مالی دریافت کند یا از فرصت اشتغال ایجاد شده توسط مجریان بهره‌مند شود و علاوه بر آن بکارگیری تخصص‌های متنوع مالی باعث توسعه مشاغل مالی مرتبط می‌شود که زمینه بهبود سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید و رفاه جامعه را فراهم و نوسانات اقتصادی و مالی اقتصاد را محدود می‌کند.

۴- اصول اخلاقی: الزام بر ارائه اطلاعات و اسناد صحیح و واقعی موجب ترغیب صداقت و آرامش فردی و تطابق حرف و عمل و اعمال نظارت صحیح و کاهش نااطمینانی و تنش‌های روحی و روانی فردی و اجتماعی می‌شود. منع حيله، کاهش فساد مالی به دلیل نحوه طراحی سیستم‌های ارزیابی، نظارت و پایش، بستن مفرهای کژمنشی، موجب قراردادن هر چیز در جای خود شده و از ظلم پرهیز می‌نماید. اکل باطل؛ اضرار به غیر، غرر، قمار و قرعه، غبن، غضب، اسراف و تبذیر در بانکداری راستین منع می‌شود و با اختلاس و تبانی، رشوه و ارتشاء مبارزه می‌شود. رعایت حقوق ضعیف، تحقق عدالت مالی، اکرام و احترام به حقوق افراد موجب افزایش تراضی و احسان و مانع تجاهر به فسق‌های ربا و اسراف می‌شود.

۵- اصول اجتماعی: انجام عملیات طبق مقررات مدون زمینه تنظیم روابط مالی سالم افراد جامعه و نظم فردی را فراهم می‌کند. هیچ تبعیض، تفاوت یا اولویتی بین طرف‌های مشابه که خصوصیات یکسان دارند پذیرفته نیست. به افراد می‌آموزد تا فعالیت‌های مالی خود را برنامه‌ریزی، پیش‌بینی و مدون کنند.

۶- اصول حقوقی: احترام به مالکیت و حقوق افراد در بانکداری راستین پررنگ بوده و با معین بودن وجوه مختلف وظایف اطراف قراردادها زمینه طرح دعوی قضایی تقلیل می‌یابد و شیوه حل و فصل اختلافات را از طریق حکمیت سهل می‌کند. از طرفی با استفاده از پایگاه‌های داده قابل استعلام زمینه بسیاری از سواستفاده‌ها محدود می‌شود. شیوه جدید اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرای بانک وصول مطالبات را تسریع می‌کند.

۷- اصول بین‌المللی: امکان دسترسی اینترنتی در همه ساعات شبانه‌روز و تمامی ایام هفته از همه نقاط جهان به خدمات بانک وجود دارد و نتیجتاً با جلب سرمایه بیگانگان زمینه اشتراک منافع بین‌المللی و ثبات سیاسی فراهم می‌شود. محسنات سیستم، آن را به الگویی عملیاتی و بدیع در سطح بین‌المللی تبدیل خواهد کرد و با توسعه بازار گواهی راستین در سطح بین‌المللی، لنگر قیمتی باثباتی برای دارایی‌ها ایجاد می‌شود.

۸- اصول سازمانی: تناسب سازمان با نیازها و با شایستگی انتصاب و ارتقاء و بطور کلی شایسته‌سالاری اعم از شایسته‌گزینی، ارتباطات سازمانی و مسئولیت و وظایف افراد و نظام تنبیه و پاداش موثر تعریف شده‌اند. تحول سازمان و ثبات سازمانی همراه با استانداردسازی و مستندسازی همراه است. پاسخگویی کلیه اشخاص در قبال اختیاری که به آنها داده شده است مانع از بروز اثرات مضر سازمان‌های غیررسمی و فشار سیاسی می‌شود.

سرفصل‌های پیش‌نویس لایحه بانکداری راستین

سرفصل‌های پیش‌نویس لایحه قانون بانکداری راستین در حال حاضر شامل موارد زیر می‌باشد:

- فصل ۱: اصول و تعاریف
- فصل ۲: کلیات
- فصل ۳: عقود
- فصل ۴: مجری
- فصل ۵: سپرده‌گذار
- فصل ۶: ارزیابی و نظارت
- فصل ۷: گواهی راستین
- فصل ۸: اوراق مبادله راستین (RSB)
- فصل ۹: سامانه بازار گواهی راستین (RCM)
- فصل ۱۰: سامانه بازرسی و پایش عملیات (OCM)
- فصل ۱۱: سامانه ثبت وثیقه (CRS)
- فصل ۱۲: تبدیل دارائی به گواهی ضمانت (MSS)
- فصل ۱۳: پروتکل برداشت بین بانکی (IWP)
- فصل ۱۴: سامانه تسویه اوراق بدون کاغذ غیرربوی (NSSSS)
- فصل ۱۵: تأمین شخصی راستین (RPS)
- فصل ۱۶: تکافل اجتماعی راستین (RTS)
- فصل ۱۷: اصلاح الگوی مصرف
- فصل ۱۸: اراضی موات
- فصل ۱۹: شفافیت، افشا و حکمرانی
- فصل ۲۰: اجرای مفاد اسناد
- فصل ۲۱: صیانت
- فصل ۲۲: سیستم کشف پولشوئی

سرفصل‌های پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی بانکداری راستین

سرفصل‌های پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی بانکداری راستین در حال حاضر شامل موارد زیر می‌باشد:

- بخش اول سیستم پایه مشارکت در سود و زیان راستین (PLS)
- فصل ۱: تعاریف و کلیات
- فصل ۲: سازمان و تشکیلات
- فصل ۳: رفتار حرفه‌ای ارزیاب و امین
- فصل ۴: طرح‌نامه

- فصل ۵: ارزیابی
- فصل ۶: تضمینات، وثایق و آورده‌ها
- فصل ۷: بیمه
- فصل ۸: تنظیم قرارداد
- فصل ۹: نظارت
- فصل ۱۰: مجری
- فصل ۱۱: شفافیت مالی مجری
- فصل ۱۲: افشای اطلاعات مجری
- فصل ۱۳: حکمرانی مجری
- فصل ۱۴: حسابرسی
- فصل ۱۵: حسابداری مشارکت راستین
- فصل ۱۶: تغییر در زمانبندی
- فصل ۱۷: تسویه حساب
- فصل ۱۸: دریافتی‌های بانک
- فصل ۱۹: تبدیل گواهی پذیره به سهام
- فصل ۲۰: بازرسی و استاندارد کالا
- فصل ۲۱: تحویل کالا
- فصل ۲۲: ابزار مالی کمکی
- فصل ۲۳: حوادث غیر مترقبه
- فصل ۲۴: داوری

بخش دوم زیرسیستم‌های مالی مشارکت در سود و زیان راستین

- فصل ۲۵: تأمین مالی جعاله (JFS)
- فصل ۲۶: تأمین مالی مضاربه (MFS)
- فصل ۲۷: تأمین مالی مقاسطه (IFS)
- فصل ۲۸: تأمین مالی اجاره (RFS)
- فصل ۲۹: تأمین مالی امانی (TFS)
- فصل ۳۰: تأمین شخصی راستین (RPS)
- فصل ۳۱: تکافل اجتماعی راستین (RST)
- فصل ۳۲: اوراق مبادله راستین (RSB)

بخش سوم سیستم‌های مکمل در بانکداری راستین

- فصل ۳۳: بازار گواهی راستین (RCM)
- فصل ۳۴: بازرسی و پایش عملیات (OCM)

- فصل ۳۵: تبدیل دارائی به اوراق بهادار (MSS)
- فصل ۳۶: سامانه ثبت وثیقه (CRS)
- فصل ۳۷: پروتکل برداشت بین بانکی (IWP)
- فصل ۳۸: تسویه اوراق بدون کاغذ غیرربوی (NSSSS)
- فصل ۳۹: اجرای مفاد اسناد لازم الاجرای بانکها
- فصل ۴۰: شفافیت مالی، حکمرانی و افشای اطلاعات بانک
- فصل ۴۱: سیستم کشف پولشویی (MLD)

تعاریف و مفاهیم پایه در بانکداری راستین

واژه‌ها و اصطلاحات به کار برده شده در آیین‌نامه اجرایی بانکداری راستین به شرح ذیل تعریف می‌شود:

بانکداری راستین: مجموعه عملیات بانکی به منظور تحقق بانکداری اسلامی واقعی.

مشارکت در سود و زیان راستین (PLS): نوعی عملیات بانکی است که به موجب آن بانک بعنوان ارائه دهنده خدمات مدیریت سرمایه، شرایط لازم را برای مشارکت سپرده‌گذاران در طرح یا طرح‌های اقتصادی معرفی شده از طرف مجریان طرح‌های سرمایه‌گذاری، فراهم آورده و آنان را در سود و زیان طرح بر مبنای نرخ بازدهی حقیقی فعالیت اقتصادی، مشارکت می‌دهد.

بانک مشارکت در سود و زیان راستین: بانکی است که به نمایندگی از طرف سپرده‌گذاران سپرده‌های آنان را در مقابل دریافت کارمزد (حق‌العمل) معین یا سهمی از سود حاصل در طرح یا طرح‌های اقتصادی معرفی شده بوسیله مجریان و انتخاب شده توسط سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاری نموده و طبق توافقات و قراردادهای فی‌مابین در سود و زیان طرح یا طرح‌های مورد نظر مشارکت می‌دهد. بانک می‌تواند از محل منابع خود رأساً در طرح یا طرح‌های معرفی شده طبق مقررات حاکم بر مشارکت سایر سپرده‌گذاران، مشارکت نموده و در سود و زیان طرح بر مبنای نرخ بازدهی حقیقی آن شریک شود.

شعبه مشارکت در سود و زیان راستین: شعبه‌ای از بانک است که افزون بر عملیات معمول و متعارف بانکداری، به انجام عملیات مشارکت در سود و زیان راستین نیز مبادرت می‌کند.

طرح: مجموعه فعالیت‌های اقتصادی مجری است که تحت برنامه منسجم و مشخص، در زمان محدود و با کیفیت، شرایط و هزینه معین به قصد انتفاع برای تأمین مالی در قالب بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین به بانک ارائه می‌شود.

طرح پایان‌پذیر: آن دسته از طرح‌ها هستند که پس از پایان دوره ساخت و آغاز دوره بهره‌برداری از نظر بانک و سپرده‌گذار پایان‌یافته تلقی شده و به مصرف می‌رسند. طرح‌های پایان‌پذیر پس از آغاز دوره بهره‌برداری از لحاظ سپرده‌گذار مولد نیستند. به عبارت دیگر طرح‌های پایان‌پذیر پس از اتمام عملیات اجرایی مولد ارزش افزوده برای سپرده‌گذار نیستند هرچند سپرده‌گذار در برخی از زیرسیستم‌های تأمین مالی بانکداری مشارکت در سود و زیان بعد از این دوره (دوره بهره‌برداری) اقساط اصل و یا اجاره خود را از طرح دریافت می‌دارد ولی در بازده طرح شریک نیست.

طرح پایان‌ناپذیر: آن دسته از طرح‌ها هستند که پس از پایان دوره ساخت و آغاز دوره بهره‌برداری به تولید می‌رسند. طرح‌های پایان‌ناپذیر پس از آغاز دوره بهره‌برداری از لحاظ سپرده‌گذار و معرفی مولد هستند و سپرده‌گذار از بازدهی

طرح منتفع می‌شود.

طرح‌نامه: نوشته‌ای است حاکی از مجموعه اطلاعات لازم و مورد نیاز در خصوص مشخصات طرح پیشنهادی و بیانگر تحلیل‌ها و بررسی و توجیه طرح از جنبه‌های مختلف اقتصادی، فنی و مالی و مانند آن که توسط مجری تهیه و به همراه اطلاعات و مستندات و مجوزهای قانونی لازم برای بررسی و اتخاذ تصمیم به بانک ارائه می‌شود و پس از بررسی و در صورت تصویب نهایی توسط واحد ارزیابی اداره PLS بانک سندی است که مفاد آن در هر صورت به طرفیت مجری قابل استناد است.

مجری: شخصی است حقیقی یا حقوقی که طرح‌نامه اقتصادی خود را به منظور تامین تمام یا بخشی از منابع مالی مورد نیاز طرح در قالب بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین به بانک معرفی می‌کند و پس از اقدام بانک در جهت مشارکت وی با سپرده‌گذار مراحل اجرای طرح را تا پایان عملیاتی می‌سازد. مجری علاوه بر اهلیت قانونی، مالی، فنی و اجرایی باید از سایر امکانات و تواناییهای لازم برای مشارکت و اجرای طرح برخوردار باشد.

سپرده‌گذار: شخصی حقیقی یا حقوقی دارای مقدار معینی نقدینگی (وجه نقد) متقاضی مشارکت مالی در محصولات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین که از طریق مراجعه به بانک (اعم از فیزیکی یا مجازی و در فضای اینترنت) نسبت به خرید گواهی راستین یکی از محصولات سه‌گانه بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین اقدام می‌کند. سپرده‌گذار می‌تواند پیش از سپرده‌گذاری، به پورتال اطلاع‌رسانی سامانه اینترنتی بازار گواهی راستین و یا به یکی از شعب بانک مجری مشارکت در سود و زیان راستین مراجعه و با بهره‌گیری از امکانات اطلاع‌رسانی، اطلاعات لازم درباره انواع محصولات و گواهی‌های راستین، شرایط و مقررات سپرده‌گذاری، انصراف، کیفیت و مشخصات طرح‌های عرضه شده را کسب و سپس اقدام به سرمایه‌گذاری کند.

محصولات مشارکت در سود و زیان راستین: در بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین سپرده‌گذار می‌تواند در محصولات سه‌گانه زیر مبادرت به سپرده‌گذاری و مشارکت کند:

الف- مشارکت در سود و زیان طرح خاص (محصول نوع اول): در این محصول سپرده‌گذار پس از کسب اطلاعات لازم در خصوص طرح یا طرح‌های معرفی شده به بانک و بررسی جوانب امر بنا به صلاحدید خود یکی از طرح‌های موجود، که بانک عملیات ارزیابی اولیه آن را از پیش انجام داده و برای عرضه به سپرده‌گذاران قابل قبول دانسته، انتخاب و براساس ضوابط و مقررات مربوط از طریق خرید گواهی راستین در طرح منتخب، سرمایه‌گذاری نموده و به نسبت قیمت اسمی گواهی خریداری شده و مدت زمان مشارکت طبق مقررات و ضوابط حاکم بر بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین، در طرح مورد نظر مشارکت می‌کند.

ب- مشارکت در سود و زیان بسته طرح‌ها (محصول نوع دوم): در این محصول سپرده‌گذار بجای سرمایه‌گذاری در یک طرح خاص همزمان در چند طرح از طرح‌های عرضه شده که بدلیل خصوصیات و شرایط آنها در قالب مجموعه‌ای از طرح‌ها که توسط بانک دسته‌بندی و به عنوان بسته یا سبدی از طرح‌ها تعریف شده است از طریق خرید گواهی راستین مربوط، سرمایه‌گذاری و به نسبت قیمت اسمی گواهی خریداری شده و مدت زمان مشارکت وفق مقررات و ضوابط حاکم بر بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین، در مجموعه طرح‌های منتخب مشارکت می‌کند.

ج - مشارکت در سود و زیان شعبه/بانک مشارکت در سود و زیان راستین (محصول نوع سوم): در این محصول سپرده‌گذار به جای مشارکت در طرح خاص یا سبد طرح‌ها، با خرید گواهی راستین صادر شده بوسیله بانک، نقدینگی

(سپرده) خود را در اختیار بانک قرار می‌دهد تا براساس ضوابط و مقررات مربوط در آن قسمت از سود یا زیان شعبه / بانک که از طریق سرمایه‌گذاری در طرح‌های موضوع بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین به دست می‌آید مشارکت کند. در این خصوص بانک / شعبه مکلف است در پایان هر سال مالی صورتهای مالی بانک / شعبه را تهیه و سود و زیان حاصل را براساس مبلغ اسمی گواهی و مدت زمان مشارکت طبق مقررات و ضوابط حاکم بر نحوه تقسیم سود و زیان بین بانک و سپرده‌گذاران تسهیم کند.

بنگاه: یک واحد فنی یا کسب و کار است که اقدام به تولید کالا یا خدمت می‌کند. داشتن شخصیت حقوقی برای بنگاه الزامی نیست و شخص حقیقی به عنوان متصدی بنگاه می‌تواند طرف قرارداد قرار گیرد.

دارایی مولد: به دارایی بنگاه‌های در حال فعالیت گفته می‌شود.

دارایی موات: به بنگاه‌های از کار افتاده و تعطیل و زمین‌های زراعی کشت نشده و دارایی‌های مشابه گفته می‌شود.

دارایی اجاری: به آن دسته از دارایی‌ها گفته می‌شود که قابلیت اجاره دارند.

سیستم پایه مشارکت در سود و زیان راستین (PLS): به فرآیند اصلی و قواعد و ضوابط کلی بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین (PLS)¹¹³ اشاره دارد. در این سیستم بانک به نمایندگی از طرف سپرده‌گذار منابع (سپرده) وی را به درخواست او در یکی از محصولات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین، سرمایه‌گذاری و در عوض به سپرده‌گذار گواهی راستین مربوط به نوع تأمین مالی بکار گرفته شده را تسلیم می‌کند سپس منابع را به مجریان طرح‌های سرمایه‌گذاری با اعمال نظارت کامل تخصیص می‌دهد و طبق ضوابط مشخص سود یا زیان حاصل را بین سپرده‌گذار و مجری تقسیم و از طرفین کارمزد ارائه خدمات مدیریت سرمایه دریافت می‌کند. بانک به عنوان عامل سپرده‌گذار موظف به حفظ حقوق سپرده‌گذار بوده و تمامی امکانات تخصصی خود را برای حفظ منافع وی بکار می‌برد. در سیستم پایه بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین (PLS) از گواهی مشارکت، در طرح‌های پایان‌پذیر و گواهی پذیره، در طرح‌های پایان‌ناپذیر استفاده می‌شود.

زیرسیستم‌های مالی مشارکت در سود و زیان راستین: به روش‌های تأمین مالی مشخص با هدف تأمین منابع نیازهای مالی خاص و یا خدمات خاص مالی اشاره دارد. زیرسیستم‌های بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین تحت قواعد و ضوابط کلی سیستم پایه بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین (PLS) بوده و شامل موارد زیر می‌باشد:

أ- تأمین مالی جعاله (JFS)¹¹⁴: روشی است که بر اساس آن بانک بنا به تقاضای خریدار و در قالب عقد جعاله منابع مالی مورد نیاز (سرمایه در گردش) مجری (تولیدکننده) را از محل منابع سپرده‌گذار یا منابع تأمین شده توسط خریدار با فروش گواهی آتی تأمین و در قالب جعاله دیگری به منظور تولید محصول مورد نظر خریدار در اختیار مجری قرار می‌دهد. در تأمین مالی جعاله (JFS) از گواهی آتی استفاده می‌شود.

ب- تأمین مالی مضاربه (MFS)¹¹⁵: نوعی مضاربه است تحت مقررات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین که در آن بانک طرح‌نامه مجری که می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد در امر خرید و فروش (تجارت) را دریافت و پس از ارزیابی به سپرده‌گذاران معرفی و با فروش گواهی مضاربه به آنان منابع لازم را برای انجام عملیات مضاربه تجهیز و در اختیار مجری (مضارب) قرار می‌دهد. بانک پس از اتمام عملیات مضاربه کارمزد خود را کسر و اصل

¹¹³ Profit and Loss Sharing (PLS)

¹¹⁴ Joalah Financial Sharing (JFS)

¹¹⁵ Modarebah Financial Sharing (MFS)

سرمایه را به سپرده‌گذار برگشت داده و سود حاصل را بین سپرده‌گذار و مضارب تقسیم می‌کند. در تأمین مالی مضاربه (MFS) از گواهی مضاربه و گواهی مضاربه ادواری استفاده می‌شود.

ج- تأمین مالی مقاسطه (IFS)^{۱۱۶}: در تأمین مالی مقاسطه (IFS) سپرده‌گذار (مُقَسِّط) از طریق بانک با تأمین بخشی از منابع مالی مشارکت اقدام به تأمین مالی مجری (قاسط) نموده و تا مدت مشخص (زمان استهلاك سهم مقسط) سهم شرکت خود از مشارکت را بصورت اقساط از مجری دریافت می‌نماید و نهایتاً پس از استهلاك سهم مقسط مورد مشارکت (مُقَسِّطه) تماماً به مالکیت مجری درآمده و مشارکت خاتمه می‌یابد. تأمین مالی مقاسطه (IFS) از طریق یکی از اشکال سه‌گانه عقد مقاسطه (مقاسطه عادی، مقاسطه اجاره و مقاسطه مشارکت) با استفاده از سه نوع گواهی مقاسطه عادی و گواهی مقاسطه اجاره برای طرح‌های پایان‌پذیر و گواهی مقاسطه مشارکت برای طرح‌های پایان‌ناپذیر انجام می‌شود.

د- تأمین مالی اجاره (RFS)^{۱۱۷}: مجری بخشی از دارایی (بنگاه تولیدی یا خدماتی یا تجاری یا ساختمان یا تأسیسات قابل اجاره) اعم از اجاری، موات و مولد خود را در قبال دریافت منابع از سپرده‌گذار به مالکیت موقت وی درآورده و سپس آن را به صورت رهن در اختیار می‌گیرد و از محل رهنه بازده دارایی را به میزان سهم شرکت از سرمایه خود دفعاتاً در سررسید یا به صورت ادواری به سپرده‌گذار پرداخت می‌کند. اصل سرمایه سپرده‌گذار در پایان طرح به وی برگشت می‌شود و عواید طرح به صورت پرداخت‌های ادواری و یا دفعاتاً در پایان دوره مشارکت به وی منتقل می‌گردد. در تأمین مالی اجاره (RFS) از گواهی مشارکت رهنی، گواهی مشارکت رهنی ادواری، گواهی مضاربه رهنی، گواهی مضاربه رهنی ادواری، گواهی مزارعه رهنی، گواهی مزارعه رهنی ادواری، گواهی مغارسه رهنی، گواهی مغارسه رهنی ادواری، گواهی مساقات رهنی، گواهی مساقات رهنی ادواری، گواهی استصناع رهنی، گواهی استصناع رهنی ادواری و گواهی اجاره استفاده می‌شود.

ه- تأمین مالی امانی (BFS)^{۱۱۸}: استفاده از سپرده سپرده‌گذار توسط مجری جهت تولید کالای معین و تحویل آن یا پرداخت وجه ناشی از فروش کالا در سررسید مشخص. در تأمین مالی امانی (BFS) از گواهی امانت استفاده می‌شود.

و- تأمین شخصی راستین (RPS)^{۱۱۹}: در تأمین شخصی راستین (RPS) صندوق مستمری (صندوق تأمین یا صندوق بازنشستگی) به عاملیت از طرف شاغلین یا غیرشاغلین (بیمه‌شده و سپرده‌گذار) حقیقه یا سپرده آنها را جمع و در محصولات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین سرمایه‌گذاری می‌نماید. بانک در قبال سپرده دریافتی و نوع مشارکت صندوق با مجری، گواهی راستین طرح‌های مربوط را به نام و مالکیت صندوق صادر می‌کند. از طرفی صندوق از بانک می‌خواهد تا به میزان مبلغ حقیقه بیمه‌شده یا سپرده سپرده‌گذار که صندوق در بانک سپرده‌گذاری کرده، گواهی‌ای به نام گواهی تأمین به نام و مالکیت بیمه‌شده یا سپرده‌گذار بر عهده صندوق صادر نماید. گواهی تأمین صادره به مثابه سهم بیمه‌شده یا سپرده‌گذار از سرمایه صندوق است. در تأمین شخصی راستین (RPS) از گواهی تأمین اجتماعی، گواهی تأمین شخصی و گواهی تأمین مستمری استفاده می‌شود.

¹¹⁶ Installment Financial Sharing (IFS)

¹¹⁷ Rent Financial System (RFS)

¹¹⁸ Bail Financial Sharing (BFS)

¹¹⁹ Rastin Personal Security (SFS)

ا- تکافل اجتماعی راستین (RST)^{۱۲۰}: اشخاص خیر می‌توانند منابع خود را برای امور خیریه یا عام المنفعه نزد بانک سپرده‌گذاری کنند تا بانک منافع یا اصل یا اصل و منافع سپرده‌گذاری را در قالب بیمه تکافل اجتماعی از طریق حواله یا به تقاضای شخص خیر بطور بلاعوض یا به صورت قرض در اختیار افراد ضعیف لازم‌الحمایه یا خانواده آنان قرار دهد. در تکافل اجتماعی راستین (RST) از گواهی تکافل و گواهی قرض استفاده می‌شود.

ز- اوراق مبادله راستین (RSB)^{۱۲۱}: اوراق بهادار دیجیتال است که بر اساس عقد مبادله بین مبادل و متبادل منعقد می‌گردد بطوریکه بدل و مبدل و زمان آنها هر دو به یک اندازه است. متبادل ناشر اوراق بوده و به میزان ارزش اسمی آن به مبادل بدهکار است و باید در سررسید (اول/بدل) به دارنده اوراق (مبادل) بپردازد. متبادل متعهد است تا به اندازه بدل و زمان آن (زمان بدل) مبدل را به همان میزان و زمان آن (زمان مبدل) (یا ترکیبی از زمان و مبلغ را اختیار کند که حاصلضرب زمان بدل در مبلغ بدل مساوی همین حاصلضرب برای زمان و مبلغ مبدل باشد)، در اختیار مبادل قرار دهد و در سررسید (دوم/مبدل) مبادل متعهد می‌شود تا مبدل را به متبادل پرداخت نماید. در این اوراق از نرخ بهره استفاده نمی‌شود. اوراق مبادله راستین می‌تواند در چهار نوع کلی اوراق مبادله راستین بانک مرکزی، اوراق مبادله راستین خزانه، اوراق مبادله راستین بانکی و اوراق مبادله راستین تجاری و در شرایط خاص بصورت ریالی و ارزی صادر می‌شود.

سیستم‌های مکمل در بانکداری راستین: اشاره به ابداعات، سامانه‌ها و روش‌های تکمیلی در بانکداری راستین دارد و شامل موارد زیر می‌باشد:

ب- سامانه بازار گواهی راستین (RCM)^{۱۲۲}: سیستم مبتنی بر وب تسویه حساب معامله‌کنندگان و انتقال‌دهندگان گواهی‌های راستین و اوراق بهادار بدون ربا در بانک مشارکت در سود و زیان راستین است.

ج- سامانه بازرسی و پایش عملیات (OCM)^{۱۲۳}: سیستم کامپیوتری مبتنی بر وب که امکان بازرسی و کنترل فعالیت‌های مختلف پرسنل بانک را به صورت آنلاین فراهم می‌کند.

د- تبدیل دارائی به گواهی ضمانت (MSS)^{۱۲۴}: این امکان را به اشخاص می‌دهد تا اموال خود را از طریق بانک به گواهی ضمانت تبدیل نمایند.

ه- سامانه ثبت وثیقه (CRS)^{۱۲۵}: «سامانه ثبت وثیقه منقول و غیرمنقول به صورت یک‌پارچه و قابل دسترس آنلاین است.

و- پروتکل برداشت بین‌بانکی (IWP)^{۱۲۶}: توافق‌نامه‌ای بین بانکی است که به بانک اجازه می‌دهد، تا مطالبات خود از مشتری مدیون را پس از خالی کردن حساب وی نزد بانک عامل از سایر حساب‌های وی نزد بانک‌های دیگر به صورت آنلاین برداشت کند.

ز- سامانه تسویه اوراق بدون کاغذ غیرربوی (NSSSS)^{۱۲۷}: سیستم یک‌پارچه مبتنی بر وب تسویه حساب معامله و انتقال

¹²⁰ Rastin Social Takaful (RST)

¹²¹ Rastin Swap Bond (RSB)

¹²² Rastin Certificate Market (RCM)

¹²³ Operation Control and Monitoring System (OCM)

¹²⁴ Mortgage Securitization System (MMS)

¹²⁵ Collateral Registration System (CRS)

¹²⁶ Interbank Withdrawal Protocol (IWP)

¹²⁷ Non-Usury Scripless Security Settlement System (NSSSS)

گواهی‌های راستین و اوراق بهادار بدون ربا در بانک مرکزی است.

عقود جدید در بانکداری راستین: عقود هستند که برای کارکردهای جدید مالی در بانکداری راستین تعریف و یا عقود معین را با شرایط روز به‌نگام کرده‌اند:

الف- مواسطه: عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین سرمایه می‌دهد با قید این که طرف دیگر در قبال اجرت معین با رعایت غبطه و صلاح صاحب سرمایه در قالب عقود و توافقات مورد نظر به نام خود با ثالث معامله انتفاعی یا غیرانتفاعی نماید. صاحب سرمایه توسط، عامل واسط و ثالث مجری نامیده می‌شود.

ب- مبادله: عقدی است که به موجب آن، طرفین تعهد می‌نمایند تا یک طرف (مبادل) مبلغ معینی از دارایی خود را (بدل) برای مدت معلوم به دیگری (متبادل) تملیک نموده و در مقابل طرف دیگر (متبادل) به همان مبلغ از دارایی خود را (مبدل) برای همان مدت به وی (مبادل) تملیک نماید.

ج- مقاسطه: عقدی است که به موجب آن یک طرف تمام یا بخشی از سرمایه را می‌دهد تا طرف دیگر فعالیتی اقتصادی کند و بهای سهم صاحب سرمایه در ماحصل فعالیت را در اقساط معین به وی پرداخت نماید. صاحب سرمایه را مقسط و عامل را قاسط و ماحصل را مقسطه گویند. مقاسطه سه نوع است: عادی و اجاره و مشارکت. سهم مقسط در مقاسطه اجاره شامل قیمت عین و بهای عین و در مقاسطه مشارکت قیمت عین و بهای بازدهی آن است.

د- مقاسطه عادی: عقد مقاسطه‌ای است که به موجب آن مقسط (سپرده‌گذار) تمام یا بخشی از منابع را می‌دهد و قاسط (مجری) با پرداخت مابقی اقدام به سرمایه‌گذاری در مقسطه (طرح) نموده و سپس قاسط، سهم‌الشرکه مقسط از اصل و ارزش افزوده ایجاد شده طرح (بهای تقویم شده طرح در پایان دوره عملیات اجرایی) را به صورت اقساط و دوره‌ای و در پایان هر دوره مالی به مقسط پرداخت و در زمان استهلاک سهم مقسط، قاسط کل مقسطه را مالک می‌شود.

ه- مقاسطه اجاره: عقد مقاسطه‌ای است که مقسط (سپرده‌گذار) تمام یا بخشی از منابع را می‌دهد و قاسط (مجری) با پرداخت بخش دیگر اقدام به سرمایه‌گذاری در مقسطه (طرح) نموده و مقسطه در اجاره قاسط قرار می‌گیرد. سپس قاسط سهم‌الشرکه مقسط را متناسب با میزان و با توجه به مدت مشارکت مقسط از عین (بهای تقویم شده طرح در پایان دوره عملیات اجرایی) و منافع مقسطه (اجاره طرح) به صورت مجموع اقساط و اجاره به صورت دوره‌ای و در پایان هر دوره مالی به مقسط پرداخت و در زمان استهلاک سهم مقسط کل مقسطه را مالک می‌شود. مبلغ اجاره یا نسبت آن از سهم مقسط از ارزش طرح (در پایان عملیات اجرایی) از پیش توسط مقسط و قاسط شرط می‌شود. مبالغ اجاره در دوره‌های مختلف می‌تواند نامساوی باشند.

و- مقاسطه مشارکت: عقد مقاسطه‌ای است که مقسط (سپرده‌گذار) تمام یا بخشی از منابع را می‌دهد و قاسط (مجری) با پرداخت بخش دیگر اقدام به سرمایه‌گذاری در مقسطه (طرح) نموده و مقسطه در اختیار قاسط قرار می‌گیرد. سپس قاسط سهم‌الشرکه مقسط را متناسب با میزان و با توجه به مدت مشارکت مقسط از عین (بهای تقویم شده طرح در پایان عملیات اجرایی) و بازدهی مقسطه به صورت مجموع اقساط و بازدهی دوره‌ای و در پایان هر دوره مالی به مقسط پرداخت کرده و در زمان استهلاک سهم مقسط کل مقسطه (طرح) را مالک می‌شود.

ز- زمان استهلاک سهم مقسط: زمانی است که مقسط (سپرده‌گذار) با دریافت اقساط (شامل اقساط اصل، اجاره یا بازدهی طرح) از قاسط (مجری) دیگر سهمی از عین مقسطه (طرح) را ندارد. نحوه محاسبه زمان استهلاک سهم

مقسط با توجه به به طول عمر طرح بعد از دوره عملیات اجرایی و میزان سهم‌الشرکه مقسط یا مقسطان (با توجه به مدت مشارکت آنان) و آورده قاسط و ارزش افزوده طرح پس از پایان عملیات اجرایی طرح (و در صورت لزوم پیش‌بینی ارزش اسقاطی طرح در پایان عمر طرح) محاسبه می‌شود.

ح- مغارسه: عقدی است که بین صاحب یا صاحبان زمین و امثال آن با عامل یا عاملین در مقابل حصه مشاع معین (همانند آنچه که در مزارعه ذکر شده) از ثمره غرس واقع می‌شود و ثمره اعم است از خود درخت و امثال آن، میوه، برگ گل، سرگل، پوشال، دسته، ساقه، شهد، پیاز، ریشه و غیره.

تکافل: تکافل وظیفه انسانی جامعه در رفع نیازهای اساسی افراد است و به دویخش تقسیم می‌گردد.

الف: تکافل عام به معنی وظیفه انسانی افراد جامعه در رفع نیازهای یکدیگر.

ب: ضمان اعاله به معنی وظیفه حکومت در تأمین معیشت افراد جامعه.

گواهی راستین: نام مجموعه گواهی‌های طراحی شده در بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین است که در سیستم پایه یا زیرسیستم‌های بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین تعریف و صادر می‌شوند. این گواهی‌ها در قبال منابع دریافتی از سپرده‌گذار یا تأمین‌کننده منابع صادر و به ایشان تسلیم می‌شود. گواهی‌های راستین با توجه به وجه نظارتی واحدهای ارزیابی و امین بانک بر نحوه عملیات مجری متفاوت از اوراق و با پیشوند گواهی منتشر می‌شوند. گواهی‌های راستین به استثنای گواهی ضمانت در سامانه گواهی راستین (RCM) قابل انتقال به غیر و قابل خرید و فروش هستند. این گواهی‌ها می‌توانند بانام یا بی‌نام باشند. گواهی ضمانت الزاماً بانام است. این گواهی‌ها عبارتند از:

الف- گواهی مشارکت: برگه بی‌نام یا بانام است حاکی از مشارکت سپرده‌گذار در یکی از محصولات بانکداری مشارکت در سود و زیان به مبلغ معین و قابل انتقال به غیر و قابل خرید و فروش که توسط بانک برای مدت اجرای طرح منتشر می‌شود و دارنده آن به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت، طبق مقررات و ضوابط حاکم بر بانکداری مشارکت در سود و زیان در موضوع گواهی مشارکت سهم خواهد بود. این گواهی در سیستم پایه مشارکت در سود و زیان راستین (PLS) بکار گرفته می‌شود.

ب- گواهی پذیره: برگه بی‌نام یا بانام است حاکی از مشارکت سپرده‌گذار در یکی از دو نوع محصول اول و دوم بانکداری مشارکت در سود و زیان به مبلغ معین که توسط بانک و قابل انتقال به غیر و قابل خرید و فروش برای مدت زمان اجرای طرح‌های پایان‌ناپذیر منتشر می‌شود و دارنده آن به نسبت قیمت اسمی گواهی خریداری شده، مدت زمان مشارکت و سایر مقررات و ضوابط حاکم بر بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین در موضوع مشارکت گواهی شریک بوده و در سررسید به همان نسبت از مالکیت سرمایه شرکت مجری در قالب سهام برخوردار می‌شود. این گواهی در سیستم پایه مشارکت در سود و زیان راستین (PLS) بکار گرفته می‌شود.

ج- گواهی آتی: برگه بی‌نام یا بانام است حاکی از تعهد بر تحویل کالا و قابل انتقال به غیر و قابل خرید و فروش که توسط بانک صادر و منتشر می‌شود و تولیدکننده یا مجری متعهد می‌باشد طبق قرارداد منعقد کالای معینی را در سررسید به دارنده گواهی تحویل و تسلیم کند و یا حسب توافق کالا را در بازار فروخته و وجه آن را به تأمین‌کننده منابع بپردازد. این گواهی در سیستم تأمین مالی جعاله (JFS) بکار گرفته می‌شود.

د- گواهی مضاربه: برگه بی‌نام یا بانام است حاکی از مشارکت سپرده‌گذار در یک طرح از محصول نوع اول بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین به مبلغ معین و قابل خرید و فروش و انتقال به غیر که توسط بانک برای

مدت اجرای طرح منتشر می‌شود و دارنده آن به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت و طبق مقررات و ضوابط حاکم بر بانکداری مشارکت در سود و زیان عملیات مضاربه موضوع گواهی سهام خواهد بود. این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی مضاربه (MFS) بکار گرفته می‌شود.

ه- گواهی مضاربه ادواری: همانند گواهی مضاربه است ولی بازده طرح به صورت ادواری به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود. این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی مضاربه (MFS) بکار گرفته می‌شود.

و- گواهی مقاسطه (عادی): برگه بی‌نام یا بانام و قابل خرید و فروش و انتقال به غیر است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین منتشر می‌شود. دارندگان این برگه‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در عین حاصل از طرح اجرا شده توسط مجری تا زمان استهلاك سهم منابع خود شریک می‌باشند. اصل و منافع این گواهی با اقساط ادواری به سپرده‌گذار برگشت داده می‌شود. این گواهی در سیستم تأمین مالی مقاسطه (IFS) بکار گرفته می‌شود.

ز- گواهی مقاسطه اجاره: برگه‌های بی‌نام یا بانام و قابل خرید و فروش و انتقال به غیر است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان منتشر می‌شود. دارندگان این برگه‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در عین و منافع دوره‌ای حاصل از طرح اجرا شده توسط مجری به صورت اجاره تا زمان استهلاك سهم منابع خود شریک می‌باشند. اصل و اجاره متعلق به این گواهی با اقساط ادواری به سپرده‌گذار برگشت داده می‌شود. این گواهی در سیستم تأمین مالی مقاسطه (IFS) بکار گرفته می‌شود.

ح- گواهی مقاسطه مشارکت: برگه‌های بی‌نام یا بانام و قابل خرید و فروش و انتقال به غیر است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان منتشر می‌شود. دارندگان این برگه‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت در عین و بازده دوره‌ای حاصل از طرح اجرا شده توسط مجری تا زمان استهلاك سهم منابع خود شریک می‌باشند. اصل و بازده این گواهی با اقساط ادواری به سپرده‌گذار برگشت داده می‌شود. این گواهی در سیستم تأمین مالی مقاسطه (IFS) بکار گرفته می‌شود.

ط- گواهی مشارکت رهنی: گواهی مشارکت رهنی برگه با نام یا بی‌نام قابل خرید و فروش و انتقال به غیر است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین منتشر می‌شود. دارندگان این گواهی‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت خود از بهای تقویم شده دارایی در هنگام عقد قرارداد برای مدت معین در منافع حاصل از دارایی طرح مربوط شریک می‌باشند. اصل و بازده مشارکت در این نوع گواهی در پایان قرارداد به سپرده‌گذار برگشت داده می‌شود. این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) بکار گرفته می‌شود.

ی- گواهی مشارکت رهنی ادواری: گواهی مشارکت رهنی برگه بانام یا بی‌نام قابل خرید و فروش و انتقال به غیر است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین منتشر می‌شود. دارندگان این گواهی‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت خود از بهای تقویم شده دارایی در هنگام عقد قرارداد برای مدت معین در منافع حاصل از دارایی طرح مربوط شریک می‌باشند. اصل مبلغ مشارکت در این نوع گواهی در پایان قرارداد به سپرده‌گذار برگشت داده می‌شود ولی بازده مشارکت در هر دوره به صورت ادواری به سپرده‌گذار پرداخت می‌گردد. این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) بکار گرفته می‌شود.

- ک- گواهی مضاربه رهنی: همانند گواهی مشارکت رهنی است ولی در فعالیتهای خدمات بازرگانی بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ل- گواهی مضاربه رهنی ادواری: همانند گواهی مشارکت رهنی ادواری است ولی در بخش خدمات بازرگانی بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- م- گواهی مزارعه رهنی: همانند گواهی مشارکت رهنی است ولی در فعالیتهای زراعی بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ن- گواهی مزارعه رهنی ادواری: همانند گواهی مشارکت رهنی ادواری است ولی در فعالیتهای زراعی بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- س- گواهی مغارسه رهنی: همانند گواهی مشارکت رهنی است ولی در فعالیتهای کاشت درختان بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ع- گواهی مغارسه رهنی ادواری: همانند گواهی مشارکت رهنی ادواری است ولی در فعالیتهای کاشت درختان بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ف- گواهی مساقات رهنی: همانند گواهی مشارکت رهنی است ولی در فعالیتهای احیای باغات میوه بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ص- گواهی مساقات رهنی ادواری: همانند گواهی مشارکت رهنی ادواری است ولی در فعالیتهای احیای باغات میوه بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ق- گواهی استصناع رهنی: همانند گواهی مشارکت رهنی است ولی در فعالیتهای احیای بنگاه‌های تولیدی صنعتی و کشاورزی و تأمین سرمایه در گردش آنها بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ر- گواهی استصناع رهنی ادواری: همانند گواهی مشارکت رهنی ادواری است ولی در فعالیتهای احیای بنگاه‌های تولیدی صنعتی و کشاورزی و تأمین سرمایه در گردش آنها بکار گرفته می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ش- گواهی اجاره: برگه با نام یا بی‌نام قابل خرید و فروش و انتقال به غیر است که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین منتشر می‌شود. دارندگان این گواهی‌ها به نسبت قیمت اسمی و مدت زمان مشارکت خود از بهای تقویم شده دارایی در هنگام عقد قرارداد برای مدت معین در اجاره دارایی طرح مربوط شریک می‌باشند. اصل مبلغ مشارکت در این نوع گواهی در پایان قرارداد به سپرده‌گذار برگشت داده می‌شود ولی مبلغ اجاره در هر دوره به صورت ادواری به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود. کاربرد این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی اجاره (RFS) است.
- ت- گواهی ضمانت: گواهی ضمانت سندی است با نام مبتنی بر ضمانت مبلغ مشخص برای مدت معین که توسط بانک در قبال توثیق مال صادر می‌شود و در صورت عدم ایفای تعهد، مالک مال ملزم به تأدیه مبلغ اسمی گواهی می‌باشد و در غیر این صورت مال توثیقی وی از طریق اجرای اسناد بانک به مزایده گذاشته شده و تعهدات مالک گواهی از

محل آن وصول می‌شود. این گواهی در سیستم تبدیل دارائی به گواهی ضمانت (MSS) صادر می‌شود.
ث- گواهی امانت: سندی است بانام یا بی‌نام مبین طلب سپرده‌گذار از مجری به میزان معینی از یک کالای مشخص که مجری موظف است در سررسید، کالا یا بهای آن را به دارنده گواهی تحویل نماید. این گواهی در زیرسیستم تأمین مالی امانی (BFS) استفاده می‌شود.

خ- گواهی تأمین اجتماعی: سندی است بانام یا بی‌نام که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین در عوض پرداخت حقیقه بیمه‌شده به صندوق تأمین، به درخواست صندوق تأمین و به میزان حقیقه بیمه پرداختی به بانک توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین بر عهده صندوق و به نام بیمه‌شده صادر می‌شود. دارنده این گواهی با احتساب مبلغ در سرمایه صندوق و با احتساب مدت و مبلغ گواهی در بازده صندوق تأمین سهم است. این گواهی در زیرسیستم تأمین شخصی راستین (RPS) صادر می‌شود.

ذ- گواهی تأمین شخصی: سندی است بانام یا بی‌نام و قابل انتقال به غیر که به قیمت اسمی مشخص و برای مدت معین در عوض پرداخت سپرده‌گذار به صندوق بازنشستگی به درخواست صندوق بازنشستگی و به میزان سپرده سپرده‌گذاری شده، توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین بر عهده صندوق و به نام سپرده‌گذار صادر و در اختیار سپرده‌گذار قرار داده می‌شود. دارنده این گواهی با احتساب مبلغ در سرمایه صندوق و با احتساب مدت و مبلغ گواهی در بازده صندوق بازنشستگی سهم است و در سررسید اصل و بازده سهم شرکت خود را از صندوق دریافت می‌نماید. این گواهی در زیرسیستم تأمین شخصی راستین (RPS) صادر می‌شود.

ض- گواهی تأمین مستمری: سندی است بانام یا بی‌نام که از تبدیل سهم شرکت ناشی از گواهی تأمین شخصی در سررسید به قطعات کوچکتر با سررسیدهای متفاوت صادر می‌شود تا دارنده گواهی بتواند منابع سپرده خود را بصورت مستمری از صندوق بازنشستگی دریافت نماید. منافع گواهی مستمری براساس حسابداری مشارکت راستین برای صندوق‌های با سرمایه متغیر محاسبه و به دارنده گواهی پرداخت خواهد شد. به عبارت دیگر چنانچه سپرده‌گذار یا دارنده گواهی تأمین شخصی در سررسید تمایل به دریافت اصل و سود منابع خود به صورت یکجا نداشته باشد می‌تواند از صندوق درخواست نماید که بانک گواهی تأمین شخصی وی را به تعداد معینی گواهی تأمین مستمری با سررسیدها و مبالغ معین تبدیل نماید. این گواهی در زیرسیستم تأمین شخصی راستین (RPS) صادر می‌شود.

ظ- گواهی تکافل: سندی است بانام یا بی‌نام که به مبلغ اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین منتشر می‌شود. دارنده این گواهی به بانک اختیار می‌دهد تا منابع سپرده‌گذاری شده را در مدت معین مصروف پرداخت‌های بلاعوض به افراد لازم‌الحمايه بنماید و در صورت مطالبه دارنده گواهی گزارش کند. این گواهی در مدت معین شده قابل انتقال است. این گواهی در زیرسیستم تکافل اجتماعی راستین (RST) صادر می‌شود.

غ- گواهی قرض: سندی است بانام یا بی‌نام که به مبلغ اسمی مشخص و برای مدت معین توسط بانک مشارکت در سود و زیان راستین منتشر می‌شود. دارنده این گواهی به بانک اختیار می‌دهد تا منابع سپرده‌گذاری شده را در مدت معین مصروف اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به افراد لازم‌الحمايه بنماید و در سررسید معین منابع را به دارنده گواهی بازگرداند و در صورت مطالبه به دارنده گواهی گزارش کند. این گواهی در مدت معین شده قابل انتقال است. این

گواهی در زیرسیستم تکافل اجتماعی راستین (RST) صادر می‌شود.

اداره PLS: اداره‌ای است در بانک که با واحدهای تابعه خود عملیات بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین را در بانک مدیریت می‌کند.

نظارت: اقدامات و تدابیری است که توسط بانک به منظور حفظ منافع سپرده‌گذاران در جهت حسن اجرای عملیات اجرایی طرح‌های بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین اعمال می‌شود. بانک توسط واحد امین اداره PLS خود در تمام مراحل اجرای طرح مکلف به اتخاذ تمامی تمهیدات و تدابیر لازم به منظور حسن اجرای عملیات اجرایی مجری و انجام اقدامات بایسته در این راستا می‌باشد. رعایت انواع استانداردها و الزامات نظارتی در طرح‌های مزبور براساس مفاد این آیین‌نامه است.

ارزیابی: اقدامات و بررسی‌هایی است که توسط بانک به منظور حفظ منافع سپرده‌گذاران در جهت احراز توانایی اجرایی مجری و توجیه‌پذیری طرح‌نامه از لحاظ اقتصادی، فنی مهندسی، مالی و اجرایی در بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین انجام می‌شود. بانک توسط واحد ارزیابی اداره PLS خود مکلف به اتخاذ تصمیم لازم در این راستا می‌باشد. رعایت انواع استانداردها و الزامات ارزیابی طرح‌نامه‌ها براساس مفاد این آیین‌نامه است.

واحد ارزیابی: واحدی درون سازمانی تحت نظر اداره PLS بانک است که از امکانات و تخصص یا کادر تخصصی لازم مانند کارشناسان فنی، مهندسی، مالی، ارزی و اقتصادی برخوردار می‌باشد و در فرآیند بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین وظیفه دارد تا طرح معرفی شده از طرف مجری (طرح‌نامه) را از لحاظ فنی، مهندسی، مالی، اقتصادی، کیفیت عملیات اجرایی و احراز توانایی مجری از جمیع جهات بررسی کند و در خصوص توجیه‌پذیری اجرای طرح‌نامه اظهار نظر کند.

ارزیاب: کارشناس متخصص و مجرب واحد ارزیابی اداره PLS بانک یا اشخاص حقیقی یا حقوقی خارج از بانک می‌باشد که در زمینه مورد نظر از تخصص و تجربه کافی برخوردار و دارای امکانات و کادر تخصصی لازم بوده و زیر نظر واحد ارزیابی وظیفه ارزیابی طرح‌نامه و توجیه‌پذیری آن را به عهده دارد.

واحد امین: واحدی درون سازمانی تحت نظر اداره PLS بانک است که از امکانات و تخصص یا کادر تخصصی لازم مانند کارشناسان فنی، مهندسی و مالی برخوردار بوده و در فرآیند بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین از طرف بانک، انتخاب امین، نظارت بر حسن اجرای طرح، پایش عملیات اجرایی و تطبیق آن با برنامه‌های طرح‌نامه و سایر امور مربوط را بر عهده دارد و گزارشهای تحلیلی مراحل اجرای طرح را به صورت دوره‌ای یا غیر دوره‌ای تهیه و در اختیار اداره PLS بانک قرار می‌دهد. مسئولیت نظارت بر چگونگی اجرای طرح با واحد امین است اعم از اینکه امین منتخب واحد امین، داخلی یا خارج از بانک باشد.

امین: کارشناس متخصص و مجرب واحد امین اداره PLS یا اشخاص حقیقی یا حقوقی خارج از بانک می‌باشد که در زمینه مورد نظر از تخصص و تجربه کافی برخوردار و دارای امکانات و کادر تخصصی لازم می‌باشد و زیر نظر واحد امین وظیفه نظارت بر اجرای طرح را بر عهده می‌گیرد.

پوشش بیمه: برای ایجاد امنیت و اطمینان نسبی و نیز جلوگیری از ورود خسارت احتمالی و پوشش ریسک به سپرده‌گذار، بانک و مجری، از تدابیر و راهکارهای مختلف بیمه‌ای استفاده می‌شود.

وثایق: اموالی که مجری یا وثیقه‌گذار در مقابل منابع دریافتی مجری در رهن بانک قرار می‌دهد تا در صورت عدم ایفاء

تعهدات مجری مطابق قراردادهای فی مابین، بانک بتواند از محل آنها تمامی مطالبات خود را وصول کند.
تضمینات: اسنادی هستند که مجری در مقابل منابع دریافتی در اختیار بانک قرار می‌دهد و بانک می‌تواند در صورت عدم ایفاء تعهدات مطابق قرارداد فیما بین از سوی وی باستناد آنها مجری و ضامن یا ضامنین را ملزم به انجام تعهدات نموده و مطالبات و حقوق خود را از مجری یا ضامنین مطالبه و وصول کند.

آورده مجری: آن قسمت از اموال و دارایی‌های نقدی و یا غیرنقدی مجری است که بمنظور مشارکت و تأمین بخشی از منابع طرح و در راستای تحقق و اجرای آن در قالب بانکداری مشارکت در سود و زیان در طرح مورد نظر بکار گرفته می‌شود:

الف- آورده نقدی: آورده مجری می‌تواند به صورت نقد یعنی پول رایج کشور و یا ارز خارجی قابل تبدیل به واحد پول کشور ایران باشد.

ب- آورده غیرنقدی: آورده مجری می‌تواند به صورت غیر نقد و شامل اموال منقول (غیر از پول رایج کشور و ارز خارجی قابل تبدیل) و غیرمنقول و توان تخصصی و مدیریتی مرتبط با طرح مورد نظر باشد.

مشارکت در طرح پایان پذیر: با خرید گواهی راستین در یکی از محصولات سه گانه بانکداری مشارکت در سود و زیان راستین آغاز می‌شود. در این نوع مشارکت در حالت مشارکت در طرح خاص یا بسته‌ای از طرح‌ها، پس از پایان عملیات اجرایی و فروش طرح یا بسته طرح‌ها و در حالت مشارکت در سود و زیان شعبه/ بانک در پایان سال مالی، سود و زیان حاصل براساس مفاد این آیین‌نامه و با لحاظ توافقات قراردادی میان سپرده‌گذار، بانک و مجری تسهیم و تسویه حساب نهایی می‌شود.

مشارکت در طرح پایان ناپذیر: در این نوع مشارکت سرمایه‌گذاری سپرده‌گذاران از طریق خرید گواهی‌های پذیره انجام می‌شود و پس از تکمیل و پایان عملیات اجرایی طرح و آغاز دوره بهره‌برداری بجای تقسیم و تسهیم سود و زیان حاصل در طرح‌های پایان ناپذیر، گواهی‌های پذیره سپرده‌گذاران توسط یا با نظارت بانک به سهام شرکت مجری تبدیل و هریک از سپرده‌گذاران به نسبت مبلغ اسمی مشارکت و طول مدت مشارکت در سرمایه شرکت شریک و سهم می‌شوند. عملیات مشارکت پس از تبدیل گواهی‌های پذیره سپرده‌گذاران به سهام شرکت پایان می‌یابد.

حوادث قهری و غیر مترقبه (فورس ماژور): رویداد و پیشامدی غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب است که خارج از اراده و کنترل طرفین قرارداد به وقوع می‌پیوندد و در اثر بروز آن انجام تکالیف و تعهدات قانونی و قراردادی غیر مقدور می‌شود.

داوری (حکمیت): حل و فصل تمامی اختلافات و منازعات فی مابین ناشی از اجرای مفاد قراردادهایی که طبق این آیین‌نامه منعقد و براساس ضوابط آیین‌نامه مزبور وفق قانون آیین دادرسی مدنی از طریق ارجاع امر به داوران مرضی الطرفین انجام می‌پذیرد.

صندوق مستمری: شخصیت حقوقی مستقلی است که تحت عناوینی مانند صندوق، سازمان، مؤسسه و غیره براساس قانون، اساسنامه یا دستورالعمل خاص، در حوزه تأمین مزایای بازنشستگی اعضا، با رعایت اصول حسابداری مشارکت راستین برای صندوق‌های با سرمایه متغیر فعالیت می‌کند. صندوق مستمری دو نوع است:

الف- صندوق تأمین: صندوق مستمری است که تحت قوانین بیمه اجباری تأمین اجتماعی با رعایت اصول حسابداری مشارکت راستین برای صندوق‌های با سرمایه متغیر فعالیت می‌کند.

ب- صندوق بازنشستگی: صندوق مستمری است که برای تأمین بازنشستگی افراد بصورت اختیاری و با رعایت اصول حسابداری مشارکت راستین برای صندوق‌های با سرمایه متغیر فعالیت می‌کند.

منابع

- حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه (۱۳۸۰) جریمه تأخیر تأدیه، مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی، انتشارات حقیقت، چاپ اول، ۱۳۸۰. <http://www.sufism.ir>
- حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده، مجموعه مقالات فقهی و اجتماعی، انتشارات حقیقت، تهران، ۱۳۸۰.
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۶. ترجمه محمد رضاخانی و حشمت الله ریاضی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملاسلطانمحمد بیدختی گنابادی سلطانعلیشاه، مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران. <http://www.sufism.ir>
- احمد محیی الدین حسن، عمل شرکت‌های الاستثمار الاسلامیه. عصمت پاشا، عیدالله، فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی، ترجمه علی صالح آبادی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۲.
- آیت الله خویی، توضیح المسائل.
- آیت الله سید روح الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، موسسه انتشارات دارالعلم، قم، چاپ سوم ۱۳۷۵، جلد سوم، مسئله ۳، ص ۶۹.
- البرواری، شعبان محمد اسلام، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامی. دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۲/م ۱۴۲۳ق.
- بیدآباد، بیژن (۱۳۸۶) علت تعارض آراء فقهی در مسائل اقتصادی، مصاحبه، مجله بانک و اقتصاد شماره ۸۹ بهمن.
- بیدآباد، بیژن؛ عبدالرضا هرسینی (۱۳۸۲) تحلیل فقهی - اقتصادی ربا در وام‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری و کاستی‌های فقه متداول در کشف احکام شارع. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران. <http://www.bidabad.com>
- بیژن بیدآباد، آذرنگ امیراستوار، سعید عبداللهی، محمود الهیاری فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهروز، پیشنویس لایحه قانونی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱.
- بیژن بیدآباد، آذرنگ امیراستوار، سعید عبداللهی، محمود الهیاری فرد، اسکندر پردل، مریم حیدری، علیرضا شفیعی، محمدعلی پوربهروز، پیشنویس آئین‌نامه اجرائی بانکداری راستین، بانک ملی ایران، ۱۳۹۱.
- تفسیر مجمع البیان.
- تفسیر نمونه.
- حبیب الله طاهری، حقوق مدنی ۶ و ۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسن امامی، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۰، چاپ سوم.
- دستورالعمل اجرائی عقد استصناع، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.
- دستورالعمل اجرائی عقد خرید دین، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.
- دستورالعمل اجرائی عقد مرابحه، بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰.

- دستورالعمل اجرایی قرض الحسنه اعطایی بانکها.
- الزحیلی، وهبه، المعاملات المالیه المعاصره بحوث و فتاوی و حلول، دمشق، دار الفکر، الطبعه الاولى ۱۴۲۳ق.
- عبدالحمید الرضوان، سمیر، اسواق الاوراق المالیه، قاهره المعهد العالمی للفکر الاسلامی الطبعه الاولى ۱۴۱۷ق.
- قانون مدنی ایران. <http://www.ghavanin.ir>
- قانون تجارت ایران. <http://www.ghavanin.ir>
- محمدجعفر جعفری لنگرودی، فرهنگ عناصرشناسی، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ اول.
- محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول.
- مستندات بانکداری راستین، بخش بانکداری راستین وبسایت <http://www.bidabad.com>
- مسعود انصاری، محمدعلی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ملحقات عروه.
- موسایی، میثم (۱۳۷۹)، بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران.
- ناصر کاتوزیان، عقود معین، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، چاپ دهم.
- والی نژاد، مرتضی (۱۳۸۱)، مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر بانکها و مؤسسه‌های اعتباری، پژوهشکده پولی و بانکی.
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۱) ربا و تورم، بررسی تطبیقی جریان کاهش ارزش پول و ربا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.